

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**



دانشگاه اراک

دانشکده علوم انسانی و زبان‌های خارجه

پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث

**عنوان:**

# **بررسی خاستگاه تفسیر موضوعی و آسیب‌شناسی آن باتکیه بر تفاسیر موضوعی معاصر**

**پژوهشگر:**

**آزاده نوری زاده**

**استاد راهنما:**

**دکتر کیوان احسانی**

**استاد مشاور:**

**دکتر علیرضا طبیبی**

بهار / ۱۴۰۰

بسم ... الرحمن الرحيم



« صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد »

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد آقای / خانم آزاده نوری زاده شماره دانشجویی ۳۹۷۱۱۲۱۰۲۷ رشته الهیات گرایش علوم قرآن و حدیث

تحت عنوان: بررسی خاستگاه تفسیر موضوعی و آسیب شناسی آن با تکیه بر عمده تفاسیر موضوعی معاصر  
با حضور هیأت داوران در محل دانشگاه اراک دانشکده علوم انسانی و زبان‌های خارجه در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۱۷ تشکیل گردید.

در این جلسه، پایان نامه مورد قبول  مردود  تمدید مهلت دفاع (طبق صورت جلسه)   
و با درجه: عالی  بسیار خوب  خوب  قابل قبول  غیر قابل قبول  مورد دفاع قرار گرفت.

نام و نام خانوادگی	سمت	مرتبۀ علمی	امضاء
دکتر کیوان احسانی	استاد راهنما		
دکتر علیرضا طبیبی	استاد مشاور		
دکتر فاطمه دسترنج	داور خارجی پایان نامه		
دکتر ابراهیم ابراهیمی	داور داخلی پایان نامه		

دفاع مطابق مجوز اخذ شده و ضوابط و آیین نامه دوره کارشناسی ارشد صورت پذیرفته است و نتیجه آن مورد تأیید است.

تحصیلات تکمیلی دانشکده

و من ... توفیق



### شورای اخلاق پژوهش

با استعانت از ضمایر بجهان و با اعتماد راسخ به اینکه عالم محضر خداست و او همواره ناظر بر اعمال ما است و به منظور انجام نیابتی پژوهش‌های اصیل، تولید دانش جدید و بهسازی زندگی بشر، ما دانشمندان و اعضای هیات علمی دانشگاه ما پژوهشگرانی هستیم که:

تمام تلاش خود برای کشف حقیقت و حفظ حقیقت به کار خواهیم بست و از هرگونه جعل و تحریف در حمایت‌های علمی پرهیز می‌کنیم. حقوق پژوهشگران، پژوهشگران (انسان، حیوان، گیاه و اشیاء)، سازمان‌ها و سایر صاحبان حقوق را بر ریت می‌شناسیم و در حفظ آن می‌کوشیم. به مالکیت مادی و معنوی آثار پژوهشی ارجح می‌نیم، برای انجام پژوهشی اصیل، اهتمام در زنده و از سرقت علمی و ارجاع نامناسب اجتناب می‌کنیم. ضمن پایداری به انصاف و اجتناب از هرگونه تبعیض و تعصب، در کفایت‌های پژوهشی، ریساقتی توازن اتخاذ خواهیم کرد. ضمن امانت داری، از منابع و امکانات اقتصادی، انسانی و فنی موجود استفاده بهره‌ورانه خواهیم کرد. از انتشار غیر اخلاقی نتایج پژوهش نظیر انتشار موازی، همپوشان و چندگانه (که ای پرهیز می‌کنیم) اصل محرمانه بودن و رازداری را محور تمام حمایت‌های پژوهشی خود قرار می‌دهیم. در همه حمایت‌های پژوهشی به منابع ملی توجه کرده و برای تحقق آن می‌کوشیم. خویش را ملزم به رعایت کلیه ی بنیادهای علمی رسته خود، قوانین و مقررات، سیاست‌های حرفه‌ای، سازمانی، دولتی، و راهبردهای ملی در همه ی مراحل پژوهش می‌دانیم. رعایت اصول اخلاق پژوهش را اقدامی فرهنگی می‌دانیم و به منظور بالندگی این فرهنگ به ترویج و اشاعه ی آن در جاسد اهتمام می‌ورزیم.

نام و نام خانوادگی دانشجو آزاده نوری زاده  
تاریخ:

امضاء:

استاد راهنما: دکتر کوان اسحاقی  
تاریخ:

امضاء:

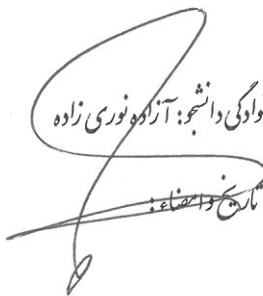


فرم تعهدنامه اصالت رساله پایان نامه

اینجانب آزاده نوری زاده دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپوسته رشته الهیات گرایش علوم قرآن و حدیث که در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱۷ از پایان نامه خود با عنوان بررسی خاستگاه تفسیر موضوعی و آسیب شناسی آن با تکیه بر تفاسیر موضوعی معاصر با درجه خوب دفاع نموده ام، بدین وسیله متعهد می‌شوم:

- ۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش اینجانب تحت نظارت و راهنمایی اساتید دانشگاه اراک بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب و مقاله) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و روال متعارف، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده ام.
- ۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات عالی ارائه نشده است.
- ۳- بعد از فراغت از تحصیل، متعهد می‌شوم هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت و اختراع و واکنداری اطلاعات به دیگران، ترجمه و اقتباس با موافقت کتبی دانشگاه اراک انجام پذیرد و از حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه اراک مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم و در صورت ارائه مقاله در همایشها و مجلات با ذکر نام دانشگاه اراک در کنار نام نویسنده که تعلق اثر به دانشگاه اراک بطور کامل محسوس باشد، حقوق دانشگاه را رعایت نمایم.
- ۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می‌پذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق با ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدارک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.
- ۵- کلیه نتایج و حقوق حاصل از این پایان نامه متعلق به دانشگاه اراک است.
- ۶- نقل مطالب با ذکر آخذ بلا مانع است

نام و نام خانوادگی دانشجو: آزاده نوری زاده  
تاریخ و امضاء:



## تقدیم بہ

یگانہ منجی عالم بشریت، حضرت بقیۃ اللہ الاعظم عجل اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف

سکان دار کشتی انقلاب، حضرت آیت اللہ العظمیٰ سید علی حسینی خامنہ ای

سرور دہلہا شہید حاج قاسم سلیمانی

پدرو مادر عزیز و بزرگوارم کہ ہستی ام را بدیون آنان، ہستم

## تقدیر و تشکر می‌کنم از

سرکار خانم دکتر کیوان احسانی که داوری پروژه می‌بنده را قبول زحمت فرمودند

جناب آقای دکتر علیرضا طیبی که مشاور بنده بودند در به سرانجام رساندن رساله

## چکیده

### بررسی خاستگاه تفسیر موضوعی و آسیب‌شناسی آن باتکیه بر تفاسیر موضوعی معاصر

رویاریویی با نظریه‌ها و مکاتب گوناگون در دوران معاصر به وسیله قرآن و ارائه نظریه قرآنی جز از طریق شیوه تفسیر موضوعی ممکن نخواهد بود؛ لذا آشنایی با مؤلفه‌هایی چون زمینه‌های پیدایش و گسترش این شیوه تفسیری و همچنین آسیب‌های این حوزه از اهمیت بالایی برخوردار است.

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است که خاستگاه‌ها و زمینه‌های توجه و گسترش این تفسیر کدام‌اند؟ چه آسیب‌های بر این تفسیر وارد است؟ و تفاسیر موضوعی معاصر با چه چالش‌ها و آسیب‌هایی روبه‌رو هستند؟

بر اساس پژوهش صورت‌گرفته برخی از خاستگاه‌ها و زمینه‌های توجه و گسترش تفسیر موضوعی شامل تقابل و تهاجم فرهنگی در عرصه‌های مختلف، احساس هویت اسلامی، پیدایش گرایش‌های انحرافی در تفسیر قرآن کریم، گسترش و پیشرفت امکانات تحقیق و اطلاع‌رسانی بوده و آسیب‌های چون عدم توجه به سیاق، تقطیع و جداکردن آیات از جغرافیای اصلی خود، تحمیل رأی و تطبیق ناروا، کلی بودن موضوعات بر این تفسیر وارد است که در تفاسیر موضوعی معاصر از جمله منشور جاوید، تفسیر موضوعی و معارف قرآن نیز گاهی دیده می‌شود.

لازم به ذکر است تاکنون هیچ پژوهش مستقلی به «بررسی خاستگاه تفسیر موضوعی و آسیب‌شناسی آن باتکیه بر عمده تفاسیر معاصر» نپرداخته است.

**کلید واژگان:** خاستگاه، آسیب‌شناسی، منشور جاوید، تفسیر موضوعی، معارف قرآن



فصل اول: کلیات و مفهوم‌شناسی .....	۱
مقدمه .....	۲
۱-۱- بخش اول: کلیات پژوهش .....	۲
۱-۱-۱- بیان مسئله .....	۲
۱-۱-۲- پرسش‌های پژوهش .....	۳
۱-۱-۲-۱- پرسش اصلی .....	۳
۱-۱-۲-۲- پرسش‌های فرعی .....	۳
۱-۱-۳- فرضیه‌های پژوهش .....	۳
۱-۱-۴- پیشینه پژوهش .....	۴
۱-۱-۴-۱- کتاب‌ها .....	۴
۱-۱-۴-۲- مقالات .....	۵
۱-۱-۴-۳- پایان‌نامه‌ها .....	۶
۱-۱-۴-۴- سایت‌ها .....	۸
۱-۱-۵- اهمیت و ضرورت پژوهش .....	۸
۱-۱-۶- اهداف پژوهش .....	۹
۱-۱-۶-۱- هدف اصلی .....	۹
۱-۱-۶-۲- اهداف فرعی .....	۹
۱-۱-۷- روش و ابزارهای پژوهش .....	۹
۱-۲- بخش دوم: مفاهیم و مصطلحات .....	۹
۱-۲-۱- تفسیر موضوعی .....	۹
۱-۲-۱-۱- مفهوم لغوی تفسیر .....	۹
۱-۲-۱-۲- مفهوم اصطلاحی تفسیر .....	۱۰
۱-۲-۱-۳- مفهوم موضوع .....	۱۱
۱-۲-۱-۴- مفهوم اصطلاح موضوعی بودن .....	۱۱
۱-۲-۱-۵- مفهوم ترکیب تفسیر موضوعی .....	۱۲
الف) جمع‌آوری روشمند تمام آیات .....	۱۳
ب) آیات، هم لفظ، هم معنا و هم مضمون .....	۱۳
ج) موضوع هدایتی (برخاسته از متن قرآن یا متن زندگی) .....	۱۳
د) سیاق .....	۱۴
ه) روایات .....	۱۴

و) تحلیل و جمع‌بندی مفاهیم استخراج‌شده از مجموع آیات.....	۱۴
ز) جهت‌دستیابی به دیدگاه جامع قرآن در موضوع مدنظر.....	۱۴
ح) در حد درک بشر.....	۱۵
۱-۲-۲- خاستگاه.....	۱۵
۱-۲-۳- آسیب‌شناسی.....	۱۵
<b>فصل دوم : خاستگاه تفسیر موضوعی.....</b>	<b>۱۷</b>
مقدمه.....	۱۸
۱-۱-۲- پیشینه تفسیر موضوعی.....	۱۸
۱-۱-۱-۲- مرحله تکوین و پیدایش.....	۱۸
۱-۱-۲-۲- ریشه قرآنی تفسیر موضوعی.....	۱۹
۱-۱-۲-۳- تفسیر موضوعی در کلمات معصومین علیهم‌السلام.....	۲۰
۱-۱-۲-۴- منابع تفسیر موضوعی در گذشته.....	۲۳
۱-۱-۲-۵- مرحله تجدد و شکوفایی.....	۲۳
۱-۲-۲- شرایط تفسیر موضوعی.....	۲۵
۱-۲-۱-۲- شرایط عام.....	۲۶
۱-۲-۲-۲- شرایط خاص.....	۲۷
۱-۲-۳-۲- نگاه سیستمی به مفاهیم قرآن.....	۲۷
۱-۲-۴-۲- موضوع‌شناسی علمی.....	۲۸
۱-۲-۵-۲- دخالت ندادن ذهنیات.....	۲۸
۱-۳-۱-۲- ارتباط تفسیر موضوعی با سایر تفاسیر.....	۲۹
۱-۳-۱-۲- تفسیر موضوعی و تفسیر ترتیبی.....	۲۹
۱-۳-۳-۲- تفسیر موضوعی و تفسیر قرآن به قرآن.....	۳۲
۱-۳-۴-۲- تفسیر موضوعی و تفسیر علمی.....	۳۴
۱-۴-۱-۲- امتیازات تفسیر موضوعی.....	۳۵
۱-۴-۱-۲- والایی در هدف.....	۳۵
۱-۴-۲- ژرف‌نگری.....	۳۶
۱-۴-۳- نقش اثباتی.....	۳۶
۱-۴-۴-۲- رفع اختلاف و حل تعارض ظاهری آیات.....	۳۷
۱-۴-۵- پاسخگویی به نیازهای عصر حاضر.....	۳۷
۱-۴-۶- حل اختلافات بین عقاید اسلامی.....	۳۷

۳۸.....	۲-۱-۵- ادله موافقان و مخالفان تفسیر موضوعی	۳۸
۳۸.....	۲-۱-۵-۱- دلایل موافقان	۳۸
۳۸.....	الف) دلیل قرآنی	۳۸
۳۹.....	ب) دلیل روایی	۳۹
۴۰.....	ج) دلایل عقلی	۴۰
۴۱.....	۲-۱-۵-۲- دلایل مخالفان	۴۱
۴۱.....	الف) دلیل قرآنی	۴۱
۴۱.....	ب) دلیل روایی	۴۱
۴۲.....	«الف) روایات ضرب القرآن در منابع شیعه	۴۲
۴۲.....	ب) روایات ضرب القرآن در منابع سنی	۴۲
۴۲.....	۲-۱-۵-۳- دلایل عقلی	۴۲
۴۲.....	الف) کیفیت اسلوب و ساختار قرآن	۴۲
۴۳.....	ب) جایگاه آیات در مصحف	۴۳
۴۴.....	ج) تفسیر موضوعی راهی انحرافی در تفسیر قرآن	۴۴
۴۴.....	۲-۲- بخش دوم: خاستگاه تفسیر موضوعی	۴۴
۴۵.....	۲-۲-۱- خاستگاه‌ها و زمینه‌های درون دینی	۴۵
۴۵.....	۲-۲-۱-۱- احساس هویت اسلامی	۴۵
۴۶.....	۲-۲-۱-۲- رشد علوم بشری و تخصصی شدن آن‌ها	۴۶
۴۷.....	۲-۲-۱-۳- سبک قرآن در بیان معارف الهی	۴۷
۴۸.....	۲-۲-۱-۴- توجه به بُعد هدایتی و تربیتی قرآن کریم	۴۸
۴۸.....	۲-۲-۱-۵- پیدایش گرایش‌های انحرافی در تفسیر	۴۸
۴۹.....	۲-۲-۱-۶- دانشکده‌های قرآنی در مجموعه حوزه‌های دینی	۴۹
۴۹.....	۲-۲-۱-۷- پیدایش و گسترش شبهات	۴۹
۵۰.....	۲-۲-۲- خاستگاه‌ها و زمینه‌های برون دینی	۵۰
۵۰.....	۲-۲-۲-۱- گسترش و پیشرفت امکانات تحقیق و اطلاع‌رسانی	۵۰
۵۱.....	۲-۲-۲-۲- پیدایش مکاتب گوناگون	۵۱
۵۲.....	۲-۲-۲-۳- مشاهده انحطاط جوامع اسلامی و رشد تمدنی غرب	۵۲
۵۳.....	۲-۲-۲-۴- تلاش برای اسلامی‌سازی علوم	۵۳
۵۴.....	۲-۲-۲-۵- خدشه‌دار شدن تعلیمات اسلامی	۵۴
۵۵.....	۲-۲-۲-۶- تهاجم فرهنگی در عرصه‌های مختلف	۵۵

۵۵	۲-۲-۷- پاسخگویی به نیازهای فرد و جامعه	۵۵
۵۶	۳-۲- جمع‌بندی فصل	۵۶
۵۸	<b>فصل سوم : آسیب‌شناسی تفسیر موضوعی</b>	۵۸
۵۹	مقدمه	۵۹
۵۹	۱-۳- بخش اول: روش‌شناسی تفسیر موضوعی	۵۹
۵۹	۳-۱-۱- تعریف روش و روش‌شناسی	۵۹
۶۰	۳-۱-۲- روش‌های تفسیر موضوعی	۶۰
۶۲	۳-۱-۳- مراحل تفسیر موضوعی	۶۲
۶۷	۲-۳- بخش دوم: آسیب‌شناسی تفسیر موضوعی	۶۷
۶۷	۳-۲-۱- آسیب‌های قواعد تفسیر	۶۷
۶۸	۳-۲-۱-۱- کم‌توجهی یا عدم توجه به سیاق	۶۸
۶۹	۳-۲-۱-۲- عدم توجه به قاعده جری و تطبیق	۶۹
۷۰	۳-۲-۱-۳- عدم توجه به برخی ویژگی‌های قرآن	۷۰
۷۱	۳-۲-۱-۴- افراط یا تفریط در بهره‌مندی از علوم	۷۱
۷۲	۳-۲-۱-۵- عدم توجه به ظاهر و باطن آیات	۷۲
۷۳	۳-۲-۱-۶- مخالفت تفسیر با مطالب قطعی عقلی	۷۳
۷۴	۳-۲-۱-۷- مخالفت تفسیر با علوم تجربی قطعی	۷۴
۷۴	۳-۲-۱-۸- عدم رعایت روش صحیح تفسیر	۷۴
۷۵	۳-۲-۱-۹- عدم تخصص در تفسیر	۷۵
۷۶	۳-۲-۱-۱۰- پیش‌داوری و تحمیل نظر بر قرآن	۷۶
۷۷	۳-۲-۲- آسیب‌های روش‌شناختی	۷۷
۷۷	۳-۲-۲-۱- انتخاب موضوعات کلی	۷۷
۷۸	۳-۲-۲-۲- ناتوانی در بررسی همه موضوعات	۷۸
۷۹	۳-۲-۲-۳- عدم توجه به دامنه نظریه‌پردازی قرآن در انتخاب موضوعات	۷۹
۷۹	۳-۲-۲-۴- اکتفا به کتاب‌های معجم قرآن در گردآوری آیات	۷۹
۸۰	۳-۲-۲-۵- عدم دقت در استخراج آیات	۸۰
۸۲	۳-۲-۲-۶- عدم مراجعه به تفسیر ترتیبی آیات	۸۲
۸۲	۳-۲-۲-۷- عدم توجه به ترتیب نزول در تفسیر آیات	۸۲
۸۳	۳-۲-۲-۸- عدم بهره‌مندی از روایات	۸۳
۸۳	۳-۲-۲-۹- افراط یا تفریط در بهره‌مندی از آراء و دیدگاه‌ها	۸۳

۳-۲-۱۰-عدم دقت یا شتاب در جمع‌بندی آیات و نظریه‌پردازی.....	۸۳
۳-۲-۱۱-نظریه‌پردازی قرآنی با الگوگیری از غرب.....	۸۵
۳-۳-جمع‌بندی فصل.....	۸۶
<b>فصل چهارم : آسیب‌شناسی تفاسیر موضوعی معاصر.....</b>	<b>۸۸</b>
مقدمه.....	۸۹
۴-۱-بخش اول: تفسیر موضوعی منشور جاوید.....	۸۹
۴-۱-۱-معرفی اجمالی اثر.....	۸۹
۴-۱-۲-روش‌شناسی تفسیر.....	۹۲
۴-۱-۳-آسیب‌شناسی تفسیر.....	۹۴
۴-۱-۳-۱-عدم داشتن شیوه یکسان در ارجاع‌دهی‌ها.....	۹۴
۴-۱-۳-۲-بیان مطالب بدون ذکر منبع.....	۹۴
۴-۱-۳-۳-ترجمه ناقص یا جابه‌جا برخی از آیات.....	۹۵
۴-۱-۳-۴-عدم ارتباط بین موضوعات طرح شده.....	۹۶
۴-۱-۳-۵-طرح عنوان ریز موضوعات از علوم دیگر.....	۹۶
۴-۱-۳-۶-عدم ارائه تصویری روشن از تفسیر موضوعی.....	۹۷
۴-۱-۳-۷-نداشتن عمل تفسیری یکسان.....	۹۸
۴-۱-۳-۸-پیش‌داوری و تحمیل رأی بر تفسیر.....	۹۸
۴-۱-۳-۹-پرداختن بیش از حد به علوم دیگر در ذیل یک عنوان.....	۹۹
۴-۱-۳-۱۰-عدم تفسیر برخی از آیات.....	۹۹
۴-۱-۳-۱۱-عدم ارائه نظریه قرآنی در برخی مباحث.....	۱۰۰
۴-۲-بخش دوم: تفسیر موضوعی جوادی آملی.....	۱۰۰
۴-۲-۱-معرفی اجمالی اثر.....	۱۰۰
۴-۲-۲-روش‌شناسی تفسیر.....	۱۰۴
۴-۲-۳-آسیب‌شناسی تفسیر.....	۱۰۷
۴-۲-۳-۱-عدم ترجمه برخی آیات و روایات.....	۱۰۷
۴-۲-۳-۲-عدم ارتباط بین مطالب و عناوین و فصل‌ها.....	۱۰۷
۴-۲-۳-۴-کلی بودن موضوعات.....	۱۰۸
۴-۲-۳-۵-کم‌توجهی به سیاق آیات.....	۱۱۰
۴-۲-۳-۶-کم‌توجهی به شأن نزول.....	۱۱۱
۴-۲-۳-۷-عدم تفسیر برخی از آیات منتخب.....	۱۱۱

۱۱۲	..... ۳-۴- بخش سوم: تفسیر معارف قرآن	۱۱۲
۱۱۲	..... ۱-۳-۴- معرفی اجمالی اثر	۱۱۲
۱۱۴	..... ۲-۳-۴- روش‌شناسی تفسیر	۱۱۴
۱۱۵	..... ۳-۳-۴- آسیب‌شناسی تفسیر	۱۱۵
۱۱۵	..... ۱-۳-۳-۴- کلی بودن موضوعات	۱۱۵
۱۱۶	..... ۲-۳-۳-۴- خلط برخی مباحث با یکدیگر	۱۱۶
۱۱۶	..... ۳-۳-۳-۴- عدم ترجمه برخی آیات	۱۱۶
۱۱۷	..... ۴-۳-۳-۴- عدم ارجاع برخی مطالب به منبعی خاص	۱۱۷
۱۱۸	..... ۵-۳-۳-۴- بیان روایات بدون ذکر منبع و سند	۱۱۸
۱۱۸	..... ۶-۳-۳-۴- اکتفا کردن به آدرس یا ترجمه آیات	۱۱۸
۱۱۹	..... ۷-۳-۳-۴- تحمیل رأی بر قرآن	۱۱۹
۱۲۰	..... ۴-۴- جمع‌بندی فصل	۱۲۰
۱۲۳	..... فصل پنجم : نتیجه‌گیری و پیشنهادات	۱۲۳
۱۲۴	..... ۱-۵- نتیجه‌گیری	۱۲۴
۱۲۸	..... ۲-۵- پیشنهادات	۱۲۸
۱۲۹	..... منابع	۱۲۹
۱۳۰	..... کتاب‌ها	۱۳۰
۱۳۲	..... گزارشات علمی و پایان‌نامه‌ها	۱۳۲
۱۳۲	..... مقالات	۱۳۲

## فصل اول

### کلیات و مفهوم شناسی

## مقدمه

در این فصل نظر به این است که ابتدا کلیات پژوهش که شامل بیان مسئله، پرسش‌های پژوهش، فرضیه‌ها، پیشینه پژوهش مورد بحث، اهمیت و ضرورت تحقیق در این زمینه، اهدافی که پژوهش دنبال می‌کند و روش‌ها و ابزارهای مورداستفاده در پژوهش مورد بررسی قرار گیرد و پس از آن به مفهوم‌شناسی برخی از مهم‌ترین اصطلاحاتی که در پژوهش مورد نظر بیشترین کاربرد را دارند؛ پرداخته شود.

### ۱-۱- بخش اول: کلیات پژوهش

#### ۱-۱-۱- بیان مسئله

قرآن کریم معجزه جاوید پیامبر اکرم (ص) است که پروردگار متعال آن را جهت هدایت و سعادت بشریت، برایشان نازل کرده است لذا بهره‌مندی از آن مستلزم درک و فهم عمیق معارف والای آن است. از این رو همواره در طول تاریخ، دانشمندان و عالمان دینی از راه‌ها و روش‌های مختلفی جهت تفسیر و تبیین و بهره‌مندی هر چه بیشتر از معارف این کتاب آسمانی استفاده کرده‌اند.

تفسیر موضوعی از جمله روش‌های تفسیر قرآن کریم است که به بررسی یک موضوع درون قرآنی یا برون قرآنی با تکیه بر آیات قرآن می‌پردازد. به این صورت که در ذیل یک موضوع، تمام آیات مرتبط با آن موضوع جمع‌آوری شده و به بررسی وجه ارتباط آن آیات با یکدیگر و نهایتاً با موضوع مورد بحث می‌پردازد؛ در واقع پژوهشگر با این روش به استنتاج روشمند قرآن کریم پرداخته و در نهایت به نظریه جامع قرآن کریم در موضوعی خاص دست می‌یابد. از این رو بررسی خاستگاه‌ها و زمینه‌های پیدایش این روش تفسیری از اهمیت بسزایی برخوردار است.



تفسیر موضوعی همانند سایر روش‌های تفسیری دیگر کاستی‌ها و آسیب‌هایی دارد که غفلت از آن‌ها جایز نیست. لذا این پژوهش درصدد آن است که پس از بررسی خاستگاه‌ها و زمینه‌ها و علل پیدایش، رشد و گسترش تفسیر موضوعی و همچنین آسیب‌شناسی آن؛ به بیان نمونه‌هایی از این آسیب‌ها در عمده تفاسیر موضوعی معاصر بپردازد.

### ۱-۱-۲- پرسش‌های پژوهش

#### ۱-۱-۲-۱- پرسش اصلی

۱- خاستگاه‌ها و آسیب‌های وارد بر تفسیر موضوعی باتکیه بر تفاسیر موضوعی معاصر کدام‌اند؟

#### ۱-۱-۲-۲- پرسش‌های فرعی

- ۱- خاستگاه‌ها و علل پیدایش، رشد و گسترش تفسیر موضوعی کدام‌اند؟
- ۲- چه آسیب‌ها و کاستی‌هایی متوجه تفسیر موضوعی است؟
- ۳- چه آسیب‌هایی بر تفاسیر موضوعی معاصر وارد است؟

### ۱-۱-۳- فرضیه‌های پژوهش

به نظر می‌رسد پیشرفت علوم بشری و تخصصی شدن آن‌ها، توسعه ابزارها و روش‌های دستیابی به اطلاعات، اهمیت بیان دیدگاه قرآن به صورت نظریه‌های مستقل و... از جمله خاستگاه‌های تفسیر موضوعی باشد.

به نظر می‌رسد که آسیب‌هایی مانند عدم توجه به سیاق، تقطیع و جداکردن آیات از جغرافیای اصلی خود، تحمیل رأی و تطبیق ناروا و... بر این تفسیر وارد باشد.

ممکن است آسیب‌هایی در ساختار، طبقه‌بندی، قواعد و روش تفسیری مفسرین و تفاسیر موضوعی معاصر وجود داشته باشد.

### ۱-۱-۴- پیشینه پژوهش

باتوجه به عنوان پژوهش که از سه بخش، خاستگاه تفسیر موضوعی، آسیب‌شناسی تفسیر موضوعی و آسیب‌شناسی تفاسیر موضوعی معاصر تشکیل شده است؛ بررسی‌هایی در منابع علمی موجود از جمله منابع الکترونیکی، کتاب‌ها و نشریات معتبر داخلی صورت گرفته شد. در این بررسی هیچ کتاب، پایان‌نامه یا مقاله‌ای تحت این عنوان (بررسی خاستگاه تفسیر موضوعی و آسیب‌شناسی آن باتکیه بر عمده تفاسیر موضوعی معاصر) نگاشته نشده است و یا نگارنده از وجود آن آگاهی ندارند. اما منابعی که به بخش یا بخش‌هایی از این پژوهش پرداخته یا اشاره کرده‌اند وجود دارند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

#### ۱-۱-۴-۱- کتاب‌ها

۱- سید هدایت جلیلی در کتاب روش‌شناسی تفاسیر موضوعی قرآن (۱۳۷۳)، مطالب کتاب را به صورت یک مدخل و سه مرحله "توصیف، تبیین و توصیه" بیان کرده است. مدخل دارای ۹ فصل است که در این فصول ضمن بیان موضوعاتی چون تاریخ تفسیر موضوعی، جایگاه تفسیر موضوعی در طبقه‌بندی تفاسیر، تفسیر موضوعی روش یا روش‌ها و... در فصل اول به بیان بستر تاریخی تفسیر موضوعی که اشاره‌ای است به خاستگاه تاریخی این تفسیر، پرداخته شده است.

۲- همچنین ایشان در کتاب تفسیر موضوعی، چیستی، بنیان‌ها و پیش‌فرض‌ها (۱۳۸۷)، برخی از علل تاریخی - معرفتی گرایش و توجه به این تفسیر، در دو سده اخیر را بیان کرده است.

۳- کاظم قاضی‌زاده در کتاب روش‌شناسی تفسیر موضوعی قرآن (۱۳۹۶)، به زمینه‌ها و علل بروز و تحول تفسیر موضوعی در دوران جدید به طور مجمل اشاراتی داشته است.

۴- نویسنده در کتاب مباحث فی التفسیر الموضوعی، مصطفی مسلم (۱۴۲۱ق) ابتدا به پیدایش تفسیر و چگونگی گسترش آن پرداخته و پس از آن به بیان تعریف تفسیر موضوعی، انواع و اهمیت و همچنین پیدایش این تفسیر می‌پردازد؛ و در ادامه نیز به روش‌های تفسیر موضوعی و همچنین علم مناسبات اشاره کرده است.

**۱-۱-۴-۲- مقالات**

مقالات بسیار زیادی در ذیل عنوان تفسیر موضوعی به رشته تحریر درآمده‌اند؛ اما تنها بخشی از این پژوهش‌ها با پژوهش حاضر در ارتباط‌اند که برخی از آن‌ها بیان می‌شود.

۱- در آذرماه ۱۳۹۷ مقاله‌ای تحت عنوان «نقدی بر تفسیر موضوعی قرآن کریم با رویکرد اقتصادی» در پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، شماره ۶۱ توسط منصور پهلوان و سید احمد میرهاشمی اسفهلان نوشته شده است که در این مقاله پس از معرفی کتاب تفسیر موضوعی قرآن کریم با رویکرد اقتصادی و تعریف تفسیر موضوعی و همین‌طور تعریف علم اقتصاد و ارتباط آن با مؤلفه‌های مختلف، به نقد و آسیب‌شناسی این کتاب به‌عنوان یکی از تفاسیر موضوعی معاصر پرداخته است.

۲- مقاله «بررسی تفسیر موضوعی قرآن کریم» در سال ۱۳۹۶ در مجله مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، شماره ۸ توسط ابراهیم کوهساریان به نگارش درآمده که ضمن معرفی بخش‌های مختلف این تفسیر از جمله تعریف تفسیر موضوعی، پیشینه، ضرورت و... در یک بخش نیز به بیان آسیب‌هایی که بر این تفسیر وارد است پرداخته شده است.

۳- مقاله‌ای تحت عنوان «نقد و بررسی طبقه‌بندی‌های موضوعی قرآن، از سید مهدی لطفی و فاطمه هادیان در فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۲۷ در سال ۱۳۹۵ به چاپ رسیده است که در آن پس از بیان ضرورت طبقه‌بندی در موضوعات قرآنی، طبقه‌بندی‌های موضوعی قرآن و... به بیان طبقه‌بندی برخی از اهم تفاسیر موضوعی و نقد و بررسی این طبقه‌بندی‌ها پرداخته و در آخر نیز روش‌هایی را در طبقه‌بندی موضوعات معرفی می‌کند.

۴- محمود رجبی در سال ۱۳۸۸ در مجله قرآن شناخت، شماره ۴ در مقاله‌ای با عنوان «تفسیر موضوعی قرآن از منظر استاد محمدتقی مصباح یزدی» پس از بیان تعریف تفسیر موضوعی، کاربردهای تفسیر موضوعی، پیشینه، ضرورت، روش و مراحل و اقسام این تفسیر، اشاره‌ای کوتاه به آسیب‌های این تفسیر نیز کرده است.

۵- علی رهبر در مقاله‌ای تحت عنوان «تفسیر موضوعی» که در مجله قرآنی کوثر، شماره ۲۶، در زمستان ۱۳۸۶ به چاپ رسیده است؛ به بررسی و معرفی تفسیر موضوعی به‌طور کلی پرداخته است. به این صورت که پس از بیان چکیده‌ای از تاریخ پیدایش دانش تفسیر و تحول

آن و جایگاه تفسیر موضوعی، به بررسی جنبه روش شناختی تفاسیر موضوعی و شناخت خاستگاه آن می پردازد.

۶- مقاله «آسیب شناسی تفسیر موضوعی» از علی سراقی، مجله معرفت، شماره ۱۰۷ که در سال ۱۳۸۵ به نگارش درآمده است؛ این مقاله تنها مقاله ای است که به طور مستقل فقط به آسیب شناسی این تفسیر پرداخته است که محقق در این پژوهش به بیان آسیب هایی که ممکن است مفسر در بخش های مختلف تفسیر گرفتار آن شود پرداخته است.

۷- در سال ۱۳۷۵ در فصلنامه پژوهش های قرآنی، شماره ۷ و ۸ ابوطالب محمدی در مقاله ای تحت عنوان «منابع و روش های تفسیر موضوعی در سده چهاردهم» در ضمن بیان کاربرد قرآن در تفسیر موضوعی، بیان جایگاه آرای مفسران و همچنین نقش لغت، تاریخ، عقل، دانش تجربی در این تفسیر و... در یک بخش نیز به ذکر برخی از آسیب های وارد بر تفسیر موضوعی پرداخته اند.

۸- مقاله ای تحت عنوان «شکوفایی تفسیر موضوعی در بستر قرن اخیر» توسط سید ابراهیم سجادی در سال ۱۳۷۵ در فصلنامه پژوهش های قرآنی، شماره ۷ و ۸ نگاشته شده که در این مقاله ایشان ابتدا به پیشینه این تفسیر اشاره کرده و پس از آن برخی از عوامل و زمینه های توجه به تفسیر موضوعی را بیان کرده و در ادامه نیز مباحثی چون پیوستگی مفاهیم قرآنی، شرایط تفسیر موضوعی و... را مورد بررسی قرار داده است.

۹- مقاله ای تحت عنوان «بازتاب تفکر اصلاحی در تفاسیر جدید» از حسین هاشمی، در فصلنامه پژوهش های قرآنی، شماره ۷ و ۸ در سال ۱۳۷۵ نگاشته شده که نویسنده در این پژوهش به بررسی زمینه های پیدایش تفکر اصلاحی در قرن ۱۴ و ابعاد اثرگذار آن در جریان تفسیر قرآن پرداخته است.

### ۱-۱-۳-۴-۳- پایان نامه ها

پایان نامه ها نیز یکی از منابع کاربردی در انجام پژوهش های علمی است که توجه و بهره مندی از آن ها آثار جدید را غنی و پر بار می کند. از جمله پایان نامه هایی که پیشینه پژوهش مورد نظر را پوشش می دهند عبارت اند از:

۱- پایان‌نامه‌ای از دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) از شهریانو خویشوند در سال ۱۳۹۴ تحت عنوان «روش‌شناسی، مقایسه و نقد دو تفسیر موضوعی منشور جاوید و التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم با محوریت قصص الانبیاء» نگاشته شده است که ضمن بیان روش تفسیری دو مفسر در تفاسیر خود و مقایسه آن‌ها با یکدیگر به نقد این دو تفسیر، به طور مختصر نیز اشاره کرده است.

۲- پایان‌نامه‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی تفاسیر موضوعی فارسی، بررسی موردی منشور جاوید، پیام قرآن و تفسیر موضوعی» از دانشگاه اصفهان توسط فاطمه هادیان در سال ۱۳۹۳ به نگارش درآمده که به آسیب‌شناسی طبقه‌بندی و روش‌شناختی این سه نمونه از تفسیر موضوعی معاصر پرداخته است.

۳- پایان‌نامه‌ای با عنوان «تفسیر موضوعی در مکتب اهل بیت (ع)» از دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم در مقطع کارشناسی ارشد توسط نیره اسحاقی و به راهنمایی صالح قنادی در سال ۱۳۹۲ به نگارش درآمده که در بخش بسیار کوتاهی از یک فصل، پس از بیان سیر تاریخی تفسیر موضوعی، به بیان مراحل تکوین و پیدایش و همین‌طور تجدید و شکوفایی این تفسیر اشاره کرده است.

۴- پایان‌نامه کارشناسی ارشد از دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تحت عنوان «تفسیر موضوعی در بحارالانوار» توسط کبری آرمیده و به راهنمایی عبد‌الهادی فقهی زاده در سال ۱۳۸۸ به رشته تحریر درآمده است که در این پایان‌نامه در یک بخش کوتاه و به طور غیرمستقیم و سربسته به برخی از خاستگاه‌های تفسیر موضوعی اشاره کرده است.

۵- حبیب‌الله زارعی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد، علوم قرآنی خود تحت عنوان «تفسیر موضوعی قرآن» قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ در ضمن بیان موضوعاتی چون ضرورت تفسیر قرآن، تقسیم‌بندی تفاسیر به ترتیبی و موضوعی، تعریف تفسیر موضوعی، پیشینه این تفسیر و... علل گرایش به تفسیر موضوعی را نیز در اثر خود مطرح کرده است.

**۱-۱-۴-۴- سایت‌ها**

۱- سایت ویکی فقه (دانشنامه حوزوی) [www.wikifeqh.ir](http://www.wikifeqh.ir) نیز به برخی از علل گرایش به این تفسیر در دوران معاصر اشاره کرده است.

همان گونه که بیان شد در تحقیقات پیشین تنها به بخشی از عنوان مورد بررسی در این پژوهش، آن هم به صورت مختصر پرداخته شده و مسئله خاستگاه و آسیب‌شناسی تفسیر موضوعی و همچنین آسیب‌شناسی سایر بخش‌های تفاسیر موضوعی معاصر کم‌تر مورد توجه بوده و به‌طور جدی مورد اهتمام نبوده است؛ لذا پرداختن به این مسائل به طور جامع و کامل در قالب یک پایان‌نامه می‌تواند از تفاوت‌ها و وجوه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های پیشین باشد.

**۱-۱-۵- اهمیت و ضرورت پژوهش**

تفسیر موضوعی از جمله روش‌های بهره‌مندی از آیات قرآن کریم در کنار سایر روش‌های تفسیری است. آگاهی از خاستگاه، علل و زمینه‌های پیدایش آن و همچنین بررسی کاستی‌ها و آسیب‌های وارد بر آن از جهات گوناگون ضروری و حائز اهمیت است. نخست اینکه شناخت خاستگاه و زمینه‌های پیدایش و گسترش یک علم از جمله تفسیر موضوعی، در درک ماهیت و چگونگی بهره‌مندی صحیح از آن کمک شایانی می‌کند. همچنین این شیوه تفسیری همانند سایر تفاسیر، قواعد و ضوابط خاص خود را دارد و همین‌طور با آسیب‌ها و کاستی‌هایی روبه‌رو است که شناخت این موانع و آسیب‌ها مهم و ضروری می‌باشد؛ لذا آشنایی و شناخت آن از ابعاد گوناگون از جمله شناخت خاستگاه و آسیب‌های آن می‌تواند قرآن‌پژوه را در بهره‌مندی هرچه بیشتر و بهتر از آیات الهی یاری رساند. به‌ویژه اینکه در عصر حاضر گرایش به قرآن و بهره‌مندی از هدایت‌های الهی گسترش یافته و مخاطبان کنونی آن بیشتر در پی دریافت دیدگاه وحی در یک موضوع، به صورت نظریه‌اند و این مهم، جز به کمک تفسیر موضوعی ممکن نخواهد بود.

**۱-۱-۶- اهداف پژوهش****۱-۱-۶-۱- هدف اصلی**

۱- شناخت خاستگاه تفسیر موضوعی و آسیب‌شناسی آن باتکیه بر عمده تفاسیر موضوعی معاصر

**۱-۱-۶-۲- اهداف فرعی**

- ۱- شناخت خاستگاه‌ها و علل پیدایش، رشد و گسترش تفسیر موضوعی
- ۲- آسیب‌شناسی تفسیر موضوعی
- ۳- بیان نمونه‌هایی از آسیب‌های وارد بر تفاسیر موضوعی معاصر

**۱-۱-۷- روش و ابزارهای پژوهش**

باتوجه به ماهیت مسئله، روش این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است؛ به این صورت که ابتدا در صدد بیان خاستگاه‌ها و علل پیدایش و گسترش این تفسیر بوده و پس از آن ضمن بررسی کاستی‌ها و آسیب‌هایی که متوجه این شیوه از تفسیر قرآن کریم می‌شود؛ به ذکر نمونه‌هایی از این آسیب‌ها در تفاسیر موضوعی معاصر و تحلیل این آسیب‌ها پرداخته شده است. لازم به ذکر است که باتوجه به محدودیت‌های ایجاد شده در پی شیوع بیماری کرونا دسترسی به منابع کتابخانه‌ای بسیار محدود و ناچیز بوده، لذا بیشترین بهره پژوهش حاضر از طریق نرم‌افزارها و منابع الکترونیکی، پایان‌نامه‌ها و مقالات علمی معتبر بوده است.

**۱-۲- بخش دوم: مفاهیم و مصطلحات****۱-۲-۱- تفسیر موضوعی****۱-۲-۱-۱- مفهوم لغوی تفسیر**

کلمه تفسیر در لغت از ریشه «فَسَّرَ» به معنای آشکار کردن، کشف و پرده برداشتن از معنای کلام است. ابن فارس می‌گوید: «فَسَّرَ» دلالت بر بیان کردن و روشن ساختن امری دارد (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۵۰۴)؛ همچنین به معنای توضیح و تشریح، کشف

مفاهیم الفاظ، عبارات آیات و بیان مقاصد قرآن است. در تفسیر، بیشتر نظر به ظاهر و الفاظ قرآن است. (جوان آراسته، بی تا، ص ۷۴).

راغب اصفهانی می‌گوید: «فسر و سفر» همان گونه که از نظر لفظی قریب هم‌اند، از لحاظ معنایی نیز به یکدیگر نزدیک‌اند؛ با این تفاوت که فسر برای اظهار معنای معقول و مفاهیم غیر محسوس و سفر برای نمودار ساختن اشیاء خارجی و محسوس، به منظور دیدن است، مثلاً می‌گویند: «سفر المرأة عن وجهها و اسفرت» (زن صورت خویش را آشکار کرد)؛ یا گفته می‌شود: «اسفر الصبح: سپیده صبح پدیدار گشت». سیوطی می‌گوید: کلمه تفسیر، از باب تفعیل برگرفته از فَسَرَ، به معنای بیان و کشف است و چه بسا گفته شده که فسر در واقع، واژگون شده سفر، یعنی برخاسته از اشتقاق کبیر می‌باشد. (مؤدب، ۱۳۸۰ ه.ش، ص ۲۳)

#### ۱-۲-۱-۲- مفهوم اصطلاحی تفسیر

«تفسیر در اصطلاح مفسران عبارت است از زدودن ابهام از لفظ مشکل و دشوار که در انتقال معنای مورد نظر، نارسا و دچار اشکال است. ماده «فسر» را به باب تفعیل برده‌اند تا بیانگر مبالغه در دستیابی به معنا باشد؛ از این رو تفسیر، تنها کنار زدن نقاب از چهره لفظ مشکل و نارسا نیست، بلکه عبارت است از زدودن ابهام موجود در دلالت کلام» (معرفت، ۱۳۷۹ ه.ش، ج ۱، ص ۱۸).

«تفسیر» به عنوان یک «علم» عبارت است از «علمی که از قرآن کریم، به عنوان کلام خداوند متعال، بحث می‌کند» «التفسیر علم یبحث فیه عن القرآن الکریم کلاماً لله تعالی». قرآن، از آن جهت که کلام الله است، موضوع علم تفسیر قرار می‌گیرد؛ بنابراین، «علم تفسیر» همه بحث‌های مربوط به قرآن، به عنوان این که کلام الله است را شامل می‌گردد و بحث درباره شیوه کتابت حروف و کلمات قرآن یا شیوه تلفظ و ادای صوتی قرآن، داخل در حوزه تفسیر نیست. زیرا، نگارش و تلفظ از اوصاف قرآن به عنوان «کلام الله» و «سخن خداوند» نیستند و کلام خدا بودن قرآن مدخلیتی در نحوه کتابت یا قرائت آن ندارد» (حکیم، ۱۳۷۸ ه.ش، صص ۲۳۲ و ۲۳۳).



«کلمه تفسیر در قرآن نیز به کار رفته است؛ آیه ۳۳ سوره فرقان در پاسخ مشرکان مکه که همواره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را نکوهش کرده و نبوت و رسالت او را زیر سؤال می بردند، می فرماید:

«وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا»

(آنان هیچ مثلی برای تو نمی آورند مگر اینکه ما حق را برای تو می آوریم و تفسیری بهتر)» (مؤدب، ۱۳۸۰ ه.ش، ص ۲۳).

### ۱-۲-۱-۳- مفهوم موضوع

«موضوعی» اسم منسوب به موضوع است و «موضوع» از ریشه «وضع» به معنای قرارداد است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۰، ص ۶۸۱)؛ همچنین به جای گذاشتن چیزی (مصطفوی، ۱۴۱۶ ه.ق، ج ۱۳، ص ۱۳۰) و به ضد الرفع و به معنای القاء و ثابت نمودن نیز معنا شده است (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۳۹۶).

«موضوع، آن واقعیت خارجی است که مفسر درصدد یافتن نظر قرآن کریم درباره آن است. مصطفی مسلم موضوع را قضیه یا امری متعلق به جنبه‌ای از جوانب زندگی درباره عقیده یا رفتار اجتماعی یا پدیده‌های هستی که آیات قرآن به آن پرداخته است، می داند. در مجموع می توان گفت: لفظ موضوع در اصطلاح تفسیر موضوعی بستگی به دامنه موضوعی دارد که برای آن مشخص می کنیم» (خویشوند، ۱۳۹۷ ه.ش، ص ۱۷۳).

### ۱-۲-۱-۴- مفهوم اصطلاح موضوعی بودن

«آیت الله صدر برای اصطلاح موضوعی بودن سه معنا ذکر کرده اند که عبارت اند از

۱- موضوعی بودن در مقابل «شخصی بودن» و «گرایشی بودن» تحقیق. به این معنا، «موضوعی بودن» عبارت است از امانت و استقامت در بحث و تحقیق و تمسک به شیوه‌های علمی مبتنی بر حقایق واقعی در نفس الامر در واقع، بدون آنکه محقق تحت تأثیر احساسات و وابستگی‌های شخصی خویش باشد، یا در حکم‌هایی که در روز تحقیق صادر می کند، یا نتایجی که در پایان تحقیق به آن‌ها می رسد، گرایش به سمت و سوی به خصوصی داشته باشد. «موضوعی»

بودن به این معنا، مطلب درستی است و در هر دو روش «تجزیه‌ای» و «موضوعی» مفروض است و به هیچ‌یک از این دو روش اختصاص ندارد.

۲- موضوعی بودن به این معنا که محقق از «موضوع» که عبارت از یک «واقعیت خارجی» است شروع می‌کند و به قرآن کریم بازمی‌گردد تا موضع و برخورد و دیدگاه قرآن را در برابر آن واقعیت خارجی بازشناسد. مفسر در این شیوه تفسیر قرآن، نگاهش را بر یک موضوع از موضوعات زندگی متمرکز می‌کند و همه تجارب بشری را پیرامون آن موضوع فراهم می‌آورد که بشر تاکنون چه مشکلاتی را در ارتباط با موضوع موردبحث مطرح کرده و چه راه‌حلهایی را برای آن مشکلات پیش‌بینی کرده است؟ در طول تاریخ، چه سؤالاتی در زمینه این موضوع مطرح شده است و چه جاهای خالی، همچنان در آن وجود دارد؟ آنگاه، متن قرآن را پیش می‌کشد و با نصوص قرآنی، گفتگویی را ترتیب می‌دهد. مفسر سؤال می‌کند و قرآن جواب می‌دهد. مفسر همواره در پی آن است که موضع قرآن کریم را در برابر موضوع موردبحث کشف کند. این روش را به اعتبار این که تجارب بشری را با قرآن کریم یکی می‌گرداند، «توحیدی» (وحدت‌بخش) نیز نامیده‌اند؛ البته نه به آن معنا که تجربیات بشر را بر قرآن تحمیل کند ... بلکه به آن معنا که این دو رهاورد را در یک‌روند واحد به جریان بیندازد ... تا در نتیجه بتواند آن مفهوم و معرفت قرآنی را که موضع اسلام را در برابر این تجربیات بشری یا مقولات فکری مشخص می‌گرداند، به دست آورد.

۳- گاه، مراد از موضوعی بودن، صرف انتساب به «موضوع» است. مفسر یک موضوع معین را برمی‌گزیند، آنگاه آیاتی را که در آن موضوع مشترک‌اند، فراهم می‌آورد و آن‌ها را تفسیر می‌کند و می‌کوشد تا از مجموع آن آیات، یک نظریه قرآنی در ارتباط با آن موضوع استخراج کند. این روش را نیز می‌توان «توحیدی» (وحدت‌بخش) نامید؛ زیرا میان این آیات به صورت یک مرکب واحد نظری وحدت ایجاد می‌کند» (حکیم، ۱۳۷۸ ه.ش، ص ۳۳ و ۶۱ و ۶۲).

### ۱-۲-۱-۵- مفهوم ترکیب تفسیر موضوعی

دانشمندان و مفسران علوم قرآنی تعاریف گوناگونی از تفسیر موضوعی ارائه کرده‌اند اما هریک از این تعاریف دارای کاستی‌ها و اشکالاتی است. شهربانو خویشوند در یک پژوهش

پس از بررسی و نقد این تعاریف، یک تعریف که جامع همه این تعاریف است را ارائه داده که پس از بیان آن به شرح هریک از قیده‌های آن نیز پرداخته است.

طبق این تعریف «تفسیر موضوعی عبارت است از جمع‌آوری روشمند تمام آیات (هم لفظ، هم معنا و هم مضمون) مرتبط به موضوع هدایتی (برخاسته از متن قرآن یا متن زندگی) و تفسیر آن بر اساس سیاق (در صورتی که سیاق، تعیین‌کننده باشد) و روایات و تحلیل و جمع‌بندی مفاهیم استخراج‌شده از مجموع آیات، جهت دستیابی به دیدگاه جامع قرآن در موضوع مدنظر در حد درک بشر».

### **الف) جمع‌آوری روشمند تمام آیات**

اگر تمام آیات به‌صورت روشمند جمع نشود، در این صورت پاسخ و دیدگاه به‌دست‌آمده از قرآن در مورد آن موضوع، جامع نخواهد بود. در توضیح قید روشمند، باید گفت که جهت جستجوی روشمند آیات، به یک گنج‌واژه قرآن نیاز است و تا زمانی که گنج‌واژه‌ای برای قرآن نوشته نشده است، این جمع‌آوری همچنان ناقص خواهد بود. همچنین، تفسیر یک سوره یا چند سوره را نمی‌توان تفسیر موضوعی به‌حساب آورد؛ زیرا تمام آیات مربوط به یک موضوع جمع نشده است.

### **ب) آیات، هم لفظ، هم معنا و هم مضمون**

صرف آیات، شامل لفظ موضوع نمی‌تواند برای دست‌یافتن به دیدگاه جامع قرآن کافی باشد. چه‌بسا، ممکن است برخی آیات مضمون، معنا و مفهوم مشترکی با موضوع مدنظر داشته باشند، ولی لفظشان با لفظ موضوع، متفاوت باشد.

### **ج) موضوع هدایتی (برخاسته از متن قرآن یا متن زندگی)**

در قرآن کریم قرار نیست هر موضوعی مورد بررسی قرار گیرد؛ مثلاً جغرافیا، نجوم، طب و... چراکه قرآن کتاب هدایت است و به دلیل کامل بودن این کتاب، موضوع‌های مرتبط با هدایت انسان در آن آمده است؛ بنابراین، موضوعاتی در تفسیر موضوعی قرار می‌گیرند که مرتبط با هدایت انسان باشند. موضوع نیز در تفسیر موضوعی می‌تواند از هر دو گونه باشد؛ در برخی مواقع، موضوع درون قرآن قرار دارد و سؤال‌برانگیز می‌شود و از درون خود قرآن جواب آن

به صورت تفسیر موضوعی یافت می شود و گاهی نیز موضوع از خارج به قرآن ارائه می شود و بازهم با روش تفسیر موضوعی، پاسخ مدنظر قرآن استخراج می شود.

#### **(د) سیاق**

نمی توان آیات را بدون توجه به سیاق و سوره ای که در آن قرار دارد، بررسی کرد، زیرا یکی از قرائن خیلی بارز و معتبر در تفسیر آیات، سیاق سوره ای است که آیات در درون آن قرار گرفته است؛ یعنی هر آیه ای در مکانی که واقع گردیده، با آیات قبل و بعد خویش ارتباط خاصی دارد و در فضای خاص خود، مفاهیم بسیاری ارائه می کند. ممکن است که گاهی در آیه قبل و بعد، قرینه ای یافت شود و بدون توجه به این قرائن، مفاد واقعی آیات به دست نیاید. در این مرحله، مفسر باید مفاهیم به دست آمده از هر یک از آیات را جمع آوری نماید، نه خود آیه را جدای از سیاق و سوره اش.

#### **(ه) روایات**

تفسیر قرآن بدون تبیین و شرحشان توسط روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام ممکن است موجب گمراهی مفسر و افتادن وی در دام تفسیر به رأی شود.

#### **(و) تحلیل و جمع بندی مفاهیم استخراج شده از مجموع آیات**

در این بخش از تعریف تفسیر موضوعی، تأکید بر این نکته است که باید مفاهیم استخراج شده از مجموع آیات، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند و صرفاً، نمی توان با نگاه به برخی از آیات منتخب در موضع خاصی ادعای ارائه نظر قرآن را داشت.

#### **(ز) جهت دستیابی به دیدگاه جامع قرآن در موضوع مدنظر**

این بخش از تعریف تفسیر موضوعی بازگوکننده هدف تفسیر موضوعی است و همچنین، بیان کننده این نکته است که هر فرایند گردآوری یا جداسازی، تفسیر موضوعی نیست و مجموعه مباحث همچون اشباه و نظائر، اعلام القرآن، اقسام القرآن، امثال القرآن و ... همگی از محدوده تفسیر موضوعی خارج اند.

### ج) در حد درک بشر

هر مفسری که معصوم نباشد توانایی درک باطن و ظاهر قرآن را به طور کامل ندارد، در نتیجه نمی‌تواند تمامی دیدگاه‌های جامع قرآن را دریابد. پس باید در تعریف تفسیر موضوعی تذکر داد که هرآنچه مفسر ارائه می‌دهد، همه سخن قرآن نیست، بلکه تنها برداشت‌های مفسر در حد درکش از قرآن است. (خویشوند، ۱۳۹۷، ه.ش، صص ۱۸۲-۱۸۴)

### ۱-۲-۲- خاستگاه

خاستگاه از بن ماضی فعل خاستن با پسوند گاه بوده و به معنای جایی که چیزی از آن برمی‌خیزد یا در آن پدید می‌آید، منبع، منشأ (معین، ۱۳۵۰ ه.ش) و همچنین به معنای مبدأ، محل برخاستن و جای بلند شدن و طلوع کردن (دهخدا، ۱۳۱۹ ه.ش) است و در اصطلاح عبارت است از علل، عوامل و شرایط مختلف در ظهور و بروز، رشد و پیشرفت یک پدیده یا هر چیز دیگری، که این علل و عوامل می‌توانند تاریخی، فکری، اجتماعی، فرهنگی و... باشند؛ و منظور از خاستگاه تفسیر موضوعی بررسی زمینه‌ها و علل ظهور و بروز، گرایش، رشد و گسترش این تفسیر در ادوار مختلف به‌ویژه در دوران معاصر است.

### ۱-۲-۳- آسیب‌شناسی

آسیب در لغت به معنای زخم، صدمه، رنج، آفت، بلا، آزار، زیان و ضرر است. (معین، ۱۳۵۰ ه.ش) این اصطلاح از علم پزشکی وام گرفته شده است. آسیب‌شناسی در علم پزشکی ترجمه اصطلاح پاتولوژی به معنای دانش شناخت بافت‌های آسیب‌دیده در بیماری‌هاست و معمولاً هیستولوژی یا بافت‌شناسی را تداعی می‌کند. بافت‌شناسی علم شناخت بافت‌های بدن از آن حیث که سالم هستند می‌باشد؛ و اگر بافت را از حیث بیماری و اختلال‌هایی که در آن حاصل می‌شود مطالعه کنند به آن آسیب‌شناسی یا پاتولوژی می‌گویند (خیراللهی، ۱۳۹۴ ه.ش، ص ۹).

هرگاه این اصطلاح در بحث‌های علوم قرآنی از جمله تفسیر قرآن به کار رود مراد این است که چه اشکالات، آفات و صدماتی در امر تفسیر و تبیین هر چه بهتر قرآن کریم ممکن است بروز کند و به فهم صحیح کلام الهی لطمه وارد نماید؛ به بیان دیگر آسیب‌شناسی تفسیر، عبارت

است از شناخت موانعی که ممکن است سبب بدفهمی یا کج‌فهمی و همچنین ممکن است موجب عدم دستیابی به دیدگاه جامع قرآن کریم در ذیل یک موضوع شود.

**فصل دوم**  
**خاستگاه تفسیر موضوعی**

## مقدمه

در این فصل نظر به این است که ابتدا تفسیر موضوعی از دیدگاه قرآن‌پژوهان بررسی شود؛ لذا به مباحثی چون پیشینه و سیر تطور آن در گذر زمان، شرایط تفسیر موضوعی که در واقع به مفسر آن برمی‌گردد، امتیازات و ادله موافقان و مخالفان تفسیر موضوعی پرداخته می‌شود؛ چراکه ترسیم تصویری از این روش تفسیری برای پرداختن به مباحث بعدی در این نوشتار ضروری خواهد بود. پس از طرح این مباحث، خاستگاه‌ها و زمینه‌های ظهور و بروز و رشد و شکوفایی این تفسیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲-۱- بخش اول: معرفی اجمالی تفسیر موضوعی

### ۲-۱-۱- پیشینه تفسیر موضوعی

در بررسی جنبه‌های مختلف یک موضوع، پرداختن به سیر تاریخی و پیشینه آن از اهمیت بالایی برخوردار است تا موقعیت کنونی آن آشکار و قضاوت در مورد آن صحیح باشد. پرداختن به سیر تاریخی تفسیر موضوعی به‌عنوان شاخه‌ای از علم تفسیر در دو مرحله تکوین و پیدایش و تجدد و شکوفایی، قابل بررسی است.

### ۲-۱-۱-۱- مرحله تکوین و پیدایش

سابقه تفسیر موضوعی ریشه در قرآن کریم داشته و از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نیز کاربرد داشته است و در گذشته و زمان حال دانشمندان و عالمان در تفسیر خود این شیوه را به کار برده و کتاب‌های تفسیری خود را به این شیوه به رشته تحریر درآورده‌اند.



## ۲-۱-۱-۲- ریشه قرآنی تفسیر موضوعی

از جمله آیاتی که بیانگر توجه قرآن کریم به این شیوه تفسیری است و یکی از دلایل موافقان این تفسیر نیز محسوب می‌شود، آیه هفتم سوره آل عمران است که می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (آل عمران/۷)

(او کسی است که این کتاب را بر تو نازل کرد که قسمتی از آن، آیات «محکم» است که اساس این کتاب می‌باشد؛ و قسمتی از آن، «متشابه» است. اما آن‌ها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهات اند، تا فتنه‌انگیزی کنند؛ و تفسیر (نادرستی) برای آن می‌طلبند؛ درحالی‌که تفسیر آن‌ها را، جز خدا و راسخان در علم، نمی‌دانند. می‌گویند: «ما به همه آن ایمان آوردیم؛ همه از طرف پروردگار ماست.» و جز صاحبان عقل، متذکر نمی‌شوند.)

آیات متشابه آیاتی هستند که در برخورد و نگاه اول مراد از آن‌ها فهمیده نمی‌شود و با نوعی ابهام روبه‌رو هستند؛ که قرآن کریم راه برطرف شدن این ابهام را رجوع به آیات محکم که فاقد هرگونه ابهام هستند می‌داند. برای مثال آیه مبارکه «وَالِی رِبَّهَا نَاطِرَةٌ» (قیامت/۲۳) که می‌فرماید: (و به پروردگارشان می‌نگرند) یکی از آیات متشابه است که در آن منظور از نگاه و نظر کردن مردم به پروردگارشان مشخص نیست. لذا لازم است در تبیین و توضیح آن آیاتی آورده شود که ابهام موجود را برطرف کند. آیه ی شریفه ی «لَیْسَ كَمِثْلِهِ شَیْءٌ» (شوری/۱۱) که می‌فرماید: (هیچ چیز همانند او نیست) و همین‌طور آیه شریفه ی «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ» (انعام/۱۰۳) که می‌فرماید: (چشم‌ها او را نمی‌بینند) مشخص می‌کند که این نوع نگاه کردن از سنخ دیدن و نظر کردن به سایر موجودات به وسیله ی چشم سر نیست.

علامه طباطبایی در ذیل معنای "کتاب" در این آیه می‌فرماید «یکی از اوصاف مجموع کتاب این است که این کتاب مشتمل است بر آیات محکم و آیات متشابه که برگشت قسمت دوم (متشابهات) به قسمت اول (محکمات) است، و به وسیله آن‌ها، آیات متشابه شرح و تبیین می‌شود.» (طباطبایی، ۱۳۷۴ ه.ش، ج ۳، ص ۲۹). شرح و تبیین متشابهات به کمک محکمات نوعی

تفسیر موضوعی است چراکه در این شیوه از تفسیر نیز مفسر در پی ابهام‌زدایی از یک موضوع به وسیله آیات قرآن کریم است.

### ۲-۱-۱-۳- تفسیر موضوعی در کلمات معصومین علیهم‌السلام

یکی دیگر از شواهدی که بیانگر پیشینه و سابقه کهن تفسیر موضوعی است؛ سخنان گوهر بار پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآئمه اطهار علیهم‌السلام در ذیل موضوعاتی است که به‌عنوان موعظه و پند و یا در پاسخ سؤالاتی که از ایشان می‌شده است مطرح کرده‌اند. به‌طور مثال در بحارالانوار روایتی بسیار طولانی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآئمه اطهار در وصیت و موعظه به عبدالله بن مسعود آمده است که در بخشی از آن رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآئمه اطهار در نکوهش کسانی که به دنیا بیش از آخرت توجه کرده و همه همتشان را صرف آن می‌کنند؛ خطاب به ایشان می‌فرماید:

«یا ابن مسعود! آن کس که در دنیا در لذت و نعمت است، چه سودی می‌برد وقتی در آتش ابدی دوزخ خواهد بود (فقط ظاهری از زندگی دنیا می‌داند و از آخرت در غفلت‌اند). خانه‌ها می‌سازند؛ کاخ‌ها برافراشته می‌کنند؛ مسجدها را به زیور می‌آرایند همتشان جز متوجه دنیا نیست؛ خود را بر دنیا افکنده‌اند و بر آن تکیه کرده‌اند و خدایشان شکم‌هایشان است. خداوند می‌فرماید:

«و تَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ \* وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ \* فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا» (شعراء/۱۳۱-۱۲۹).

(و قصرها و قلعه‌های زیبا و محکم بنا می‌کنید شاید در دنیا جاودانه بمانید؟! \* و هنگامی که کسی را مجازات می‌کنید همچون جباران کیفر می‌دهید! \* پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!).

و می‌فرماید: «وَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ لِيُخْرِجَ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يَظْلُمُونَ» (جاثیه/۲۲).

(و خداوند آسمان‌ها و زمین را بحق آفریده است تا هر کس در برابر اعمالی که انجام داده است جزا داده شود؛ و به آن‌ها ستمی نخواهد شد!).

و این کس، جز منافقی که هوا و هوسش دینش و شکمش خدایش است نیست و از هر چیز که بدان میل پیدا کند، چه حلال و چه حرام، سرباز نمی‌زند. خداوند می‌فرماید:

«اللَّهُ يَسْطُرُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ وَ فَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ» (رعد/۲۶).

خدا روزی را برای هر کس بخواهد (و شایسته بداند) وسیع، برای هر کس بخواهد (و مصلحت بداند)، تنگ قرار می‌دهد؛ ولی آن‌ها [کافران] به زندگی دنیا، شاد (و خوشحال) شدند؛ درحالی که زندگی دنیا در برابر آخرت، متاع ناچیزی است!« (مجلسی، ۱۳۹۲ ه.ش، ج ۷۴، ص ۹۷).

همچنین در رابطه با بیان شیطان و ذکر دشمنی‌اش با انسان می‌فرماید:

«پسر مسعود! شیطان را دشمن بدار که خدای متعال می‌فرماید: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (فاطر/۶).

(البته شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بدانید؛ او فقط حزیش را به این دعوت می‌کند که اهل آتش سوزان (جهنم) باشند).

و از قول ابلیس می‌گوید که وی به پیشگاه خداوند گفت: «ثُمَّ لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ» (اعراف/۱۷).

(سپس از پیش رو و از پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ آن‌ها، به سراغشان می‌روم؛ و بیشتر آن‌ها را شکرگزار نخواهی یافت).

و خداوند به وی پاسخ می‌دهد که: «لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَ مِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ» (ص/۸۵).

(که جهنم را از تو و هرکدام از آنان که از تو پیروی کند، پر خواهم کرد.)« (مجلسی، ۱۳۹۲ ه.ش، ج ۷۴، ص ۱۰۵).

نمونه‌ای دیگر از سابقه و پیشینه طولانی تفسیر موضوعی، روایتی است به نقل از طلحه انصاری که در آن چنین آمده است.

«از طلحه انصاری نقل شده است: هنگامی که امام ابوالحسن علیه‌السلام را بر هارون وارد کردند، هارون پرسید: این خانه چیست؟ فرمودند: این خانه فاسقان است. منظور این است: «خانه فاسقان را به تو نشان خواهم داد» خداوند می‌فرماید:

«سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كَلِمًا آيَةً لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْعِغْيِ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ» (اعراف/۱۶۶).

به زودی کسانی را که در روی زمین به ناحق تکبر می‌ورزند، از (ایمان به) آیات خود، منصرف می‌سازم! آن‌ها چنان‌اند که اگر هر آیه و نشانه‌ای را ببینند، به آن ایمان نمی‌آورند؛ اگر راه هدایت را ببینند، آن را راه خود انتخاب نمی‌کنند؛ و اگر طریق گمراهی را ببینند، آن را راه خود انتخاب می‌کنند! (همه اینها) به خاطر آن است که آیات ما را تکذیب کردند، و از آن غافل بودند!.

هارون گفت: پس این خانه از آن کیست؟ امام فرمودند: این خانه شیعیان ما می‌باشد ولی دیگران آن را غصب کرده‌اند، گفت: پس چرا صاحب‌خانه آن را نمی‌گیرد؟ فرمودند: این خانه را در حال آبادانی از وی گرفتند و اینک هم باید آباد تحویل شود، هارون از آن حضرت سؤال کرد شیعیان شما کجا هستند؟ ابوالحسن علیه‌السلام این آیه شریفه را تلاوت کردند:

«لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ» (بینه/۱).

کافران از اهل کتاب و مشرکان (می‌گفتند): دست از آیین خود بر نمی‌دارند تا دلیل روشنی برای آن‌ها بیاید).

هارون گفت: مگر ما کافر هستیم؟ امام فرمود: خیر، شما همان گونه هستید که خداوند فرمود: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كَفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ» (ابراهیم/۲۸).

(آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند، و قوم خود را به سرای نیستی و نابودی کشاندند؟!).

در این هنگام هارون خشمگین شد و بر آن جناب تندی کرد. (مجلسی، ۱۳۹۲ ه.ش، ج ۶۹، ص ۱۳۶).

همان طور که ملاحظه می‌شود معصومین علیهم‌السلام در تبیین و روشن کردن موضوعاتی که مطرح می‌کنند به آیات قرآن کریم مراجعه کرده و سخنان خود را به کلمات وحی استناد می‌دهند که خود بیان‌کننده شیوه تفسیر موضوعی است.

## ۲-۱-۱-۴- منابع تفسیر موضوعی در گذشته

از جمله پیش‌گامان این روش تفسیری می‌توان مرحوم علامه مجلسی را نام برد. اثر ایشان در این زمینه، کتاب بحارالانوار است که گرچه این کتاب از جوامع حدیثی شیعه به حساب می‌آید؛ اما با مطالعه دقیق این کتاب فهمیده می‌شود که این اثر دربردارنده یک دوره تفسیر به صورت تفسیر موضوعی نیز هست که در آن مجموعه‌ای از مواعظ و سخنان گهربار ائمه اطهار علیهم‌السلام آمده است و در ذیل هر یک از این مواعظ به آیاتی از قرآن کریم استناد کرده، در بعضی از موارد، نظرات مفسران را نیز نقل می‌کنند. اکثر علماء این اثر را نخستین کتاب تفسیر موضوعی جامع آیات به شمار آورده‌اند.

از جمله منابع دیگری که در این زمینه نگاشته شده‌اند؛ می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد.

- ۱- کتاب‌های آیات الاحکام؛ مانند: ابونصر محمد بن سائب کلبی که از اصحاب امام محمدباقر و امام صادق علیهماالسلام بوده و صاحب کتاب تفسیری در این زمینه بوده است.
- ۲- کتاب‌هایی که در مورد آیات نازل شده در شأن اهل بیت علیهماالسلام به رشته تحریر درآمده است؛ مانند: ما نزل من القرآن فی علی علیه‌السلام تألیف عبدالعزیز بن یحیی بن احمد بن عیسی جلودی ازادی از اصحاب امام جواد علیه‌السلام.
- ۳- کتاب‌هایی که آیات متشابه را در یکجا جمع کرده‌اند؛ مانند: آیات متشابهات از امام کسائی.

۴- کتاب‌هایی که آیات ناسخ و منسوخ را در یکجا گردآورده‌اند؛ مانند: الناسخ و المنسوخ از ابی‌علی‌الحسین بن‌واقد مروزی.

## ۲-۱-۱-۵- مرحله تجدد و شکوفایی

«هرچند دوره تجدد تفسیر موضوعی با تألیف کتاب‌هایی همچون بحارالانوار علامه مجلسی شکل می‌گیرد. ولی نقطه اوج آن در قرن چهاردهم است. در قرن چهاردهم هجری، به دلیل پیشرفت در کار تفسیر، در کشورهای اسلامی و عربی، فریاد دعوت به دوباره‌نگری در تفسیر قرآن و طرحی نو در میدان فرهنگی و ادبی بسیار به چشم می‌خورد که استاد محمد عبده،

محمدجواد بلاغی، محمد رشید رضا و طنطاوی تفسیر را در مفهوم اجتماعی و نیازهای عصر به کار گرفته و از طریق آن مشکلات عصر مسلمین را جواب می‌دادند. از نکاتی که قابل ذکر است این‌که، در این عصر برخی از تفاسیر ترتیبی معاصر به بیان بعضی از مباحث مستقل به شکل موضوعی در تفسیر خویش پرداخته‌اند و آن را به طور جداگانه مورد بررسی قرار داده‌اند که از آن جمله تفسیر گرانقدر «المیزان» اثر استاد علامه طباطبایی و تفسیر «المنار» اثر شیخ محمد عبده که با قلم شاگردش محمد رشید رضا، به تحریر کشیده شده است، دو نمونه بارز از این‌گونه تفاسیر به شمار می‌روند. مرحوم علامه طباطبایی بحث از حروف مقطعه را در اول سوره شوری به طور کامل بیان داشته‌اند. بحث‌های مستقل موضوعی همچون «زن و جایگاه اجتماعی آن» را نیز مطرح کرده است. برخی هم مستقل و به صورت موضوعی کار کرده‌اند؛ مانند کتاب تفسیری «من هدی القرآن» اثر علامه شیخ محمود شلتوت، کتاب «علوم الطبیعه فی القرآن» اثر استاد یوسف مروه» (اسحاقی، ۱۳۹۲ ه.ش، ص ۷۵-۷۳).

در دوران معاصر نیز تألیفات بسیار جامع و با ارزشی به رشته تحریر درآمده‌اند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- ✓ دو مجموعه نفیس «مفاهیم القرآن» و «منشور جاوید» اثر استاد جعفر سبحانی.
- ✓ «تفسیر موضوعی». اثر استاد عبد الله جوادی آملی.
- ✓ «پیام قرآن» زیر نظر آیت الله ناصر مکارم شیرازی.
- ✓ «معارف قرآن» تألیف استاد محمدتقی مصباح یزدی.
- ✓ «التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم» سمیع عاطف زین از علمای اهل سنت.
- ✓ تألیفات زیادی نیز به صورت تک‌نگاری نگاشته شده‌اند از جمله:
- ✓ «المدرسه القرآنیه» تألیف سید محمدباقر صدر.
- ✓ «دستور الاخلاق فی القرآن» اثر محمد عبد الله دراز.

امروزه نیز در بسیاری از دانشگاه‌ها، پایان‌نامه‌های زیادی به صورت تفسیر موضوعی نگاشته یا در حال نوشته شدن است که نشان‌دهنده اقبال هر چه بیشتر به قرآن کریم در قرون اخیر است. از جمله این پایان‌نامه‌ها عبارت‌اند از:

- ✓ «نظام خانواده در قرآن» اثر محمد نذیر، احمد بهشتی، فاکر میبدی

- ✓ «روش‌های اصلاح اخلاق در قرآن» نوشته محمدرضا شایق و علی تولایی
- ✓ «ماهیت ایمان از دیدگاه آیات قرآن کریم» از مرضیه کربلایی، حسین اترک و مریم خوشدل روحانی
- ✓ «حقوق خانواده در قرآن» اثر سولماز زینالی، سید محمود طیب حسینی، محمد داوودی

## ۲-۱-۲- شرایط تفسیر موضوعی

تفسیر موضوعی قرآن کریم همانند سایر علوم، یک علم و دانش تخصصی است که نظریه‌پردازی صحیح در آن، مستلزم وجود متخصصانی در این زمینه است. خداوند متعال در سوره اعراف آیه ۳۳ گفتار بدون علم و آگاهی را حرام کرده؛ می‌فرماید:

«قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ الْإِثْمَ وَ الْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ أَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ سُلْطَانًا وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف/۳۳).

(بگو: «خداوند، تنها اعمال زشت را، چه آشکار باشد چه پنهان، حرام کرده است؛ و (همچنین) گناه و ستم به ناحق را؛ و اینکه چیزی را که خداوند دلیلی برای آن نازل نکرده، شریک او قرار دهید؛ و به خدا مطلبی نسبت دهید که نمی‌دانید.»).

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز در رابطه با گفتار بدون علم راجع به قرآن که همان تفسیر به رأی محسوب می‌شود؛ می‌فرماید: «من قال فی القرآن بغیر علم فلیتبتوا مقعدہ من النار» (طبری، ۱۴۱۲ ه.ق، ج ۱، ص ۷۸).

(کسی که بدون علم و آگاهی در مورد قرآن سخنی بگوید، جایگاهی از آتش برای خود فراهم خواهد کرد).

تفسیر موضوعی همانند سایر تفاسیر دارای شرایط و ضوابطی است که به مفسر آن برمی‌گردد. مفسر قرآن باید خصوصیات و ویژگی‌هایی داشته باشد تا بتواند بر اساس منابع و مستندات معتبر آیات وحی را تفسیر و تبیین کرده و راه را برای جویندگان علم روشن و آشکار کند. در یک تقسیم‌بندی می‌توان این خصوصیات و شرایط را به شرایط عام و شرایط خاص دسته‌بندی کرد.

**۲-۱-۲-۱- شرایط عام**

شرایط عام از جمله شرایطی هستند که هر شخصی که در صدد ورود به حوزه تفسیر قرآن کریم است می‌بایست از آن برخوردار باشد. در غیر این صورت فرد نمی‌تواند به تفسیر آیات وحی دست بزند. این شرایط شامل همه مفسرین، اعم از مفسران موضوعی و ترتیبی و... می‌باشد که در ذیل جهت پرهیز از اطاله بحث به برخی از آنها اشاره می‌شود.

«۱- آشنایی با ادبیات عرب که شامل صرف، نحو، لغت، معانی و... می‌شود.

۲- شناخت علوم قرآن؛ به‌ویژه مباحث محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، مکی و مدنی، تاریخ قرآن و قرائات.

۳- آگاهی‌های تاریخی و جغرافیایی، برای شناخت شأن نزول‌ها و مواضع نزول آیات و تاریخ قرآن و تاریخ عرب جاهلی و صدر اسلام، و آگاهی از کتاب مقدس (تورات و انجیل و ملحقات آن‌ها).

۴- شناخت اصول الفقه: این دانش، ضوابط و قواعد فهم و استنباط از متن را بیان می‌کند. از این رو، برای فهم متن قرآن و حدیث کاربرد دارد؛ بنابراین، همان‌طور که مقدمه دانش فقه است، مقدمه علم تفسیر نیز به شمار می‌رود.

۵- شناخت فقه: به‌وسیله دانش فقه، احکام الهی از منابع معتبر (قرآن، سنت و عقل) استنباط می‌شود.

۶- آشنایی با علوم حدیث: سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل‌بیت علیهم‌السلام از منابع تفسیر شمرده شده است. در طول تاریخ، علوم مرتبط با حدیث، مانند رجال، درایه، فقه الحدیث به وجود آمده که در فهم و ارزیابی سنت مؤثر است. از آنجاکه سنت، مفسر قرآن است، و این علوم در فهم و تفسیر آیات قرآن تأثیر دارد، آشنایی با آنها برای مفسر لازم است تا بتواند در موارد لزوم به ارزیابی سند و متن احادیث بپردازد» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ه.ش، ج ۱، ص ۱۱۵-۱۱۳).



## ۲-۱-۲-۲- شرایط خاص

این شرایط مختص مفسرانی است که در پی بررسی آیات قرآن کریم به شیوه تفسیر موضوعی هستند. برخی از این موارد عبارت‌اند از:

## ۲-۱-۲-۳- نگاه سیستمی به مفاهیم قرآن

«شناخت سیاق عام و توجه به پیوند سیستمی یک آیه با آیه‌های دیگر قرآن در همان موضوع و نیز موضوعات همسو و همانند از شرایط ویژه تفسیر موضوعی است تا آنجا که می‌توان گفت: «نگاه به کل قرآن یکی از اصول بنیادین مفسران موضوعی در عصر جدید است.»

«مؤلفی به نقل از محمد عبده در این باره می‌نویسد: گفته شده است که برخی آیات قرآن، برخی دیگر را تفسیر می‌کند و بهترین نشانه بر حق بودن معنی لفظ، همخوانی آن با سیاق سخن و سازگاری آن با هدف قرآن است.»

همچنین به نقل از استاد جوادی آملی نیز در این باره می‌نویسد: سراسر قرآن مثانی است؛ یعنی به هم منعطف‌اند و گرایش دارند، یکدیگر را روشن می‌کنند و به یکدیگر تکیه می‌کنند و به یکدیگر پناهنده می‌شوند و این نشانه انجام کامل قرآن است.

علامه طباطبایی، استاد جوادی آملی و عدنان شریف ریشه این بینش را در خود قرآن جستجو می‌کنند، آنجا که فرموده است:

«اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ» (زمر/۲۳)

(خداوند بهترین سخن را نازل کرده، کتابی که آیاتش هماهنگ است؛ آیاتی مکرر دارد که از شنیدن آیاتش لرزه بر اندام کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند می‌افتد).

زیرا صفت مثانی برای قرآن بدین معنی است که رابطه بین آیات آن از گونه نظارت و رابطه متقابل است. براین اساس نگرستن همراه با تفکر در همه قرآن برای پژوهشگران موضوعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نادیده گرفتن و یا کم‌بها دادن به سیاق عام ارزش کار آنان را به شدت می‌کاهد.» (سجادی، ۱۳۷۵ ه.ش، ص ۱۴۴-۱۴۲).

## ۲-۱-۲-۴- موضوع‌شناسی علمی

«در نگاه شهید صدر، حرکت تفسیری در بررسی‌های موضوعی قرآن، از متن زندگی بشر و واقعیت‌های فکری موجود در آن آغاز می‌شود و نه با انتخاب موضوعی از قرآن و آیات وابسته به آن. ایشان در این باره بیان می‌کنند:

تفسیر موضوعی کار خود را با آشنایی و فراگیری محصول تجربه فکری بشر و دریافت افکار و محتوای آن آغاز می‌کند و آنگاه به سراغ قرآن می‌رود. البته نه با این تصمیم که تجربه بشری بر قرآن تحمیل شود یا انگیزه‌های تسلیم و کرنش قرآن در برابر دانش‌های بشری فراهم آید! بلکه هدف این است که تجربه بشری با مطالب قرآن در یک بستر پژوهشی قرار گیرد؛ تا نظر قرآن به گونه‌ای روشن در برابر موضوع مورد تجربه انسان آشکار گردد.

رسالت تفسیر موضوعی در هر مرحله و در هر عصری این است که تمام میراث فرهنگی بشر و افکار و مقوله‌هایی که خود مفسر فراگرفته است را با خود داشته و در پیشگاه قرآن قرار دهد تا قرآن دربارهٔ مجموع این دستاوردهای بشری داوری کند. بدین ترتیب قرآن مرجع است و دربارهٔ تجربه بشری نظر می‌دهد و پایه‌ای افزایش تجربیات بشری تا بی‌نهایت، ابراز نظر قرآن نیز بی‌نهایت تداوم پیدا می‌کند و بر اساس تجربه انسانی، غنا، باروری و فهم صحیح قرآن میسر می‌گردد.

گروهی دیگر از مفسران نخواستند تا بدین پایه موضوع‌شناسی علمی و آشنایی با علوم بشری و تجربی را در فهم قرآن دخالت دهند، ولی به ارزش آن تصریح کرده‌اند. در میان دانشوران اهل سنت نیز کسانی چون نویسنده «منهجیه البحث فی التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم» و نویسنده «دستور الاخلاق فی القرآن» به این دیدگاه گرایش پیدا کرده‌اند (همان، صص ۱۴۵-۱۴۴).

## ۲-۱-۲-۵- دخالت ندادن ذهنیات

همهٔ کسانی که صادقانه درصدد راهیابی به دیدگاه قرآن در زمینه‌های عقیدتی، اجتماعی و علمی بوده و هستند از کجروی‌ها و نگرش‌های متعصبانه و پیش‌داوری‌ها شکایت داشته‌اند. براین‌اساس زدایش علاقه‌ها و دل‌بستگی‌های تصویری را برای مفسران موضوعی، ضروری

شمرده‌اند؛ تا دستاوردهای آنان به غبار تفسیر به رأی و گرایش‌های مذهبی، فلسفی، اجتماعی، دلبستگی به مکتب‌های بشری، دانش طبیعی و ایده و آرمان‌های مقطعی آرایش نیابد (همان). سه ویژگی فوق از جمله مهم‌ترین شرایطی هستند که یک مفسر در هنگام انجام تفسیر موضوعی می‌بایست آن‌ها را در نظر بگیرد؛ در غیر این صورت به دیدگاهی جامع و کامل از قرآن دست نخواهد یافت و در مواردی ممکن است گرفتار تفسیر به رأی شود.

### ۲-۱-۳- ارتباط تفسیر موضوعی با سایر تفاسیر

علوم و دانش‌های بشری با یکدیگر در ارتباط‌اند. تفسیر موضوعی نیز به‌عنوان یک علم با برخی از تفاسیر دیگر، در مواردی در ارتباط است. برخی از این تفاسیر عبارت‌اند از: تفسیر ترتیبی، تفسیر اجتهادی، تفسیر قرآن به قرآن که نزدیک‌ترین ارتباط را با تفسیر موضوعی دارد و همچنین تفسیر علمی؛ که در اینجا برخی از وجوه ارتباط آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۲-۱-۳-۱- تفسیر موضوعی و تفسیر ترتیبی

«این دو روش از تفسیر در قبال هم کنش و واکنش داشته و باهم برخوردی نموده‌اند و در بیان رابطه این دو روش تفسیری، باید به نحوه ارتباط این دو روش باهم، تفاوت آن‌ها و چگونگی بهره‌گیری از یکدیگر پرداخته شود. این دو روش تفسیری در طول تاریخ وجود داشته‌اند، ولی آنچه بر همگان، مشهود است، حضور جدی تفسیر ترتیبی و حضور کم‌رنگ‌تر تفسیر موضوعی نسبت بدان، در طول تاریخ تفسیر است؛ ولی در عصر حاضر نیاز به پاسخ‌گویی قرآن به مسائل ضروری زندگی انسان، ضرورت تفسیر موضوعی را روشن می‌سازد و از آنجاکه تفسیر ترتیبی امری توقیفی نیست که ضرورتاً بدان تمسک جوییم، لذا ما بر آنیم که قرآن مجید در مکان واقعی از زندگی و علم و جامعه و قانون و فلسفه و اقتصاد و تاریخ ... خود قرار گیرد؛ پس می‌توان این دو روش تفسیری را جهت فهم بیشتر و بهتر قرآن به کاربرد؛ ضمن این‌که به هیچ‌کسی حق دخالت و تصرف در موارد جزئی و کلی آیه‌ای از آیات قرآن داده نمی‌شود و نیز هیچ‌احدی حق خروج از محدوده فهم قرآن را ندارد.

در روش تفسیر ترتیبی، مفسر همگام با قرآن و ترتیب موجود در قرآن به پیش می‌رود. به تدریج آیات را قطعه به قطعه و با استفاده از ابزار و وسایلی که برای تفسیر در نظر گرفته است،

تفسیر می‌کند. از ظاهر آیات بهره گرفته یا آیات دیگر را به کمک می‌گیرد یا عقل را به مدد می‌طلبد و یا به آیات دیگر قرآن که با آن آیه در اصطلاح، مفهوم مشترک دارند، روی می‌آورد و در پرتو آن‌ها، آیات موردنظرش را تفسیر می‌کند. ضمناً سیاق آیات را هم در نظر می‌گیرد. البته همه این کوشش‌ها را به منظور معلوم شدن معنای مفردات و اصطلاحات آیه‌ای که درصدد بیان تفسیر آن است، انجام می‌دهد. هرچند با وجود اینکه از صدر اسلام تا به حال بارها بلکه صدها بار این آیات به ترتیب تفسیر شده‌اند؛ اما در هر زمان به بخشی از اهداف و مفاهیم قرآن اشاره رفته، گرایش‌های فرقه‌ای و قومی در آن تأثیر نهاده و روزه‌روز بر ابهام آن افزوده است. تنها در روش تفسیر ترتیبی با شیوه قرآن به قرآن و یاری و مدد روایات صحیح است که می‌توان، به مفهوم و بیان قرآن دست یافت و گرنه بسیاری از انحرافات در دستیابی به اهداف قرآن وجود دارد که در تفاسیر ترتیبی به چشم می‌خورد.

روش دوم این است که مفسر، تمامی آیاتی که درباره موضوع واحدی وارد شده است را جمع‌آوری می‌کند، سپس جلوی خود قرار می‌دهد و اساس آن را تحلیل می‌کند و معانی آن را درک می‌کند و رابطه و تناسب بین آن‌ها را می‌شناسد و حکم برایش آشکار می‌شود. بدین وسیله هر چیز در جای خودش قرار می‌گیرد و آیه را به معنایی که اراده نشده با اکراه حمل نمی‌کنند ... و این روشی است که به نظر، طریقه و روشی نمونه و عالی است و به خصوص در تفسیری که برای مردم نشر پیدا می‌کند تا آن‌ها را به مفاهیم قرآنی از انواع مختلف، هدایت و ارشاد نماید ... هر موضوع قرآنی از غیر خودش مستقل و متمایز است و به خودش تکیه دارد و مردم نیز موضوعات قرآنی را با عنوان‌های روشن می‌شناسند.

باتوجه به مباحث مطرح شده درباره تفسیر ترتیبی، این روش تفسیری همیشه لازم و ضروری است که وجود داشته باشد و به عنوان مبنای مفسر موضوعی در فهم از آیات و گردآوری آیات هم موضوع قرار گیرد. تفسیر موضوعی به اعتبار این که دارای افق وسیع‌تر و مرحله‌ای پیشرفته‌تر از تفسیر ترتیبی است و به خاطر قدرتش بر نوآوری مستمر که موجب ممتاز شدن تفسیر موضوعی است، دور انداختن و بی‌نیازی از تفسیر ترتیبی را نمی‌رساند و به طور مطلق دور تفسیر ترتیبی را ملغی نمی‌کند. تفسیر موضوعی، نفی‌کننده تفسیر ترتیبی نیست و مفسر موضوعی باید اصول تفسیر را رعایت کند. در سیر آموزشی، تفسیر موضوعی بعد از تفسیر ترتیبی

است. انسان در ابتدا باید به نحو ترتیب در خدمت قرآن کریم باشد. یعنی از اول تا آخر قرآن را به نوبه خود بررسی نموده و حضور ذهنی و علمی داشته باشد که اگر آیه‌ای از قرآن مطرح شد برایش بعید الذهن نباشد. آنگاه پس از آشنایی با مضمون آیات و با سرمایه تفسیر ترتیبی به سراغ تفسیر موضوعی بیاید؛ موضوعی، از موضوعات را انتخاب کرده و درباره آن بحث کند. یعنی آیاتی از قرآن را که حاوی این موضوع است جمع‌آوری نماید، سپس به جمع‌بندی روایات در آن زمینه پردازد و در مرحله نهایی بین دو جمع‌بندی به دست آمده از آیات و روایات، جمع‌بندی سومی به عمل آورد تا بتواند مطلبی را به عنوان نظر اسلام و قرآن و عترت ارائه دهد.

در آنکه گفته شد تفسیر ترتیبی مقدم بر تفسیر موضوعی است، به خاطر آن است که اگر کسی خواست موضوعی را از نظر قرآن کریم بررسی کند، هرگز نمی‌تواند در محدوده (المعجم) و یا (کشف المطالب) موضوعی را از قرآن استنباط کند و آن را به قرآن استناد دهد. چراکه بسیاری از مسائل مربوط به آن موضوع، با آن لغت بیان نشده است تا اینکه المعجم بتواند آن را ارائه کند، علاوه بر آن اگر کسی خواست تفسیر موضوعی بگوید یا بنویسد، اگر آیه‌ای موضوع مورد نظر را در برداشت، آن آیه را نباید منهای سیاق قبل و بعد بنگرد. بلکه باید سیاق و خصوصیات موردی آیه را در نظر داشته باشد تا بگوید که این، فلان مطلب را تا این حد بیان می‌کند؛ بنابراین روشن می‌شود که تفسیر موضوعی بدون تفسیر ترتیبی میسر نیست و زمانی انسان می‌تواند موضوع شناس باشد و موضوعی را از قرآن کریم استنباط کند که اول، تفسیر ترتیبی را گذرانده باشد و هر آیه‌ای را با ملاحظه صدر و ذیل آن بحث، در نظر بگیرد و همچنین همه آیاتی که به نحوی با موضوع محل بحث ارتباط دارند، خواه به طور اثبات و تأیید و خواه به طور سلب و تکذیب، ملحوظ شود» (بدالله پور، ۱۳۸۳ ه.ش، ص ۱۶۶-۱۵۷).

### ۲-۱-۳-۲- تفسیر موضوعی و تفسیر اجتهادی

«روش دیگری که مفسر در تفسیر موضوعی از آن استفاده می‌کند، روش اجتهادی است. مفسر در انتخاب موضوع و جمع‌آوری و جمع‌بندی آیات مورد نظر و سایر مراحل از عقل و اجتهاد استفاده می‌نماید. در روایتی امام علی علیه السلام با استناد به دو آیه «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ...» (بقره/۲۳۳).

(مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می‌دهند...).

و «... وَ حَمْلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا...» (احقاف / ۱۵).

(... و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است ...).

حکم فقهی تعیین کمترین زمان حمل را به دست آوردند. از این رو، امام علیه السلام موضوع «اقل مدت حمل» را بر قرآن عرضه کرده و با جمع آوری آیات و نتیجه گیری، پاسخ آن را دریافت کرده است. حضرت علی علیه السلام با احاطه و آشنایی کاملی که به تمامی معانی و معارف قرآن داشتند، از دو آیه حکم مذکور را ارائه دادند و چنین استدلال و اجتهاد نمودند. نمونه استفاده از روش اجتهادی در هنگام تفسیر موضوعی در آثار شهید مطهری و دیگران که تفسیر موضوعی داشته اند فراوان است. برای نمونه شاید مطهری نیز در بخشی از کتاب جامعه و تاریخ خویش موضوع «آیا جامعه وجود اصیل و عینی دارد؟» را بررسی می کند. شاید مطهری با عنایت به اقوال و آرای مطروحه در این بحث، آن ها را ارزشیابی کرده و سپس دیدگاه قرآن را در این زمینه استنباط می کند. به طور مسلم شهید مطهری در این استنباط و تبیین تنها از روش قرآن به قرآن استفاده نمی کند بلکه از روش اجتهادی نیز مدد می جوید» (اسحاقی، ۱۳۹۲ ه. ش، ص ۴۳-۴۲).

### ۲-۱-۳-۳- تفسیر موضوعی و تفسیر قرآن به قرآن

«تفسیر قرآن به قرآن یکی از روش های تفسیری است که پیشینه آن به زمان نزول قرآن برمی گردد و این روشی است که خود قرآن بیان کرده است آنجا که می فرماید: متشابهات را در پرتو محکومات قرار دهیم و هشدار می دهد که مانند بیمار دلان در پی فتنه جویی و کج بینی نباشیم تا دچار سرگردانی و ضلالت شویم.

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (آل عمران / ۷).

(او کسی است که این کتاب را بر تو نازل کرد که قسمتی از آن، آیات «محکم» است که اساس این کتاب می باشد؛ و قسمتی از آن، «متشابه» است. اما آن ها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهات اند، تا فتنه انگیزی کنند؛ و تفسیر (نادرستی) برای آن می طلبند؛ در حالی که

تفسیر آن‌ها را، جز خدا و راسخان در علم، نمی‌دانند. می‌گویند: «ما به همه آن ایمان آوردیم؛ همه از طرف پروردگار ماست.» و جز صاحبان عقل، متذکر نمی‌شوند).

تفسیر موضوعی و تفسیر قرآن به قرآن از نظر ظاهری با هم شباهت دارند. به گونه‌ای که گاهی این دو را یکی دانسته‌اند. از این رو، برخی تفسیر موضوعی را از گونه‌های فرعی تفسیر قرآن به قرآن قلمداد کرده‌اند.

از این رو آشنایی اجمالی با این تفسیر برای کشف ارتباط آن با تفسیر موضوعی از اهمیت بالایی برخوردار است. تفسیر قرآن به قرآن یکی از شیوه‌های تفسیر ترتیبی است که مفسر برای شرح آیات و فهم کلام الهی بیشترین کمک را از خود قرآن کریم می‌گیرد و همه‌جا یا اغلب موارد بیش از هر چیز از آیات دیگر برای تفسیر آیات استفاده می‌نماید.

ارجاع آیات قرآن به یکدیگر در روایات پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم علیهم‌السلام نیز نمونه بسیار دارد. اما ممکن است گفته شود تفسیر قرآن به قرآن به نوعی همان تفسیر موضوعی است، زیرا گرچه در تفسیر قرآن به قرآن، برای فهم بهتر یک آیه از آیات دیگر استمداد می‌جوئیم، اما در واقع آیاتی به کمک طلبیده می‌شوند که با آیه مورد تفسیر به لحاظ مفهوم و موضوع همخوانی داشته باشند؛ به سخن دیگر، هم آیه مورد تفسیر و هم آیات شرح دهنده، حول یک موضوع سخن می‌گویند و مضمون مشترکی دارند، از این جهت تفسیر قرآن به قرآن شبیه تفسیر موضوعی است. اما باید گفت مشابهت مزبور و همگونی ظاهری میان این دو عرصه تفسیری نباید موجب خلط آن‌ها با یکدیگر شود، زیرا در تفسیر قرآن به قرآن هدف مفسر، تفسیر و فهم دقیق یک آیه با مدد گرفتن از آیات دیگر است که این می‌تواند مرحله‌ای از تفسیر موضوعی باشد، اما هدف مفسر موضوعی از جمع‌آوری آیات با مضمون و محتوای مشترک، تعقیب نظر و دیدگاه قرآن درباره موضوع یا مسئله‌ای خاص می‌باشد.

افزون بر آن همان‌طور که گفته شد تفسیر قرآن به قرآن یکی از انواع تفسیر ترتیبی است که مفسر به ترتیب آیات و سوره‌های قرآن، به تفسیر می‌پردازد، در حالی که مفسر موضوعی چنین ترتیبی را رعایت نمی‌کند و سراسر قرآن را در نظر می‌گیرد تا آیات داخل در موضوع را استخراج کند، پس از حیث روش نیز با یکدیگر کاملاً متمایز هستند.

بنابراین، به دلایلی که گفته شد نباید این دو روش را یکی دانست، هرچند با توجه به شباهت ظاهری که وجود دارد، می‌توان تفسیر قرآن به قرآن را - چنانچه در سیر تاریخی تفسیر موضوعی بیان شد به اعتقاد برخی از قرآن‌پژوهان - از مراحل ابتدایی تفسیر موضوعی دانست» (طالبی، ۱۳۹۰ ه.ش، ص ۴۹).

### ۲-۱-۳-۴- تفسیر موضوعی و تفسیر علمی

«گاه مفسر یک مبحث علمی را از دیدگاه آیات قرآن بررسی می‌کند. در آن صورت مفسر از شیوه تفسیر علمی استفاده می‌کند. از جمله برداشت‌های ظریف قرآنی، روایتی است که از امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در پاسخ فردی که از درد شکم شکوه داشت، نقل شده است. بر اساس آن روایت، امام علیه‌السلام برای درمان درد شکم دستور عجیبی صادر کرد. ابتدا فرمود: آیا همسرداری؟ مرد پاسخ داد. از همسرت بخواه که با رضایت خاطر از مالش به تو چیزی ببخشد، از آن مال عسلی خریداری کن و با آب باران آن را مخلوط نما و آن را بنوش» آنگاه امام علیه‌السلام در توجیه این دستور خاص فرمود: من از خداوند شنیدم که در کتابش می‌فرماید:

« وَ نَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا ... » (ق/۹).

(و از آسمان، آبی پربرکت نازل کردیم ...).

و فرمود: «... يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ ...» (نحل/۶۹).

(... از درون شکم آن‌ها، نوشیدنی با رنگ‌های مختلف خارج می‌شود که در آن، شفا

برای مردم است ...).

همچنین فرمود: «... فَإِنْ طِبَّنْ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا» (نساء/۴).

(... اگر آن‌ها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما ببخشند، حلال و گوارا مصرف

کنید)

پس هرگاه برکت، شفا، حلالیت و گوارایی جمع شد، ان شاء الله شفا می‌یابی»

در میان مفسران علامه طباطبایی در تفسیر المیزان تحت عنوان گفتاری در معنای شهاب

به بحثی پیرامون معنایی که قرآن از «شهاب» اراده کرده است و اینکه منظور از «شهاب» در این

آیات به کدام معناست؟ پرداخته است. به علاوه مهندس بازرگان نیز در کتاب بادوباران خویش،



مجموعه آیات پراکنده قرآن، پیرامون بادوباران را در عناوین فرعی متنوعی - چون گردش باد و گردش زمین، مراحل متوالی بادهای مهاجر، بادهای یکسره، کیفیت و شرایط تشکیل ابر، باران‌های کوهستانی، رگبارهای طوفانی، کولاک‌های استوائی، ابرها و باران‌های جبهه‌ای، سرچشمه اصلی آثار جوی - گردآورده و سازگاری آن‌ها را با قوانین و داده‌های علمی بشر در این زمینه نشان می‌دهد.

به این قرار چنین فرایندی می‌تواند در مورد سایر روش‌های تفسیری نیز وجود داشته باشد؛ یعنی مفسر در تفسیر موضوعی علاوه بر استفاده از قرآن و عقل می‌تواند از سایر منابع و روش‌های تفسیر نیز کمک بگیرد» (اسحاقی، ۱۳۹۲ ه.ش، ص ۴۵-۴۴).

## ۲-۱-۴- امتیازات تفسیر موضوعی

تفسیر موضوعی از جمله شیوه‌های تفسیر قرآن کریم است که در قرن‌های اخیر پیشرفت‌های چشم‌گیری در میان سایر روش‌های تفسیری داشته است. دسته‌بندی موضوعات قرآنی و نگاه عمیق و سیستمی به آیات، پاسخ به پرسش‌های بشر و رفع نیازهایی که جز از طریق وحی برطرف نمی‌شوند، رفع ابهام از چهره آیاتی که زمینه اختلافات مذهبی را به وجود آورده است و... از جمله مهم‌ترین امتیازات این شیوه از تفسیر نسبت به سایر تفاسیر است که در ذیل به شرح کوتاهی در رابطه با برخی از این امتیازات پرداخته می‌شود.

## ۲-۱-۴-۱- والایی در هدف

«گرچه تفسیر ترتیبی از ارزش بسیاری برخوردار است اما از آنجاکه هدف نهایی این روش کشف معانی مفردات و شناخت مراد هر یک از آیات است، بنابراین نتوانسته است دیدگاه‌ها و نگرش جامع قرآنی را درباره یک موضوع استخراج کند. پژوهشی به نقل از شهید صدر در این باره می‌گوید: «این مکتب تفسیری تعداد زیادی مفاهیم، معارف و مضامین قرآنی را به صورت پراکنده و بی‌ارتباط با یکدیگر در اختیارمان می‌گذارد، بی‌آنکه بتوانیم وجوه ربط و ترکیب اندام‌های پراکنده این مجموعه فکری را بیابیم و بدون آنکه بتوانیم در پایان این گردش و مرور بر سراسر قرآن، برای هر یک از امور زندگی خود یک فکر و اندیشه قرآنی به دست آوریم» (طالبی، ۱۳۹۰ ه.ش، ص ۴۵).

بنابراین هدف در تفسیر موضوعی دستیابی به دیدگاه و نظریه اسلام در مسائل موردنیاز زندگی بشر است. تا ابهامات او را در ذیل این مسائل پاسخگو باشد که این امر از ارزش والایی برخوردار است.

### ۲-۱-۴-۲- ژرفنگری

«در تفسیر ترتیبی، با توجه به گستره وسیع آیات و ابعاد مختلف آنها، مباحث متنوع و دامنه‌داری مطرح می‌گردد که چون فرایندی، بایست سراسر قرآن را پوشش دهند، درحقیقت، در آنها بحرطوبلی مطرح است و نمی‌توان چندان درنگ و تعمق نمود. برخلاف تفسیر موضوعی که درباره یک یا چند موضوع مرتبط با هم به بحث می‌نشیند و شتاب ندارد و نمی‌خواهد هرچه زودتر به انتهای قرآن برسد؛ زیرا چنین تعهدی ندارد و تا هر جا که شرایط فراهم بود پیش می‌رود؛ بنابراین، تفسیر ترتیبی گرچه فراگیر است، اما علوم و معارف قرآنی به طور اجمال و احیاناً سطحی‌نگری مورد بحث قرار می‌گیرد؛ اما در تفسیر موضوعی، ژرفنگری و عمق اندیشه حکم فرماست؛ بنابراین، موضوع تفسیر، به شیوه ترتیبی، وسیع ولی تا اندازه‌ای سطحی است و در تفسیر موضوعی محدود اما عمیق است» (معرفت، ۱۳۸۵ ه.ش، ص ۲۰۸).

### ۲-۱-۴-۳- نقش اثباتی

«در تفسیر ترتیبی مفسر در نقش مخاطبی ساده که پیشروی استاد زانو زده است، تنها مستمع و شنونده است و بدون هیچ پیش فرضی آنچه را قرآن می‌گوید می‌شنود؛ قرآن اعطا می‌کند و مفسر می‌پذیرد؛ اما در تفسیر موضوعی مفسر تنها شنونده نیست؛ بلکه در نقش یک هم سخن و هم بحث با قرآن سخن می‌گوید و با آن محاوره می‌کند؛ مفسر از قرآن می‌پرسد و قرآن پاسخ می‌دهد. موضوع فرضیه‌ها را بر قرآن عرضه می‌کند و نظر قرآن را درباره آنها جویا می‌شود و پس از پاسخ اولین، دوباره آن را مطرح می‌کند و پاسخ دیگر می‌طلبد - به تعبیر دیگر - مفسر موضوعی، قرآن را به استنطاق می‌کشد تا موضوع کاملاً روشن شود» (همان).

## ۲-۱-۴-۴- رفع اختلاف و حل تعارض ظاهری آیات

«بحث وجود تناقض و اختلاف در قرآن در طول تاریخ مطرح بوده است که گاه افرادی به قصد آگاهی و افرادی نیز با هدف غرض‌ورزی، این شبهه را به گونه‌ای مطرح کرده‌اند. باتوجه به ویژگی و سبک قرآن کریم که از یک موضوع در آیات متعدد و سوره‌های مختلف سخن گفته است، برخی بدون توجه به این ویژگی دو یا چند آیه متعارض نما را به عنوان مصداقی برای این شبهه مطرح می‌کنند و نتیجه می‌گیرند که باتوجه به این موارد در قرآن تعارض وجود دارد، این در حالی است که در پرتو تفسیر موضوعی، بررسی همه‌جانبه‌ای از این دسته آیات به عمل می‌آید که افزون بر دستیابی به دیدگاه کلی قرآن، اختلاف و تعارض ظاهری بین آیات نیز رفع می‌گردد» (طالبی، ۱۳۹۰ ه.ش، ص ۴۶).

## ۲-۱-۴-۵- پاسخگویی به نیازهای عصر حاضر

«پیشرفت زمان، تغییر و تحول در متن زندگی را برای انسان به همراه دارد، در این سیر موضوع‌های گوناگون، مسائل جدید و مفاهیم تازه‌ای در عرصه زندگی پدیدار می‌شوند. افزون بر آن، هر عصری مشکلات و پیچیدگی‌هایی دارد که حاصل تحولات و دگرگونی فرهنگ‌ها و زندگی اجتماعی بشر است.

همه اینها زمینه‌ساز نیازها و پرسش‌هایی برای انسان عصر جدید گردیده است. از سوی دیگر باتوجه به اصل جاودانگی قرآن، این معجزه الهی پاسخگوی نیازهای هدایتی بشر در هر زمان و مکان است و روش تفسیر موضوعی بهترین راه برای یافتن پاسخ‌ها و پیام‌ها و دیدگاه‌های قرآن، در مسائل نوپدید است و از رهگذر این روش می‌توان راهکارهای استوار و خلل‌ناپذیر قرآن، در برابر مشکلات و چالش‌های عصر حاضر را عرضه کرد» (همان، ص ۴۷-۴۶).

## ۲-۱-۴-۶- حل اختلافات بین عقاید اسلامی

«شهید صدر معتقد است نتیجه اکتفا به مکتب تفسیری ترتیبی این است که با هجمه‌ای از مفاهیم و معارف این کتاب مقدس اما به صورت پراکنده و بی‌ارتباط با یکدیگر مواجه می‌شویم که گاهی زمینه‌ساز بروز تعارض‌ها و تناقض‌های مذهبی میان امت اسلام شده است، درحالی‌که اگر گام دوم - یعنی تفسیر موضوعی - برداشته می‌شد، اختلافات عقیدتی نیز پیش نمی‌آمد.

مسائلی از قبیل امامت، توسل، شفاعت، عدل، رؤیت خداوند و ... از این قبیل اند که هر فرقه‌ای با استناد به برخی آیات و نادیده انگاشتن آیات دیگر یا تأویل نابجای آیات، اعتقاداتی را برای خود ساخته‌اند. این برداشت‌های ناصواب و گوناگون از متن قرآن منجر به انشعابات و انحرافات فکری و اعتقادی و پیدایش مذاهب گوناگون کلامی شده و از سوی دیگر موجب تفرقه و اختلاف میان مسلمانان گردیده است. اما در سایه تفسیر موضوعی و بررسی همه‌جانبه تمام آیات مرتبط، می‌توان به دیدگاهی جامع و مستحکم دست‌یافت تا معیاری برای ارزیابی دیدگاه‌های گوناگون و حل اختلافات اعتقادی امت اسلام باشد» (همان، ص ۴۷-۴۸).

## ۲-۱-۵- ادله موافقان و مخالفان تفسیر موضوعی

تفسیر موضوعی همچون هر علم دیگری موافقان و مخالفانی دارد که موافقت و مخالفت خود را در قالب دلایل عقلی و نقلی مطرح می‌کنند. دلایل نقلی شامل آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام است. در ذیل برای جلوگیری از اطاله بحث و دور نشدن از موضوع اصلی به ذکر و توضیح برخی از این دلایل پرداخته می‌شود.

### ۲-۱-۵-۱- دلایل موافقان

#### الف) دلیل قرآنی

یکی از دلایل موافقان روش تفسیر موضوعی لزوم ارجاع متشابهات به محکمت است که خود قرآن کریم در سوره آل عمران به لزوم توجه به آن‌ها اشاره کرده است.

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (آل عمران/۷)

(او کسی است که این کتاب را بر تو نازل کرد که قسمتی از آن، آیات «محکم» است که اساس این کتاب می‌باشد؛ و قسمتی از آن، «متشابه» است. اما آنها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهات اند، تا فتنه‌انگیزی کنند؛ و تفسیر (نادرستی) برای آن می‌طلبند؛ درحالی‌که تفسیر آنها را، جز خدا و راسخان در علم، نمی‌دانند. می‌گویند: «ما به همه آن ایمان آوردیم؛ همه از طرف پروردگار ماست.» و جز صاحبان عقل، متذکر نمی‌شوند.)

متشابهات از جمله آیاتی هستند که نوعی ابهام در آن‌ها وجود داشته و احتمالات معنایی مختلفی دارند لذا نیازمند رفع ابهام و روشن شدن هستند. قرآن کریم راه برطرف شدن این ابهامات را مراجعه به آیات محکم که مفاهیمی روشن و به‌دوراز ابهام دارند می‌داند. روشی که ابهامات آیات متشابه را از طریق آیات محکم برطرف کند روش تفسیر موضوعی است.

### (ب) دلیل روایی

یکی دیگر از دلایل موافقان تفسیر موضوعی، ارائه مستندات است که در آن‌ها ائمه معصومین علیهم‌السلام به تفسیر موضوعی پرداخته‌اند که بیانگر این امر است که در صورت مجاز نبودن این روش تفسیری، چرا باید ایشان برخی از موضوعات را به این روش تفسیر و تبیین می‌کردند.

در بحارالانوار روایتی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌آمه است که در آن گفتار بدون علم را نکوهش کرده و خطاب به عبدالله بن مسعود می‌فرماید:

«ای پسر مسعود، بدون آگاهی درباره چیزی سخن مگوی و تا نشنوی و نبینی حرف زن که خدای فرموده:

«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء/۳۶)

(از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چراکه گوش و چشم و دل، همه مسئول‌اند.)

و نیز می‌فرماید: «سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَ يُسْأَلُونَ» (زخرف/۱۹)

(گواهی آنان نوشته می‌شود و (از آن) بازخواست خواهند شد!)

و نیز می‌فرماید: «مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» (ق/۱۸)

(انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر اینکه همان‌دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت (و ضبط آن) است!)

و نیز می‌فرماید: «نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق/۱۶)

(و ما به او از رگ قلبش نزدیک‌تریم!)» (مجلسی، ۱۳۹۲ ه.ش، ج ۷۴، ص ۱۰۶-۱۰۵).

حضرت علی علیه‌السلام نیز در مورد قرآن می‌فرماید: «أَنَّ الْكِتَابَ يُصَدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضًا»

(نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸، ص ۴۲) (برخی از آن برخی دیگر را تصدیق می‌کند.) و یا در جایی

دیگر فرموده‌اند: «وَ يَطِّقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ وَ يَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ» (همان، خطبه ۱۳۳، ص ۱۷۸) (بعضی از آیات قرآن از بعضی آیات دیگر سخن می‌گوید و بعضی شاهد بر بعضی دیگر است). تصدیق برخی از آیات قرآن کریم توسط برخی دیگر و همچنین شاهد بودن برخی از آیات برای آیات دیگر، بیانگر این حقیقت است که آیات قرآن یکدیگر را تفسیر و تبیین می‌کنند که این همان تفسیر قرآن به قرآن بوده که تفسیر موضوعی نوعی از آن است.

### ج) دلایل عقلی

برای فهم آیات قرآن کریم، نیاز به دید کلی نسبت به همه قرآن است؛ و بدون احاطه بر کل قرآن نمی‌توان فقط یک مطلب را در یک سوره در نظر گرفت، زیرا دید جزئی به قسمت‌های مختلف قرآن سبب انحراف و تفسیر به رأی می‌شود.

فرقانی به نقل از شهید آیت‌الله صدر در این زمینه بیان می‌کند: «تفسیر تجزیه‌ای (ترتیبی) تاکنون سبب تناقض‌های مذهبی گردیده است، زیرا یک مفسر آیه‌ای را یافته که به وسیله آن مرام و مکتب خود را توجیه کرده و عده‌ای را دور خود جمع می‌کرده است؛ چنان‌که در بسیاری از مسائل کلامی مانند، جبر، تفویض و اختیار این مسئله پیش آمده است، چه بسا اگر مفسر قدمی دیگر برمی‌داشت و به آیات محدود بسنده نمی‌کرد بسیاری از تناقضات از بین می‌رفت.» (فرقانی، بی تا، ص ۸۳).

«۲- تفسیر موضوعی سبب تطوّر و تکامل تفسیر خواهد شد؛ همچنان که در فقه، بر اساس موضوعات از قرآن و کتب حدیثی استفاده شده گسترش و پیشرفت خوبی حاصل شده است.

۳- به وسیله تفسیر موضوعی می‌توان اسرار و پیام‌های تازه قرآن را، از طریق انضمام آیات بر یکدیگر به دست آورد؛ مفسر یک موضوع اجتماعی - اعتقادی را که احتمالاً در زندگی با آن برخورد داشته و در او تأثیر گذاشته انتخاب نموده و با جمع‌آوری دستاوردهای عقل بشر در آن موضوع به سراغ قرآن می‌رود و با یک دید کلی به قرآن و مطالبی که پیرامون آن موضوع در قرآن آمده، بهتر می‌تواند به مشکلات و مسائل روز پاسخ دهد» (همان، ۸۴-۸۳).

## ۲-۱-۵-۲- دلایل مخالفان

مخالفان تفسیر موضوعی نیز در رد این روش و برای اثبات مدعای خود مبنی بر اینکه این شیوه تفسیری حجیت ندارد؛ به دلایل نقلی و عقلی تمسک جسته‌اند. از جمله این دلایل که شامل دلایل قرآنی و روایی می‌باشند عبارت‌اند از:

### الف) دلیل قرآنی

این افراد برای اثبات نادرستی تفسیر موضوعی قرآن کریم به آیه ۳۲ سوره فرقان استناد کرده‌اند.

«وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا»

(فرقان/۳۲)

(و کافران گفتند: چرا قرآن یکجا بر او نازل نمی‌شود؟! این به خاطر آن است که قلب تو را به وسیله آن محکم داریم و آن را به تدریج بر تو خواندیم).

در نگاه مخالفان تفسیر موضوعی، این آیه شریفه که به نزول تدریجی قرآن اشاره دارد دلیلی بر انحصار تفسیر صحیح قرآن در تفسیر ترتیبی و عدم جواز تفسیر موضوعی است. این افراد با استناد به این آیه، نزول تدریجی آیات را از ویژگی‌های ذاتی آیات قرآن دانسته و مخالف برهم زدن این نظم و ترتیب به هر بهانه‌ای هستند؛ چراکه اگر تفسیر موضوعی جایز بود، خدای سبحان آیات مربوط به هر موضوعی را در کتاب خود یکجا بیان می‌کرد. خدای سبحان آیات قرآن را به‌طور موضوعی و یکجا بیان نکرده است تا قرآن کریم در جامعه اسلامی نوپا، اثر لازم را بگذارد. پس نباید این تدریج و ترتیب را برهم زد؛ تفسیر موضوعی این تدریج و ترتیب را به هم می‌زند.

### ب) دلیل روایی

مخالفان تفسیر موضوعی برای اثبات سخن خود به روایات مشهور «ضرب القرآن» استناد کرده‌اند که در منابع شیعه و سنی با عبارات گوناگون نقل شده‌اند که در اینجا به ذکر یک روایت از هر یک از این دو فرقه پرداخته می‌شود.

### «الف) روایات ضرب القرآن در منابع شیعه

محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن نصر بن سوید عن قاسم بن سلیمان عن ابی عبدالله (ع) عن الباقر (ع) قال: «ما ضرب رجل القرآن بعضه ببعض إلا كفر» (هیچ کس بعضی از قرآن را بر بعضی دیگر آن نزد، جز آنکه کافر شد).

### ب) روایات ضرب القرآن در منابع سنی

احمد بن حنبل و ابن ماجه از عمرو بن شعيب از پدرش از جدش نقل کرده است که از نبی اکرم صلی الله علیه و آله شنیدند که جماعتی (درباره قرآن) به ستیز و دشمنی می پردازند فرمودند: «إنما هلك من كان قبلکم بهذا ضربوا کتاب الله بعضه ببعض و إنما نزل کتاب الله یصدق بعضه بعضاً فلا تکذبوا بعضه ببعض، فما علمتم منه فقولوا و ما جهلتم فكلوه إلى عالمه» (مردمان پیش از شما به خاطر چنین کاری هلاک شدند بعضی آیات کتاب خدا را به بعضی آیات دیگر زدند. قرآن نازل شد تا بعضی از آن بعضی دیگر را تصدیق کند. پس برخی از آیات آن را با برخی دیگر تکذیب نکنید. آنچه از آن می دانید بیان کنید و آنچه را که نسبت به آن آگاهی ندارید به داننده آن واگذارید)» (عباس پور، ۱۳۸۵ ه.ش، ص ۱۱۶-۱۱۱).

## ۲-۱-۵-۳- دلایل عقلی

### الف) کیفیت اسلوب و ساختار قرآن

یکی از خرده‌هایی که بر تفسیر موضوعی گرفته‌اند و مانند دلیل قطعی مقابل آن قرار داده‌اند، مبتنی بر کیفیت اسلوب و ساختار قرآن مجید است. بهروز یدالله پور به نقل از دکتر حجتی در این باره گفته‌اند:

«اکثر قریب به تمام دانشمندان، پذیرای این حقیقت‌اند که نظم و ترتیب آیات، در سوره‌های قرآن موجود، توقیفی است. به عبارت رساتر، این ترتیب ریشه در اجتهاد صحابه ندارد؛ بلکه از سوی خداوند متعال ترتیب آیات انجام گرفته است. پرواضح است که خداوند متعال بهتر از ما می‌داند که سخن خود را به چه کیفیتی سامان دهد تا از نظر ارشاد و هدایت آن‌ها به حق و حقیقت، مؤثر و پرجاذبه باشد ... در ترتیبی که خداوند، بدان در نظم آیات سوره‌ها فرمان داده، حتماً اسرار و حکمت‌هایی وجود دارد ... نظمی که باید اسرار اعجاز قرآن را در آن جستجو کنیم



و اگر نظم و ترتیب آن را تغییر دهیم و آنگاه به تفسیر آن روی آوریم، کتاب و یا کتاب‌هایی را در تفسیر قرآن فراهم می‌آوریم که همانند کتب عادی، دارای فصول و ابوابی خواهند بود که سرّ و راز ناشناخته اعجاز آن را، کم‌مایه و کم‌رنگ می‌سازد و نمی‌تواند همانند تفسیر ترتیبی برای ایجاد انعطاف و پذیرش حق از سوی مردم مؤثر افتند اگر نه چنین می‌بود و خداوند، کتاب خود را به صورت موضوعی سامان می‌داد» (یدالله پور، ۱۳۸۳ ه.ش، ص ۱۱۷).

ایشان همچنین به نقل از مرحوم آیت‌الله‌العظمی سید ابوالقاسم خوئی در بیان عدم دسته‌بندی موضوعی در قرآن بیان می‌کنند:

«قرآن کتاب هدایت است و برای سوق دادن بشر به سوی سعادت دنیا و آخرت نازل گردیده و یک کتاب فقهی، تاریخی، اخلاقی و مانند آن نیست تا برای هر موضوعی باب مستقلی ترتیب بدهد و مطالب را کلاسه نماید. جای تردید نیست که اسلوب فعلی قرآن، بهتر می‌تواند مقصود و هدف هدایتی و اثرگذاری آن را تأمین نماید و نتیجه‌بخش گردد؛ زیرا اگر کسی تنها بعضی از سوره‌های قرآن را بخواند، می‌تواند در مدت کم و بدون زحمت و مشقت به مقاصد زیاد قرآنی پی ببرد و باهدف‌های آن آشنا گردد و در ضمن یک سوره می‌تواند به مبدأ و معاد متوجه گردد و از تاریخ گذشتگان اطلاع حاصل نماید و از سرگذشت آن‌ها عبرت بگیرد و از طرف دیگر از اخلاق نیکو و تعالیم و برنامه‌های عالی بهره‌مند شود و باز در ضمن همان یک سوره می‌تواند قسمتی از احکام و دستورات قرآن را درباره عبادات و معاملات فراگیرد.» (همان، ص ۱۱۷).

### ب) جایگاه آیات در مصحف

قرآن یک ترتیب خاص دارد و توقیفی بودن ترتیب آیات، در قرآن مجید مورد قبول بسیاری از علمای علوم قرآنی است. بسیاری از علمای تفسیر، از ارتباط آیات و تناسب آن‌ها هم‌سخن گفته‌اند. یعنی هر آیه‌ای در مکانی که واقع گردید، با آیات ماقبل و مابعد خویش ارتباط خاصی دارد که در فضای خاص خود، مفاهیم بسیاری را ارائه خواهد کرد. به همین خاطر بعضی از اندیشوران قرآنی تفسیر موضوعی را به‌خاطر تغییر در جغرافیای آیات مجاز نمی‌شمارند و این‌گونه نظر می‌دهند:

«شما باید قرآن را به ترتیب بخوانید تا به مقصود برسید. اگر کتاب نویسنده‌ای را شما از آخر یا از وسط شروع به مطالعه کنید و بعد به نقد و ایراد پردازید، مؤلف کتاب، نقد شما را نمی‌پذیرد و می‌گوید: بر اساس تنظیم من نخوانده‌اید. قرآن نیز طرحی دارد و مقصودی؛ اگر به ترتیب خواندید و اولش را اول و آخر آن را آخر، طرح و پیام آن را می‌فهمی و گرنه ... فقهای ما اجازه نمی‌دهند ترتیب قرآن به هم بخورد. می‌گویند: «به همین صورت توقیفی است» ... اگر جایگاه آیه را در نظر نگیریم و مجرد از ماقبل و مابعد به آن پردازیم و با آیات دیگری که آن‌ها هم مجرد از ماقبل و مابعد خود شده، کنار هم قرار دهیم، آیا همان معنایی را خواهد رساند که این آیه را در ارتباط با طرح کلی و ترتیبی قرآن در نظر می‌گیریم؟ این قابل تأمل و بررسی است.» (همان، ص ۱۲۱).

### ج) تفسیر موضوعی راهی انحرافی در تفسیر قرآن

«یکی دیگر از اشکالاتی که به روش تفسیر موضوعی گرفته‌اند، این است که این روش، بیان اندیشه‌ها و افکار مفسر موضوعی و تطبیق آراء خویش بر قرآن مجید است؛ نه بیان دیدگاه قرآن.»

جدای از تفسیر موضوعات از خلال قرآن کریم و یا تفسیر موضوعی سوره‌ها، کتاب‌های زیادی در قرون اخیر در زمینه تفسیر موضوعی قرآن نگارش شد ... که اغلب آن‌ها به بررسی‌های تطبیقی اکتفا کردند. می‌بینیم بالای انحراف تطبیق مقاصد و افکار خود بر قرآن نه عرضه آن بر قرآن، اندکی بعد از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گریبان‌گیر جامعه بوده و شخصیتی چون امیرالمؤمنین علی علیه السلام از آن می‌نالیده است پس آیا این خطر وجود ندارد که این انحراف در زمان ما با ضعف علمی موجود، در سطح وسیع‌تر و خطرناک‌تری گسترش یابد؟» (همان، ص ۱۲۳-۱۲۲).

## ۲-۲- بخش دوم: خاستگاه تفسیر موضوعی

همان طور که در فصل اول در بیان کلیات گفته شد خاستگاه عبارت است از؛ جایی که چیزی از آن برمی‌خیزد یا در آن پدید می‌آید، منبع، منشأ (معین، ۱۳۵۰ ه.ش) و همچنین به معنای مبدأ، محل برخاستن و جای بلند شدن و طلوع کردن (دهخدا، ۱۳۱۹ ه.ش) است و در اصطلاح

عبارت است از علل، عوامل و شرایط مختلف در ظهور و بروز، رشد و پیشرفت یک پدیده یا هر چیز دیگری است که این علل و عوامل می‌توانند تاریخی، فکری، اجتماعی، فرهنگی و... باشند؛ و منظور از خاستگاه تفسیر موضوعی بررسی زمینه‌ها و علل ظهور و بروز، گرایش، رشد و گسترش این تفسیر در ادوار مختلف به‌ویژه در دوران معاصر است.

در پیدایش و گسترش هر دانشی، عوامل و زمینه‌هایی مؤثرند. پیدایش رویکرد موضوعی به قرآن کریم و همچنین تحول در این حوزه مرهون زمینه‌ها و عواملی است که به‌طور کلی می‌توان آن‌ها را در دو حوزه درون دینی و برون دینی مورد بررسی قرار داد.

## ۲-۲-۱- خاستگاه‌ها و زمینه‌های درون دینی

در این بخش نظر به این است برخی از عوامل و زمینه‌های رویکرد به تفسیر موضوعی و همچنین خاستگاه و زمینه‌های تحول و گسترش این شیوه تفسیری، که مربوط به حوزه دینی است؛ در طول تاریخ به ویژه در دوران معاصر مورد بررسی قرار گیرد.

## ۲-۲-۱-۱- احساس هویت اسلامی

امروزه بحث هویت و مسائل مربوط به آن از مهم‌ترین دغدغه‌های افراد و مسئولان اجرایی جامعه است. بحران هویت، تعارض هویت، تغییر هویت و مشکلات ناشی از آن‌ها، از جمله مسائلی است که در صورت دست نیافتن به هویتی صحیح و متناسب با ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول جامعه، افراد با آن روبه‌رو و کیفیت زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار خواهد داد. از مهم‌ترین ابعاد هویت، هویت دینی است، دین به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدن بشری، نقش اساسی در تکوین هویت انسان‌ها دارد. همان‌طور که دین تمام ابعاد نگرشی و رفتاری افراد را تحت تأثیر خویش قرار می‌دهد، دستیابی به هویت دینی بر مبنای آموزه‌های الهی نیز، در ادامه تمام زوایه‌های زندگی فردی و جمعی افراد را هدایت و به اصطلاح، سبک زندگی خاصی را به‌وجود می‌آورد (ویکی فقه، دانشنامه حوزوی).

احساس به خطر افتادن هویت اسلامی یکی از موارد توجه و روی آوری مجدد مسلمانان به قرآن کریم و بهره‌مندی بیشتر و بهتر از آموزه‌های آن در قرون اخیر بوده است. یکی از مؤلفین به نقل از ویلیام مونتگمری وات یکی از دانشمندان غربی بیان می‌کند.

«به نظر می‌رسد یکی از عوامل مهم و نهفته در شالوده احیای اسلامی، رواج این احساس در میان مسلمانان عادی بود که فکر می‌کردند هویت اسلامی‌شان به مخاطره افتاده است ...» (هاشمی، ۱۳۷۵ ه.ش، ص ۳۴).

این مهم در سایه تفسیر موضوعی که شیوه‌ای جدید در بیان آموزه‌های دینی اسلام به صورت دیدگاه و نظریه است؛ محقق می‌شود.

## ۲-۲-۱-۲- رشد علوم بشری و تخصصی شدن آن‌ها

امروزه علوم بشری در تمام حوزه‌ها از جمله حوزه علوم قرآنی به رشد چشم‌گیری رسیده است؛ و متخصصان بسیاری در این زمینه به عرصه پژوهش راه یافته‌اند که سبب شکافتن مسائل علمی، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی و... در قرآن کریم شده‌اند. رشد و توسعه علوم، زمینه ایجاد سؤالات جدیدی را در ذهن بشر به وجود می‌آورد که نیازمند پاسخی منطقی و جامع‌اند؛ لذا این امر متفکران مسلمان را بر آن داشت که پاسخگوی این پرسش‌ها به وسیله قرآن کریم به عنوان راهنمای هدایت بشریت باشند؛ دستیابی به این مهم نیازمند شیوه‌ای جدید در دریافت معارف قرآنی بود که این هدف جز از طریق روشی به نام تفسیر موضوعی میسر نمی‌شود.

یکی از محققان در این زمینه بیان می‌کند. «از ویژگی‌های عصر حاضر، گرایش و نگاه تخصصی، عمیق و همه‌جانبه نسبت به مسائل و موضوعات است. در بیشتر علوم سعی بر آن است که با دید تخصصی به یک موضوع نگرسته شده و به تجزیه و تحلیل آن اقدام شود. تفسیر قرآن نیز از این روش مستثنی نبوده و مفسران با عنایت به این ویژگی برای پاسخ‌گویی به نیازهای بشر کنونی به بررسی یک موضوع در تمام آیات پرداخته و به تمام جوانب آن توجه نموده‌اند. در این نگاه تجارب بشری پیرامون یک مسئله، به عنوان سرمایه پیشین مفسر بر قرآن عرضه شده و در صافی زلال وحی به اصلاح و تکامل می‌رسد. از این رو، بهتر است مفسر در این روش

تفسیری آشنایی خود را در شعاع اندیشه انسانی و تجربه‌های فکری بشر توسعه دهد و با علوم گوناگون انسانی همچون علوم اجتماعی، تربیتی، سیاسی و اقتصادی آشنایی کافی داشته باشد. روشن است که هر چه آشنایی مفسر در این حوزه‌ها وسیع‌تر باشد، با دید تخصصی و عمیق‌تر و با سؤالات بیشتری به مسائل می‌نگرد و در نتیجه، در کشف و بیان مفاهیم آیات پیرامون موضوعی از موضوع‌های علوم انسانی توانا تر خواهد بود. تفسیر موضوعی این قابلیت را دارد که با بهره‌گیری از تجارب بشری به تکامل و رشد سریع نایل آید؛ چراکه وقتی بررسی‌های قرآنی با توجه به تجربه‌های فکری بشر، صورت گیرد بهره‌ای که از قرآن به عمل می‌آید، همواره نو و برای رفع مشکلات جامعه اسلامی و حتی جامعه انسانی سودمند خواهد بود.

البته باید توجه داشت که گاهی مفسر با بررسی موضوعی و نگرشی، عمیق به موضوعات قرآن، به معارف بلند و مطالبی جدید دست می‌یابد که در میان تجربه‌های بشری اثری از آن‌ها یافت نمی‌شود تا بخواهیم با توجه به آن‌ها از قرآن سؤال کنیم و پاسخ را بدانیم؛ مسائلی همچون خلافت الهی، کرامت انسان، و روح خداوند در انسان که در انسان‌شناسی از دیدگاه قرآن مطرح می‌شود، اما در تجربه بشر مادی سخنی از آن‌ها نیست؛ بنابراین، تجربه بشری تنها می‌تواند در شناخت بهتر ابعاد برخی موضوعات ما را یاری دهد و پرسش‌های تازه‌ای درباره آن‌ها مطرح نماید.» (داوودی، ۱۳۸۴ ه.ش، ص ۳).

### ۲-۲-۱-۳- سبک قرآن در بیان معارف الهی

نزول تدریجی قرآن کریم در طی ۲۳ سال آن هم در زمان‌ها و موقعیت‌های گوناگون بیانگر این امر است که معارف قرآنی به صورت پراکنده و در سوره‌های مختلف قرار گرفته‌اند. در دوران معاصر با پیشرفت جوامع انسانی و رشد فکری بشر در سطح گسترده، پرسش‌ها و مسائلی مطرح می‌شود که انسان همواره در صدد دریافت پاسخ آن‌ها از دین است. این امر با سبک‌ها و روش‌هایی همچون تفسیر ترتیبی که در گذشته رواج بیشتری داشته است، امکان‌پذیر نخواهد بود؛ چراکه این شیوه معارف را به صورت پراکنده و بدون انسجام موضوعی بیان می‌دارد. در چنین موقعیتی لزوم وجود سبک و روشی جدید در تفسیر خود را نمایان می‌کند،

روشی که در آن آیات پراکنده در سراسر قرآن کریم، در ذیل یک مسئله و موضوع جمع‌آوری شده و دیدگاه جامع وحی در آن زمینه را بیان می‌کند.

### ۲-۲-۱-۴- توجه به بُعد هدایتی و تربیتی قرآن کریم

قرآن کریم راهنمای هدایت بشریت به سوی سعادت دنیوی و اخروی است آنجا که می‌فرماید:

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَ الْقُرْآنِ» (بقره / ۱۸۵)

(ماه رمضان است؛ ماهی که قرآن، برای راهنمایی مردم، و نشانه‌های هدایت، و فرق

میان حق و باطل، در آن نازل شده است)

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِّلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ...» (اسراء / ۹)

(این قرآن، به راهی که استوارترین راه‌هاست، هدایت می‌کند.)

و برای ابعاد گوناگون زندگی او اهداف و برنامه‌هایی را ارائه کرده که بهره‌مندی هرچه

بیشتر از این برنامه‌ها در گرو دریافت صحیح آن‌ها از منابع معتبر است.

تأمین اهداف الهی در جهت هدایت انسان‌ها برعهده مفسر قرآن است که می‌بایست

بهترین روش‌ها را برای تبیین معارف قرآنی ارائه دهد. در گذشته بهره‌مندی از آیات قرآن کریم

از طُرُق و شیوه‌های گوناگونی مانند تفسیر ترتیبی، نقلی، عرفانی و... تأمین می‌شد. اما با گذشت

زمان و تحولات بنیادین در تمامی عرصه‌های زندگی بشر از جمله عرصه‌های سیاسی، فرهنگی،

اجتماعی و... و در پی آن گسترش بحران‌ها و دغدغه‌های انسان و جامعه؛ غالب مفسران تمام

اهتمام خود را به هدایت جامعه و برطرف کردن این بحران‌ها به وسیله آموزه‌های تربیتی قرآن

کریم بکار گرفتند که این مهم جز از طریق روشی جدید به نام تفسیر موضوعی میسر نبود.

### ۲-۲-۱-۵- پیدایش گرایش‌های انحرافی در تفسیر

پیدایش گرایش‌های انحرافی در تفسیر قرآن کریم مانند افراط در گرایش به تفسیر

علمی و تأویل و باطنگرایی در تفسیر قرآن موجب شد بعضی دانشمندان تفسیر موضوعی را به

ویژه در حوزه مفهوم شناسی واژه‌های قرآن راهی مطمئن برای دستیابی به دلالت‌های صحیح و

دریافت مفاهیم عصر نزولی الفاظ دانسته، بر آن تأکید کنند؛ بدین ترتیب در حدود

نیمه قرن چهاردهم موج گسترده‌ای از رویکرد به تفسیر موضوعی برخاست و به سرعت، روبه گسترش نهاد(ویکی فقه، دانشنامه حوزوی).

### ۲-۲-۱-۶- دانشکده‌های قرآنی در مجموعه حوزه‌های دینی

با توسعه و گسترش دانشگاه‌ها موضوعات جدیدی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... زندگی بشر مطرح شد که نیازمند پژوهش و تحقیق در آن زمینه بودند. همچنین ایجاد دانشکده‌های تخصصی در حوزه‌های دینی این زمینه را برای انسان فراهم آورد که موضوعات مطرح شده در ذهن خود را در قالب دین و قرآن بررسی کند.

تفسیر ترتیبی به سبب سبک ویژه‌اش در تبیین آیات قرآن کریم نمی‌توانست پاسخگوی نیاز افرادی باشد که نه وقت لازم برای مطالعه همه کتب تفسیری و دریافت پاسخ پرسش و مسئله خود را دارند؛ و نه تخصص خاص آن را. از این رو عالمان دینی سبک تازه‌ای را در حوزه‌های دینی برای بهره‌مندی هرچه بیشتر معارف قرآنی ارائه کردند که افق بلندی را به روی پژوهش‌های قرآنی در دانشکده‌های قرآنی باز می‌کرد.

کاظم قاضی‌زاده در این زمینه می‌گوید: «بخش‌های عمده‌ای از موضوعات رساله‌های دانشگاهی به مفاهیم و موضوعات قرآنی اختصاص یافته است. توجه به ویژگی نوآوری در نگارش رساله، و باتوجه به توسعه دانشکده‌ها، دانشجویان به دنبال طرح موضوعات جدید در این رشته برآمده‌اند که تفسیر موضوعی یکی از بهترین این عرصه‌هاست.» (قاضی‌زاده، ۱۳۹۷، ص ۴۸).

### ۲-۲-۱-۷- پیدایش و گسترش شبهات

مسئله شبهه و شبهه‌افکنی و پرهیز از آن از دیرباز مطرح بوده و در تعلیمات دینی از اهمیت بالایی برخوردار است.

قرآن کریم در آیه ۳۶ سوره اسراء می‌فرماید:

«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»

(اسراء/۳۶)

(از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن؛ چراکه گوش و چشم و دل همه مسئول‌اند).

در دوران معاصر با گسترش امکانات و پیشرفت علوم بشری، دشمنان اسلام همواره در طول تاریخ با ایجاد شبهه و سخنان و تحلیل‌های گیج‌کننده، سعی در گمراه کردن مردم و دور کردن آن‌ها از ارزش‌های الهی داشته و دارند.

تحت تأثیر چنین شبهاتی قرار گرفتن، ریشه در ضعف معرفتی و شناخت مردم نسبت به حقایق دین دارد. در صورتی که اگر انسان نسبت به شبهاتی که با آن‌ها روبه‌رو می‌شود؛ علم و آگاهی لازم را داشته باشد هرگز در دام چنین شبهاتی گرفتار نشده و مسیر را گم نخواهد کرد. در دوران معاصر شبهات بسیاری ذهن بشر امروزی را به خود مشغول کرده است. شبهاتی همچون حقوق بشر، آزادی اندیشه و بیان، حقوق زن و فمینیسم، رابطه دین و حکومت با طرح سکولاریسم، حقوق اقلیت‌ها، روابط بین‌الملل و... همگی پرسش‌هایی هستند که نیازمند پاسخ و شفافیت‌اند. پاسخ جامع، کامل و قاطع به چنین شبهات و سؤالاتی تنها در گرو شیوه‌ای تازه در تفسیر قرآن کریم است که بتواند دیدگاه اسلام را در ذیل چنین موضوعاتی استخراج کرده و ضعف معرفتی انسان را جبران کند. تفسیر موضوعی چنین نقش مهمی را ایفا کرده است.

### ۲-۲-۲- خاستگاه‌ها و زمینه‌های برون دینی

در این بخش نیز برخی از زمینه‌ها و عوامل پیدایش، تحول و گسترش شیوه تفسیر موضوعی که مربوط به حوزه‌هایی غیر از حوزه دین است؛ مورد بحث و بررسی قرار گرفته می‌شود.

### ۲-۲-۲-۱- گسترش و پیشرفت امکانات تحقیق و اطلاع‌رسانی

روی آوری به نگارش معجم‌های موضوعی و لغوی و تدوین کتاب‌های بسیاری با این عناوین سبب شد که بتوان آیات پراکنده و مرتبط با یکدیگر در سراسر قرآن که در ذیل یک موضوع مطرح شده‌اند را به آسانی جمع‌آوری و مورد مطالعه قرارداد و از پس آن به دیدگاه وحی پی برد. این در حالی است که چنین ابزارها و امکاناتی در گذشته نسبت به قرن‌های اخیر فراهم نشده یا کمتر در دسترس بوده است.

کاظم قاضی‌زاده نیز یکی از عوامل رشد تفسیر موضوعی در دوران معاصر را گسترش و پیشرفت امکانات تحقیق دانسته در این باره بیان می‌کند:



«در دوران قدیم امکان راهیابی به مجموعه قرآن در یک موضوع، نیازمند ممارست، انس و حفظ قرآن و کار مداوم و طولانی بوده است. اما تدوین معجم‌های موضوعی و لغوی برای قرآن از قرن ۱۹ تاکنون به‌ویژه در این سال‌ها که باید آن را دوران مرگ معجم‌های غیر الکترونیکی دانست؛ امکان جامع‌نگری به قرآن، پیدا کردن سریع آیات مربوط به یک موضوع و دستیابی به انظار مختلف درباره آن‌ها را فراهم کرده است. این نکته نیز بر روند رشد تفسیر موضوعی بدون تردید افزوده و خواهد افزود.» (قاضی زاده، ۱۳۹۷ ه.ش، ص ۴۷).

علاوه بر این، پیشرفت امکانات اطلاع‌رسانی همچون روزنامه‌ها، مجلات، کتاب‌ها، رادیو، تلویزیون و... سبب آشکار شدن میزان دشمنی استعمارگران با فرهنگ و تمدن اسلامی و همچنین سبب معرفی و بیان فرهنگ کهن دینی مسلمانان و پیشینه درخشان علمی آن‌ها گردید. وجود این دو عامل یعنی گسترش امکانات تحقیق و اطلاع‌رسانی در قرن‌های اخیر، سبب بیداری و روی آوری دوباره مسلمانان به قرآن کریم با سبک و شیوه‌ای جدید شد که امروزه از آن به تفسیر موضوعی یاد می‌شود.

#### ۲-۲-۲-۲- پیدایش مکاتب گوناگون

یکی دیگر از زمینه‌ها و عوامل توجه به روش تفسیر موضوعی در بیان دیدگاه‌های وحی، پیدایش مکتب‌های مختلف در عصر حاضر است. قرآن کریم راهنمای هدایت بشریت است؛ لذا می‌بایست آموزه‌های آن همانند سایر مکاتب امروزی در قالب نظریه و دیدگاه ارائه شود تا بتواند همگام با آن‌ها پاسخگوی نیازهای مخاطبین خود باشد. تفسیر ترتیبی نمی‌تواند به‌تنهایی عهده‌دار چنین رسالت بزرگی باشد چراکه این روش آموزه‌های قرآنی را به‌صورت پراکنده و بدون ارتباط با یکدیگر مطرح می‌کند از این‌رو دریافت دیدگاه وحی در ذیل یک موضوع به این روش تقریباً امکان‌پذیر نیست. از طرفی تعلیم آموزه‌های قرآنی برای غیر قرآن‌پژوهان به این روش دشوار و غیرممکن است.

«متفکران مسلمان در رویارویی با این مکتب‌ها می‌بایست اسلام را آن‌گونه که هست به‌عنوان یک مجموعه سیستماتیک و یک مکتب زنده و زندگی ساز، شناسایی و معرفی کنند. از این روی موافقان این روش در تأیید و تحکیم آن بر این نکته اصرار دارند که تفسیر موضوعی

تنها روش صحیح برای پاسخ‌گویی به نیازهای عصر است؛ و اگر قرار باشد اسلام را به‌عنوان یک مکتب زنده در برابر دیگر مکتب‌ها عرضه کنیم، ناگزیریم از این روش استفاده ببریم، چه این‌که روش جزءنگر، با وجود نتیجه‌های مثبت، کافی نیست و از ارائه یک شناخت نهایی و جامع، ناتوان است.» (حاجی اسماعیلی، ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۱۲۷).

دیدگاه محمدتقی مصباح در این زمینه این است که؛ «آنچه عرضه می‌کنیم باید مطالبی باشد که استنادش به قرآن جای هیچ‌شکی نداشته باشد و درعین‌حال به‌صورت پراکنده و بدون ارتباط و نظم هم نباشد؛ زیرا اگر مطالبی را پراکنده عرضه کنیم، علاوه بر اینکه یادگیری آن مشکل است؛ فایده‌ای را که از یک نظام فکری صحیح در مقابل نظام‌های فکری غلط باید گرفت، نیز نخواهد داشت.

همه مکتب‌های منحرف کوشیده‌اند به افکار و اندیشه‌های خود شکل و نظامی بدهند؛ یعنی برای مطالب شان ریشه‌ای معرفی می‌کنند و با ارتباط و پیوند با سلسله مسائلی منسجم، یک کل منظم و هماهنگ به وجود آورند. ما که در جهت صحیح هستیم، در مقابل آن‌ها عیناً باید همین کار را بکنیم؛ یعنی معارف قرآن را به‌صورت سیستماتیک و منظم عرضه کنیم. به صورتی که پژوهشگر بتواند از یک نقطه شروع کند و زنجیره‌وار حلقه‌های معارف اسلامی را به هم ربط بدهد و در نهایت به آنچه هدف قرآن و اسلام است، نائل شود.

پس ناچاریم معارف قرآنی را دسته‌بندی کنیم و به آن‌ها شکلی بدهیم تا آموختن آن‌ها برای جوانانی که وقت کمی دارند، آسان و نیز در مقابل نظام‌های فکری دیگر قابل عرضه باشد.» (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ ه.ش، ج ۱، ص ۱۹-۱۸).

### ۲-۲-۳- مشاهده انحطاط جوامع اسلامی و رشد تمدنی غرب

غرب استعمارگر که سال‌ها تحت سلطه کلیسا، از هرگونه علم و علم‌ورزی محروم شده بود؛ پس از آشنایی با آموزه‌های اسلامی که برخلاف کلیسا از علم و دانش بسیار حمایت کرده و انسان‌ها را نسبت به آن تشویق می‌کرد؛ راه پیشرفت و رشد را یافته و خود را از آن رکود و ایستایی نجات داد. در مقابل، کشورهای اسلامی تحت سلطه کشورهای غربی روزبه‌روز از این

آموزه‌ها فاصله گرفته و راه پیشرفت جوامع خود را در غرب جستجو می‌کردند که نتیجه این جدایی، عقب‌ماندگی و وابستگی بیشتر مسلمانان نسبت به ملت‌های غرب بود.

«قرن بیستم میلادی و یا چهاردهم اسلامی با بیداری شرق و شرقیان و بالاخص مسلمانان آغاز گردید در این قرن، طلسم استعمار تا حدودی درهم شکست، کشورهای مستعمره به صورت کشور آزاد یا نیمه آزاد در آمدند، مسلمانان و رهبران فکری و علمی آنان در یک سلسله مسائل اساسی اندیشیدند، علل ضعف و عقب‌افتادگی را مورد مطالعه قرار دادند و در صدد چاره‌جویی برآمدند. از مسائلی که بیشتر مورد توجه قرار گرفت، نشر معارف، حقایق و علوم قرآن بود. بازگشت به قرآن و اقبال مجددانه به آن، در کنار پرداختن و مطالعه جدی پیرامون علوم جدید، اقبال مبارکی بود که می‌توانست به طور اصولی و ریشه‌ای چهره معرفت دینی را غبارروبی نموده، گرد کهنگی و ملال را از سیمای آن زدوده و قامت رنجور و خمیده آن را راست گرداند و این مهم در سایه درک مقتضیات عصر و فهم علوم مختلف، توسط روشنفکران دین‌دار عالم میسر تواند بود. تفسیر نویسی به شیوه‌ای جدید، متناسب با تحولات قرن از جمله اقدامات عالمان دینی برای خروج از این انحطاط و عقب‌ماندگی بود.» (کوهساریان، ۱۳۹۶ ه.ش، ص ۶۵-۶۴).

#### ۲-۲-۲-۴- تلاش برای اسلامی‌سازی علوم

«پس از ورود علوم انسانی به کشورهای اسلامی از جمله کشور ما مسئله اسلامی‌سازی دانش مطرح شد. در این امر، افزون بر تصحیح نحوه نگاه به موضوعات علوم؛ یعنی جهان و انسان و باور به آفریده خدا بودن تمام آن‌ها، این مسئله مطرح است که با نظریه‌های غیراسلامی موجود، چگونه برخوردی باید داشت؟ به چند روش می‌توان در این باره عمل کرد: ۱- پذیرش همه آن‌ها، مانند آنچه تاکنون در برخی مراکز علمی ما رخ داده است. ۲- اصلاح، با دادن رنگ و بوی اسلامی به آن نظریه‌ها ۳- کنار گذاشتن تمام آن‌ها که به نظر می‌رسد هیچ‌یک از این روش‌ها مناسب نیست. دو روش نخست صحیح نیست؛ زیرا آن نظریات بر اساس یک مبانی فکری و در بستر اجتماعی خاص شکل گرفته‌اند که متفاوت با مبانی فکری و بستر اجتماعی موجود در جوامع اسلامی است. روش سوم نیز کارساز نیست؛ زیرا این چنین نیست که تمام یافته‌های بشری خطا و غیرقابل اعتماد باشد. نظر دیگری که از کلام شهید صدر می‌توان استفاده کرد این است

که؛ از معارف بشری و نظریات موجود به عنوان مواد اولی استفاده کرد. این امر لازمه روش صحیح و نحوه استخراج نظریه قرآنی است؛ زیرا تفسیر موضوعی دو رکن اساسی دارد: یکی رکن بیرونی و دیگری رکن درونی. رکن بیرونی یعنی نظریه‌هایی که در بیرون از قرآن مطرح است و رکن درونی، آیات خود قرآن و قراین روایی است. کسی که می‌خواهد دیدگاه قرآن را استخراج کند، اگر رکن بیرونی را نداشته باشد و به آنچه که درباره این مسئله در بیرون شکل گرفته است آگاه نباشد، نمی‌تواند دقیقاً نظر قرآن را استخراج کند. (مجله معرفت، ۱۳۸۹ ه.ش، ص ۴). بنابراین یکی از زمینه‌های توجه به این شیوه از تفسیر در دوران معاصر، تلاش دانشمندان و عالمان اسلامی برای اسلامی‌سازی علوم بوده است که جز از این طریق مسیر نمی‌شود.

### ۲-۲-۵- خدشه‌دار شدن تعلیمات اسلامی

هدف مستشرقان در نگارش تألیفات قرآنی خود در هیچ عصر و زمانی مثبت و در جهت راهنمایی و هدایت انسان‌ها نبوده است. بلکه همواره در پی اهداف غیرعلمی و غیر فرهنگی و در جهت خدشه دار کردن اسلام و تعلیمات اسلامی بوده است.

در کشورهای غیراسلامی مطالعات و پژوهش‌های فراوانی برای شناخت قرآن کریم در حوزه‌های مختلف از جمله تفسیر، رجال، فلسفه، فقه و... در جهت اهداف و انگیزه‌های ناصواب انجام داده‌اند. برخی از مستشرقان باتکیه بر ظاهر آیات قرآن کریم و باتوجه به تفاسیر ترتیبی قرآن که آیات را طبق ترتیب نزول تفسیر و تبیین کرده است؛ قرآن را کتابی فاقد نظم و پیوند موضوعی و دربردارنده مطالب پراکنده و بدون هدف معرفی کرده‌اند. در چنین شرایطی ضرورت وجود یک روش جدید در مطالعات قرآنی، برای زدودن چنین اتهاماتی از ساحت وحی و تبیین آیات قرآن کریم خود را نشان می‌داد؛ روشی که دیدگاه اسلام در ذیل موضوعات مختلف را بیان کند. تفسیر موضوعی بهترین شیوه در رد چنین اتهاماتی است.

کاظم قاضی‌زاده در کتاب روش‌شناسی تفسیر موضوعی قرآن بیان می‌کند: «در دانشکده‌های کشورهای غیراسلامی از جمله اسرائیل و... کرسی‌های تدریس قرآن‌شناسی با انگیزه‌ها و اهداف مختلف رواج یافته است. اینان نسل جدیدی از رویکرد مستشرقین در عرصه قرآن‌شناسی و تألیف در عرصه قرآن محسوب می‌شوند. انگیزه اینان هرچه باشد بالاخره نتیجه

کارشان مورد توجه و دارای اشتباهات جدی بوده است. کارهای بلاشر، نولدکه و نگارش دایره المعارف اسلامی که به موضوعات قرآنی یا از منظر قرآن می‌پرداختند، زمینه ترجمه و نقد را فراهم ساختند.» (قاضی زاده، ۱۳۹۷ ه.ش، ص ۴۸).

#### ۲-۲-۲-۶- تهاجم فرهنگی در عرصه‌های مختلف

در قرون اخیر با پیشرفت تکنولوژی و امکانات، فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی در تقابل با یکدیگر قرار گرفته‌اند؛ به گونه‌ای که دولت‌های استعمارگر برای حفظ سلطه خود بر کشورهای جهان سوم که عمدتاً کشورهای اسلامی هستند؛ فرهنگ این کشورها را مورد تهاجم قرار داده و سبک زندگی اسلامی را در این جوامع کم‌رنگ کرده‌اند. نویسنده کتاب روش‌شناسی تفسیر موضوعی قرآن در این زمینه می‌نویسد:

«امروز فرهنگ‌ها و مدل‌های گوناگون زندگی در تقابل یکدیگر، بلکه در بعضی از موارد در تهاجم با یکدیگر قرار دارند. متفکر متدین ناچار باید از اندیشه دینی دفاع کند و یا در بعضی از موارد به اصلاح نظریه‌پردازی‌های خود و اصلاح برداشت از متون بپردازد.

در این بخش آنچه مهم است نظریه‌پردازی است و راهی جز جامع‌نگری به قرآن و تبیین مناسب از نظریات قرآنی در عرصه‌های چالش‌برانگیز نیست چه در عرصه‌هایی که نوآوری‌های دنیای جدید است و سکوت قرآن نقص آن قلمداد می‌شود و چه در عرصه‌هایی که به مجموعه تراث اسلامی شبهاتی متوجه شده، زمینه تفسیر موضوعی را فراهم کرده است.» (قاضی زاده، ۱۳۹۷ ه.ش، ص ۴۷).

بازگشت به فرهنگ غنی اسلامی و بهره‌مندی از آن در متن زندگی، نیازمند آن است که دیدگاه و نظر وحی در این مورد استخراج و مورد استفاده قرار گیرد. دستیابی به این مهم تنها در پرتو بهره‌مندی از شیوه‌ای جدید در تفسیر آیات قرآن بود که همان روش تفسیر موضوعی است.

#### ۲-۲-۲-۷- پاسخگویی به نیازهای فرد و جامعه

درخواست از دین به‌ویژه قرآن کریم به‌عنوان راهنمای هدایت بشریت برای پاسخگویی به نیازهای مختلف جوانان، خانواده‌ها، حکومت‌ها و... از جمله دست آوردهای پیشرفت علم و

دانش و بازگشت دوباره به قرآن و آموزه‌های اسلامی است که انسان را مشتاق به دانستن دیدگاه وحی نسبت به این نیازها و پرسش‌های ایجاد شده در ذهن خود کرده است.

دانشمندان و صاحب‌نظران معتقدند که قرآن کریم می‌تواند در تمام اعصار پاسخگوی نیازهای انسان باشد و پاسخی قاطع و جامع به پرسش‌های ایجاد شده در ذهن او ارائه دهد. امروزه با پیشرفت تکنولوژی و وسایل ارتباطی، پیوسته پرسش‌های تازه‌ای در ذهن بشر ایجاد می‌شود که قرآن می‌بایست پاسخگوی آن‌ها باشد؛ لذا این امر ضرورت روی آوری به شیوه‌ای تازه در بیان دیدگاه اسلام را ایجاد می‌کند. تفسیر موضوعی بهترین روش در بهره‌مندی از آیات وحی در این زمینه بود.

## ۲-۳- جمع‌بندی فصل

فصل دوم این پژوهش با عنوان خاستگاه تفسیر موضوعی یعنی علل، عوامل و زمینه‌های پیدایش، توجه و گسترش تفسیر موضوعی در دو بخش اصلی، شامل معرفی اجمالی تفسیر موضوعی و خاستگاه‌های تفسیر موضوعی مورد بررسی قرار گرفته شد.

در بخش اول پیشینه این تفسیر، در دو مرحله تکوین و پیدایش که ریشه‌های آن در قرآن، کلام معصومین علیهم‌السلام و همچنین در بین مفسرین در گذشته وجود داشته است؛ و مرحله تجدد و شکوفایی که با تألیف کتاب‌هایی چون بحارالانوار مجلسی در قرن چهاردهم به نقطه اوج خود رسید و در دوران معاصر با نگارش تفاسیری چون منشور جاوید، پیام قرآن، تفسیر موضوعی و... رونق یافت؛ بیان شد. در ادامه برخی از شرایط تفسیر موضوعی شامل شرایط عام و خاص که به مفسر آن برمی‌گردد، و همچنین ارتباط تفسیر موضوعی با تفسیر ترتیبی، تفسیر اجتهادی، تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر علمی و دانش بشری بیان و توضیح داده شد. همچنین در این بخش برخی از امتیازات این تفسیر شامل والایی در هدف، ژرف‌نگری، نقش اثباتی و... و همین‌طور برخی از ادله موافقان و مخالفان تفسیر شامل دلایل قرآنی، روایی و عقلی تبیین و روشن گردید.

در بخش دوم این فصل نیز خاستگاه تفسیر موضوعی که شامل خاستگاه‌ها و زمینه‌های درون دینی و برون دینی می‌شود مورد پژوهش قرار گرفت. برخی از زمینه‌های توجه و گسترش

این تفسیر که به حوزه دین مربوط می‌شود عبارت‌اند از: احساس هویت اسلامی، نگرش تخصصی به موضوعات قرآنی، سبک قرآن در بیان معارف الهی، توجه به بُعد هدایتی و تربیتی قرآن کریم، پیدایش گرایش‌های انحرافی در تفسیر، دانشکده‌های قرآنی در مجموعه حوزه‌های دینی و پیدایش و گسترش شبهات. همچنین برخی از خاستگاه‌های توجه به رویکرد تفسیر موضوعی که مربوط به فضای خارج از دین است شامل گسترش و پیشرفت امکانات تحقیق و اطلاع‌رسانی، رشد علوم بشری و تخصصی شدن آن‌ها، پیشرفت علم و نظریه خواهی از علوم، پیدایش مکاتب گوناگون، مشاهده انحطاط جوامع اسلامی و رشد تمدنی غرب، تلاش برای اسلامی‌سازی علوم، مستشرقان و خدشه‌دار کردن تعلیمات اسلامی، تهاجم فرهنگی در عرصه‌های مختلف و پاسخگویی به نیازهای فرد و جامعه می‌شود.

## فصل سوم

### آسیب‌شناسی تفسیر موضوعی



## مقدمه

در دوران معاصر رویکرد موضوعی به قرآن کریم در پاسخ‌گویی به مسائل فرا روی بشر بیش از گذشته مورد توجه قرآن‌پژوهان قرار گرفته است. رسیدن به این مقصود جز با آگاهی از روش‌شناسی این تفسیر میسر نخواهد بود. از این رو نظر به این است که در این فصل پس از آشنایی با تعریف روش و روش‌شناسی، روش‌های تفسیر موضوعی را بیان کرده و پس از آن مراحل را که برخی از مفسرین این حوزه برای تفسیر خود بیان کرده‌اند ذکر شود؛ و در پایان نیز یک تقسیم‌بندی تازه برای مراحل تفسیر موضوعی بیان می‌کنیم. در آخر فصل نیز برخی از آسیب‌هایی که ممکن است در روش‌شناسی یا مراحل تفسیر موضوعی رخ دهد؛ مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۳-۱- بخش اول: روش‌شناسی تفسیر موضوعی

### ۳-۱-۱- تعریف روش و روش‌شناسی

«روش» یا «متد» در لغت به معنای راه، سبک، شیوه، اسلوب (دهخدا، ۱۳۷۷ ه.ش) و همچنین به معنای طرز انجام‌دادن کار، حرکت کردن و سلوک (عمید، ۱۳۹۰ ه.ش) است؛ و در اصطلاح عبارت است از فرایند عقلانی یا غیرعقلانی ذهن، برای دستیابی به شناخت یا توصیف واقعیت.

در معنای کلی‌تر، روش هرگونه ابزار مناسب برای رسیدن به مقصود می‌باشد. روش ممکن است به مجموعه راه‌هایی که انسان را به کشف مجهولات هدایت می‌کند، مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش به کار می‌روند، و مجموعه ابزار و فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می‌کند، اطلاق شود» (ابوالحسنی، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۱).

"روش شناسی" نیز دانش شناخت و تحلیل و بررسی روش های گوناگون در ذیل یک علم است. روش در هر علمی نقش کلیدی دارد به گونه ای که عدم شناخت روش آن علم سبب راه نیافتن و بهره مند نشدن از آن علم است. تفسیر موضوعی نیز همانند هر دانش دیگری از یک دسته اصول و قواعد برخوردار است که تلاش برای آگاهی و شناخت این قواعد و اصول، روش شناسی تفسیر موضوعی گفته می شود.

### ۳-۱-۲- روش های تفسیر موضوعی

بحث روش شناسی در هر علمی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است؛ چراکه از یک سو سبب تمایز علوم از یکدیگر شده و از طرفی دیگر به واسطه ی آن می توان از طریق عقل، نقل، علوم تجربی و... به حقیقت یک چیز پی برد و از لغزش و خطا دور ماند. تفسیر موضوعی نیز به عنوان یکی از شاخه های علم تفسیر، بسته به نگاه و نظر مفسران در این حوزه در بیان مفاهیم و آموزه های قرآنی روش های مختلفی دارد. به این معنی که هر مفسری شیوه خاصی را در بیان موضوعی دیدگاه قرآن ارائه می دهد و طبق آن روش به جمع آوری و تحلیل آیات و پس از آن به کشف دیدگاه وحی در زمینه موضوع مورد بحث می پردازد.

همان طور که گفته شد روش مفسران در تفسیر موضوعی با یکدیگر متفاوت است. این نوع تفاوت به عواملی مانند نوع موضوع انتخابی، دامنه و شیوه جمع آوری آیات بستگی دارد. به طور مثال گاهی ممکن است موضوع مورد بررسی، یک موضوع در دل آموزه های قرآن و اسلام باشد که در این صورت به چنین تفسیری تفسیر اتحادی یا تفسیر بر محور الله خوانده می شود. مانند تفسیر معارف قرآن مرحوم آیت الله مصباح یزدی که در آن موضوعات انتخابی را بر محور الله سازماندهی کرده اند. گاهی نیز ممکن است دو یا چند موضوع در ارتباط با یکدیگر مورد بحث و بررسی قرار گیرند که این موضوعات ممکن است دو موضوع دینی باشند و یا اینکه دو موضوع خارج از دامنه آموزه های اسلامی باشد که در این صورت تفسیر ارتباطی خوانده می شود. مانند تفسیر «جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن» از استاد مصباح یزدی.

تفسیر چه ارتباطی باشد و چه اتحادی در هر صورت روش کار این گونه است که مفسر موضوعات مورد نظر را به قرآن عرضه کرده و با جمع آوری آیات و تحلیل و بررسی آنها، به

نظریه و دیدگاه جامع قرآن کریم در ذیل موضوع مورد بحث دست می‌یابد. در حقیقت دو روشی که مفسران تحت عنوان روش «ارتباطی و اتحادی» از آن‌ها نام می‌برند یک روش بوده و تفاوت آن‌ها تنها در نوع موضوعی است که مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از جمله روش‌های تفسیر موضوعی که در آن به دامنه گردآوری آیات توجه می‌شود تفسیر موضوعی سوره‌ای است که در آن مفسر به بررسی موضوع مورد نظر در یک سوره می‌پردازد. دکتر مصطفی مسلم از جمله افرادی است که به چنین شیوه‌ای به تفسیر موضوعی پرداخته‌اند؛ گفته می‌شود:

«در این روش از هدف اساسی در سوره‌ای واحد بحث می‌شود و این هدف، همان محور موضوعی در سوره است. طریقه بحث در این روش، آن است که محقق، هدف یا اهداف اساسی سوره را جست‌وجو می‌کند، سپس سبب نزول سوره یا آیاتی که موضوع اساسی سوره را عرضه می‌دارند را بررسی می‌کند. آنگاه به ترتیب آیات نازل شده از بین سوره‌های مکی و مدنی، نظاره می‌نماید تا اسلوب‌های قرآنی در نمایش موضوع و رابطه‌های بین آیات در سوره را روشن نماید. محقق برای هر سوره، شخصیت مستقل و اهداف اساسی می‌یابد. روشن است که سوره‌های مکی، مبانی عقیده اسلامی چون: خداشناسی، نبوت و زندگی پس از مرگ (رستاخیز) را عرضه می‌دارد به همین خاطر ممکن است محقق در هر سوره مکی، یکی از جوانب اصول اعتقادی را بررسی نماید. در هر حال این روش را محدودتر از تفسیر موضوعی به شمار آورده‌اند.» (بدالله پور، ۱۳۸۳ ه.ش، ص ۴۴).

روش دیگری که مفسران در تفسیر قرآن کریم به شیوه موضوعی دنبال می‌کنند این است که یک موضوع واحد را در سراسر قرآن مورد بررسی و کاوش قرار می‌دهند تا بدین روش به کشف دیدگاه وحی در ذیل آن موضوع بپردازند.

«ماقبل از هر چیز به گردآوری تمام آیاتی که درباره یک موضوع در سرتاسر قرآن وارد شده است می‌پردازیم و بدون پیش‌داوری‌های قبل این آیات را در کنار هم چیده یک‌به‌یک تفسیر می‌کنیم، و بعد در یک جمع‌بندی رابطه آن‌ها را با یکدیگر در نظر گرفته، و از مجموع آن‌ها به یک ترسیم کلی دست می‌یابیم. در اینجا مفسر مطلقاً از خود چیزی ندارد، و همچون سایه به دنبال آیات قرآن می‌رود، همه چیز را از قرآن می‌فهمد، و تمام همّت او کشف محتوای

آیات است، و اگر از کلمات دیگران یا حتی از احادیث کمک می‌گیرد، در مرحله بعد و جداگانه خواهد بود.» (پیام قرآن، ۱۳۷۷ ه.ش، ج ۱، ص: ۳۲).

ابتدایی‌ترین روش تفسیر موضوعی نیز تفسیر واژگانی است که در این روش مفسر یکی از واژه‌های قرآنی را در آیات وحی مورد بررسی قرار می‌دهد و در صدد جمع‌آوری کلمه مورد بحث و یا مشتقات آن از جنبه لغوی برمی‌آید. کتاب‌های غریب القرآن و اشباه و نظائر در گذشته از جمله این تفاسیر بوده‌اند. نمونه بارز این روش از تفسیر موضوعی کتاب المفردات فی غریب القرآن راغب اصفهانی است. «در این روش، پژوهشگر، کلمه‌ای از کلمات قرآن کریم را جستجو می‌کند، سپس آیاتی که در آن‌ها، کلمه یا مشتقاتی از ماده آن‌ها، از حیث لغوی آمده است را جمع‌آوری می‌نماید و بعد از جمع‌آوری آیات و احاطه و تسلط بر تفسیر آن‌ها، در پی دلالت‌های کلمه، از خلال استعلامات قرآن کریم برای آن کلمه برمی‌آید.» (یدالله پور، ۱۳۸۳ ه.ش، ص ۳۳).

به‌طور کلی می‌توان روش تفسیر موضوعی را از دو جهت بررسی کرد.

- ۱- از جهت نوع و شیوه انتخاب موضوع که به تفسیر موضوعی درون قرآنی و برون قرآنی تقسیم می‌شود.
- ۲- از جهت دامنه جستجوی آیات که به تفسیر موضوعی سوره‌ای، واژگانی و تفسیر موضوعی کل‌نگر تقسیم می‌شود.

### ۳-۱-۳ - مراحل تفسیر موضوعی

هر مفسر موضوعی برای ارائه یک تفسیر صحیح از آیات قرآن کریم که در بردارنده دیدگاه جامع وحی باشد؛ می‌بایست یکسری مراحل را به‌صورت فرایند و طبق ترتیبی خاص، طی کند. این مراحل در تفاسیر موضوعی موجود و برای مفسران آن‌ها یکسان نبوده و هریک از این عالمان مراحل خاصی را برای کشف نظریه قرآنی ارائه کرده‌اند.

آیت‌الله جعفر سبحانی از جمله مفسرانی است که برای تفسیر موضوعی سه مرحله عمده یعنی جمع‌آوری آیات، دسته‌بندی آن‌ها و نتیجه‌گیری را ذکر کرده‌اند. «در این روش، مجموع

آیات یک موضوع در یک جا گردآوری می‌شود، سپس با دسته‌بندی آن‌ها، از همه، نظر واحدی اتخاذ می‌گردد.» (سبحانی، ۱۳۸۸ ه.ش، ج ۱، ص ۱۸).

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در پیام قرآن که تفسیر موضوعی ایشان محسوب می‌شود برای دستیابی به نظریه قرآن کریم چهار مرحله را بیان کرده و برای تمامی عناوینی که بررسی کرده‌اند از این چهار مرحله عدول نکرده‌اند. ایشان در بیان مراحل کار تفسیری خود و همکارانشان می‌نویسند:

«نخست آیات مربوط به این معنا مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس ترجمه‌های آن، و بعد از آن «تفسیر و جمع‌بندی» مورد توجه خواهد بود و در مرحله چهارم که آخرین مرحله است بحث‌هایی را که مکمل این مطالب است تحت عنوان «توضیحات» خواهیم داشت، و این طرز ورود و خروج در بحث‌ها را تا آخر کتاب به همین سبک به خواست خدا ادامه می‌دهیم.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ ه.ش، ج ۱، ص ۳۷-۳۸).

یکی از محققان در زمینه تفسیر موضوعی برای این شیوه از تفسیر مرحله‌ای دوازده‌گانه را مطرح می‌کنند که عبارت‌اند از: انتخاب مسئله و عنوان سازی، ایضاح مسئله، طراحی و تهیه ساختار، آشنایی با پیشینه تحقیق، به‌دست آوردن دیدگاه‌ها در مسئله، مطالعه اکتشافی قرآن و استخراج آیات، فرضیه‌سازی، دسته‌بندی و مرتب‌سازی آیات، فهم آیات در جایگاه خود، مشخص کردن حد دلالت آیات بر مسئله، استخراج نظریه، ارزیابی نظریه. (کریمی، ۱۳۹۸ ه.ش، ص ۲۱۲-۱۹۲). به نظر می‌رسد چنین مرحله‌ای برگرفته از تحقیقات و پژوهش‌های تجربی بوده و در پژوهش‌های علوم انسانی به‌ویژه تفسیر قرآن کریم کارایی چندانی نداشته باشد.

آیت‌الله جوادی آملی نیز در تفسیر آیات قرآن کریم به شیوه موضوعی شش مرحله عمده را دنبال می‌کنند. ایشان در کتاب «زن در آینه جلال و جمال» این مراحل را ذکر کرده‌اند که عبارت‌اند از: گزینش و استخراج آیات مرتبط با موضوع، جمع‌بندی آیات، جمع‌آوری روایات مرتبط با موضوع، جمع‌بندی روایات، ارائه اصل جامع از آیات و روایات گردآوری شده، جمع‌بندی نهایی بین نتایج به‌دست آمده از آیات و روایات.

همان‌طور که گفته شد تفسیر موضوعی شیوه‌ای در بیان دیدگاه‌های قرآن کریم در ذیل یک موضوع است که مفسران در بیان نظریات قرآنی مراحل مختلف را برای رسیدن به این نظریات طی می‌کنند. این مراحل در مواردی یکسان بوده و در حقیقت روش کار در بین مفسران یکی است اما در مواردی دیده می‌شود که مفسر مرحله یا مراحل را برای رسیدن به نتایج جامع‌تر و کامل‌تر در تفسیر خود به کار برده است.

از جمع‌بندی مراحل کار تفسیری مفسران مختلف به نظر می‌رسد این نوع تقسیم‌بندی مراحل تفسیر موضوعی خالی از اشکال نیست. برای مثال آیت‌الله سبحانی برای رسیدن به دیدگاه قرآن کریم سه مرحله را بیان کرده‌اند؛ در مراحل کار ایشان مشخص نشده است که نحوه گزینش موضوعات در این تفسیر به چه صورتی بوده است که این اشکال در کار تفسیری آیت‌الله مکارم شیرازی و همین‌طور در تفسیر آیت‌الله جوادی آملی نیز رخ داده است.

از جمله مراحل که آیت‌الله جوادی آملی در مراحل تفسیری خود بیان کرده و در عمل تفسیری نیز به آن پایبند بوده‌اند؛ جمع‌آوری روایات و به‌کارگیری آن‌ها در ذیل موضوع موردبحث است. این در حالی است که در مراحل دیگر و همین‌طور مراحل که مصطفی کریمی در مقاله خود بیان کرده‌اند چنین مرحله‌ای را ذکر نکرده‌اند و برخی علت این امر را این می‌دانند که تفسیر موضوعی بیانگر دیدگاه قرآن کریم در مورد یک موضوع و مسئله است. درحالی‌که همراه شدن قرآن و روایات در تبیین آن، بیان‌کننده دیدگاه اسلام در زمینه آن موضوع است؛ حال اینکه قرآن و روایات معصومین علیه‌السلام که همان سنت محسوب می‌شود از یکدیگر جدا نبوده بلکه مؤید و تکمیل‌کننده یکدیگرند؛ لذا دستیابی به دیدگاه جامع وحی در گرو بهره‌مندی از روایات وارده در ذیل موضوع موردبحث است.

در یک تقسیم‌بندی تازه می‌توان برای تفسیر موضوعی شش مرحله عمده را بیان کرد

که عبارت‌اند از:

### ۱- انتخاب موضوع

هدف از تفسیر موضوعی بررسی یک موضوع و مسئله از نظرگاه آیات وحی و پس از آن بیان دیدگاه اسلام در ذیل آن موضوع به‌صورت یک دیدگاه و نظریه است؛ لذا انتخاب

موضوع، و پژوهش در آن زمینه از اهمیت بالایی برخوردار است. موضوعات انتخابی می‌توانند موضوعاتی از دل آموزه‌های دینی باشند مانند بسیاری از عناوینی که در تفاسیر معاصر به آن‌ها پرداخته می‌شود که اصطلاحاً به آن‌ها موضوعات درون‌متنی یا درون‌گرا گفته می‌شود. خداشناسی در قرآن، معاد در قرآن، راه و راهنما شناسی در قرآن، وحی و نبوت در قرآن و... برخی از موضوعات درون‌گرا محسوب می‌شوند. انتخاب موضوعات می‌تواند یکی از مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... باشد که به آن‌ها موضوعات برون دینی یا برون‌گرا گفته می‌شود. جامعه در قرآن، جامعه‌شناسی در قرآن، جامعه و تاریخ در قرآن، قرآن و هنر و... از جمله این موضوعات هستند.

## ۲- جمع‌آوری آیات

پس از انتخاب موضوع مورد پژوهش، مفسر می‌بایست به گردآوری آیات قرآن کریم در ذیل آن موضوع بپردازد. از این رو مفسر باید هر یک از موضوعات را به طور مجزا مورد بررسی قرار داده و با استفاده از شیوه‌های گوناگون جستجو اعم از جستجوی لفظی و مفهومی در متن آیات، استفاده از معجم‌های لفظی، مراجعه به تفاسیر و فرهنگ‌های موضوعی، همه آیات مرتبط با آن موضوع را گردآوری کند.

## ۳- ترجمه، تفسیر و تبیین آیات منتخب

در هر تفسیری ترجمه آیات از اهمیت بالایی برخوردار است به گونه‌ای که ترجمه درست و خالی از اشکال آیات قرآن کریم سبب فهم اولیه از آن‌ها شده و شرایط را برای تفسیر صحیح آیات و دریافت مفاهیم الهی فراهم می‌کند. پس از گردآوری آیات و ترجمه آن‌ها مفسر ملزم است هر یک از آیات منتخب در ذیل موضوع مورد پژوهش را با استفاده از قواعد و شرایط تفسیر ترتیبی، برای مخاطبان خود تفسیر و تبیین کند. آیت‌الله مصباح در این باره بیان می‌کند:

«اولین کار این است که باید به لغت مراجعه کنیم ... مفسر باید بگردد تا معنای لغوی و عرفی آن کلام را بفهمد؛ به خصوص اگر می‌تواند با توجه به دلایل و شواهد، معنایی که در زمان نزول مقصود بوده ملاک عمل قرار دهد ... پس از کندوکاو در خود آیه و تأمل و تعمق در الفاظ آن و استفاده از ادبیات و قراین کلامی، نوبت به بررسی قراین خارجی می‌رسد که گاهی در

مفاهیم آیات تعیین کننده است ... ولی گاهی این گونه نیست که قراین خود آیه دقیقاً برای ما زمان و مکان، مشخصات، جزئیات و ابهامات را مشخص کند؛ از این رو، سعی می‌کنیم از آیات دیگر کمک بگیریم تا مسئله را تعیین بیخشمیم و ابهام آن را رفع کنیم. اما اگر حل نشد نوبت به روایات یا احیاناً مباحث عقلی می‌رسد، البته به شرطی که آن‌ها هم معتبر باشند» (ذوالفقاری، ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۴).

#### ۴- جمع‌آوری روایات

پس از جمع‌آوری آیات لازم است روایات معتبری که در کلام معصومین علیه‌السلام در ذیل موضوعات انتخابی وجود دارد برای تبیین بحث نیز جمع‌آوری شوند. آیت‌الله جوادی آملی در این زمینه می‌فرماید:

«روایاتی که در این زمینه وارد شده - نفیاً و اثباتاً - جمع‌آوری نموده تا چیزی از روایات فروگذار نشود، خواه راجع به گفتار آنان باشد یا ناظر به رفتار آنان» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۶۱).

#### ۵- جمع‌آوری و ارائه دیدگاه‌ها از سایر علوم

در هر پژوهشی بهره‌مندی از دستاوردهای گذشته پژوهشگران در آن زمینه، کمک شایانی در تبیین مسئله ایجاد شده در ذهن خواهد کرد. در تفسیر موضوعی مباحث مختلفی مورد بررسی قرار گرفته می‌شود. این موضوعات همان‌طور که گفته شد ممکن است موضوعاتی درون دینی یا برون دینی و از متن زندگی بشر طرح شده باشند از این رو می‌بایست در تبیین بحث، از نظریات و دیدگاه‌های عالمان در سایر علوم از جمله علوم تجربی، فلسفه، روان‌شناسی، اقتصاد، سیاست، تاریخ و... نیز بهره‌مند شد اما این بهره‌مندی نباید به گونه‌ای باشد که رسالت اصلی تفسیر موضوعی به فراموشی کشانده شود.

#### ۶- ارائه نظریه قرآنی

پس از گردآوری آیات، روایات و دیدگاه‌ها در ذیل موضوع مورد بحث، مفسر باید به تحلیل و تطبیق داده‌ها با یکدیگر بپردازد؛ تا با بررسی روایات معتبر و همچنین دیدگاه‌های ارائه شده توسط مفسران و عالمان در علوم مختلف در زمینه موضوع مورد بحث، همچنین تبیین آیات



وحی با استفاده از تفسیر ترتیبی آن‌ها به کشف دیدگاه و نظریه قرآن کریم در مورد مسئله مطرح شده دست یابد.

### ۳-۲- بخش دوم: آسیب‌شناسی تفسیر موضوعی

مسئله آسیب‌شناسی در هر علمی برای بهره‌مندی بهتر از آن علم و پرهیز از کج‌فهمی‌هایی که به سبب آن آسیب‌ها ممکن است در آن حوزه رخ دهد، از اهمیت بالایی برخوردار است. تفسیر موضوعی نیز به‌عنوان دانش کشف دیدگاه‌ها و نظریات قرآن کریم ممکن است با آسیب‌هایی روبه‌رو باشد که شناخت آن‌ها و تلاش در جهت پرهیز از آن‌ها سبب دستیابی به دیدگاهی جامع و صحیح از آیات وحی خواهد شد. در این بخش برخی از آسیب‌هایی که ممکن است مفسر در تفسیر موضوعی آیات قرآن کریم به آن‌ها گرفتار شود در دو محور شامل آسیب‌های مربوط به قواعد تفسیر و آسیب‌های روش‌شناختی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

#### ۳-۲-۱- آسیب‌های قواعد تفسیر

واژه «قواعد» جمع «قاعده» و به معنای اصل و اساسی است که بر آن تکیه می‌شود و مسائل دیگر بر آن بنیان گذاشته می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ه.ش، ص ۲۴۹).

بین قواعد، اصول، مبانی و روش در اینکه این مباحث به یک معنی هستند و مراد از همه ی آن‌ها یکی است یا خیر، اختلاف وجود دارد. مرزبندی بین اصول تفسیر و قواعد تفسیر، همواره مشکل بوده؛ لذا برخی صاحب نظران آن‌ها را همسان معرفی کرده‌اند. برخی نیز «قواعد تفسیر» را مهمترین بخش اصول تفسیر می‌دانند که رعایت آن‌ها از خطا جلوگیری می‌کند.

برخی دیگر قواعد تفسیر را قواعد متقنی معرفی می‌کنند که بر مبنای بدیهیات عقلی و قطعیات و مسلمات شرعی و ارتکازات عقلایی است که شیوه تفسیر بر آن استوار است و ملاک انتخاب مورد اختلاف است و رعایت آن‌ها خطاهای تفسیری را کاهش می‌دهد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ه.ش، ص ۲۵۰)

با بررسی منابعی که در ذیل اصول و قواعد تفسیری نگاشته شده‌اند؛ به نظر می‌رسد که بسیاری از آن موارد می‌تواند تحت یک عنوان کلی جمع گردد؛ برخی موارد نیز از حوزه

قواعد تفسیر خارج است، مثل مبحث روش‌های تفسیر قرآن، هر چند که برخی قواعد در برخی روش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد اما مبحث روش‌ها از مبحث قواعد جداست. برای مثال در کتاب «اصول التفسیر و قواعد» مباحث مقدماتی (مبانی تفسیر و روش‌های آن) را از قواعد جدا کرده، سپس قواعد تفسیر را به چند بخش تقسیم کرده است

لذا مبنای این نگاره آسیب شناسی قواعد حاکم بر تفسیر است که به طور خاص شامل تفسیر موضوعی قرآن کریم نیز می‌شوند؛ که برخی از این آسیب‌ها به شرح زیر اند:

### ۳-۲-۱-۱- کم‌توجهی یا عدم توجه به سیاق

سیاق، خصوصیت کلمه یا کلام است که از قرارگرفتن عبارات و واژگان حاصل می‌شود و یکی از قرائن پیوسته کلام به شمار می‌آید که قرینه بودن آن و تأثیرش در تعیین معنای واژه‌ها و جمله‌ها، از اصول عقلایی محاوره است و در زبان و لغات مختلف بدان ترتیب اثر داده می‌شود و دانشمندان اسلامی و مفسران قرآن نیز معمولاً از آن برای فهم و تفسیر آیات استفاده کرده‌اند. سیاق، تأثیر زیادی بر دلالت بر مقصود متکلم دارد، و گاهی یک کلمه و یا یک جمله، دو معنای کاملاً متناقض برمی‌تابد، بدون این‌که کلمه در ساختار داخلی‌اش (در مورد آن دو معنا) مختلف باشد و تنها چیزی که تغییر کرده است، سیاق و قراین محیط بر آن کلمه است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ه.ش، ج ۱، ص ۴۱۸-۴۱۷).

روش تفسیر موضوعی به‌گونه‌ای است که گاهی لازم است یک آیه از مجموع چند آیه و حتی ممکن است قسمتی از یک آیه که به موضوع موردببحث مربوط می‌شود از بخش دیگر آن جدا شود که این امر در حقیقت تقطیع و برهم زدن جغرافیای اصلی آیات است؛ و از آنجاکه آیات قرآن با یکدیگر در ارتباط‌اند این تقطیع ممکن است باعث شود که مفسر از قراین موجود در آیات قبل و بعد که سیاق واحدی نیز دارند غافل شود. تفسیر ترتیبی چنین آسیبی را از تفسیر موضوعی برطرف کرده است. از این‌رو مفسر می‌تواند با مراجعه به این تفسیر، قبل از جداکردن آیه موردنظر از جایگاه اصلی‌اش، ارتباط آیه موردنظرش را با سایر آیات بررسی و مفهوم آن‌ها را در جایگاه خاص خود دریافت کند. عدم مراجعه مفسر به تفسیر ترتیبی و بهره‌مندی از آن

علاوه بر اینکه مشکل تقطیع و برهم زدن جغرافیای آیات را به قوت خود باقی می‌گذارد؛ فهم آیات و در نتیجه نظریه‌پردازی قرآنی را نیز با مشکل روبه‌رو می‌سازد.

آیت‌الله مصباح یزدی در این باره بیان می‌کنند:

«اگر ما به موضوعات توجه کنیم و از ترتیب غافل شویم، ممکن است سیاق آیه و مقدمات و مؤخرات آیات در فهم معنای جمله‌ای که ما می‌خواهیم استفاده کنیم، دخالت داشته باشد و در تفسیر موضوعی این نکته ممکن است آسیب وارد کند.» (ذوالفقاری، ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۱۴-۱۵)

تفسیر موضوعی، بدون توجه به سیاق، گاهی موجب تفسیر به رأی می‌شود و توقف در سیاق و ترک تفسیر موضوعی، بهره‌وری ما را از قرآن کاهش می‌دهد و پرسش‌های زمانه را بی‌پاسخ می‌گذارد. از این رو، راهی میانه لازم است که مفسر هم به سیاق توجه کند و هم در آن متوقف نشود. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ه.ش، ج ۱، ص ۴۳۶).

### ۳-۲-۱-۲- عدم توجه به قاعده جری و تطبیق

یکی از قواعد عمده‌ای که هر مفسر قرآنی می‌بایست در تفسیر آیات وحی به آن توجه ویژه داشته باشد، قاعده «جری و تطبیق» است که عبارت است از «انطباق ظاهر قرآن (واژگان یا جمله‌ها) که مفهومی عام، کلی یا مطلق است بر مصداق‌های جدید که در طول اعصار، نسل‌ها و مکان‌ها پدید می‌آیند.» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ه.ش، ج ۱، ص ۴۴۰).

علامه طباطبایی در این زمینه بیان می‌کنند که «این شیوه ائمه اهل بیت علیهم السلام است که آیه قرآن را بر مواردی که قابل انطباق با آن است تطبیق می‌کنند اگرچه خارج از مورد نزول آن باشد.» (طباطبایی، ۱۳۷۴ ه.ش، ج ۱، ص ۶۷-۶۶).

باتوجه به اینکه قرآن کریم راهنمای هدایت بشر در تمام عصرها و زمان‌هاست و باید همواره پاسخگوی پرسش‌های او نیز باشد. قاعده جری و تطبیق این امکان را برای مفسر فراهم کرده است تا با تطبیق ظاهر آیات بر مصداق‌های جدید در اعصار مختلف جاودانه بودن این کتاب آسمانی را اثبات کرده و راهنمای روشنگری برای نسل بشر باشد. تفسیر موضوعی به‌عنوان شیوه‌ای از تفسیر قرآن کریم از این قاعده مستثنی نیست؛ لذا مفسرانی که در این حوزه فعالیت

دارند باید به این قاعده توجه ویژه‌ای داشته باشند به‌خصوص در ذیل موضوعات برون قرآنی که مربوط به زمان حال است و مخاطب کنونی قرآن به دنبال راهنمایی در آن زمینه‌هاست. گاهی ممکن است مفسر در تفسیر یک موضوع، این قاعده را نادیده گرفته و مصادیق آیات را به‌درستی مشخص نکرده و در نتیجه در کشف دیدگاه قرآن کریم در ذیل آن موضوع دچار خطا و اشتباه شود.

### ۳-۲-۱-۳- عدم توجه به برخی ویژگی‌های قرآن

قرآن کریم به‌عنوان تنها راهنمای جاودان هدایت بشر به‌سوی سعادت ابدی از جانب خداوند، ویژگی‌هایی دارد که می‌بایست در تفسیر و تبیین آیات و بهره‌مندی از آن‌ها به آن ویژگی‌ها توجه داشت؛ به‌گونه‌ای که بی‌توجهی و یا کم‌توجهی به آن‌ها موجب لغزش و حتی گاهی تفسیر به رأی خواهد شد. یکی از این ویژگی‌ها پیوستگی و ارتباط بخش‌های مختلف متن قرآن با یکدیگر است.

امام علی علیه‌السلام در این باره می‌فرمایند: «لا تنثره نثر الرمل» («قرآن را» همچون شن‌های گسسته پراکنده نسازید. (طبرسی، ۱۴۰۸ ه.ق، ج ۲۶، ص ۱۸).

آیه الله مکارم شیرازی در مقدمه تفسیر موضوعی خود چنین می‌نگارند.

«همه اجزای هستی، یک واحد به‌هم پیوسته را تشکیل می‌دهد و طرز مطالعه صحیح آن‌ها این است که همه را در ارتباط باهم مورد بررسی قرار می‌دهیم. در کتاب تدوین یعنی قرآن مجید نیز مطالب همین‌گونه است و روابط دقیق و ظریفی در میان تمام موضوعات قرآنی وجود دارد و باید آن‌ها را در ارتباط با یکدیگر مورد تفسیر قرارداد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ ه.ش، ج ۱، ص ۱۹).

علامه طباطبایی نیز درباره ارتباط و به‌هم پیوستگی آیات قرآن کریم بیان می‌کنند. «این از عجائب امر قرآن کریم است، برای اینکه یک آیه از آیات آن ممکن نیست بدون دلالت و بی‌نتیجه باشد، و وقتی یکی از آیات آن با یکی دیگر مناسب با آن ضمیمه می‌شود، ممکن نیست که از ضمیمه شدن آن دو نکته بکری از حقایق دست نیاید، و همچنین وقتی آن دو آیه را با

سومی ضمیمه کنیم می بینیم که سومی شاهد صدق آن نکته می شود.» (طباطبایی، ۱۳۷۴ ه.ش، ج ۱، ص ۱۱۵).

در تفسیر موضوعی باتوجه به اینکه آیات از جغرافیای اصلی خود جدا شده و در ذیل موضوعات مختلف قرار می گیرند. توجه به این ویژگی بیش از سایر روش های تفسیری خود را نشان می دهد. مفسر می بایست در هنگام جمع آوری آیات در ذیل موضوع مورد بررسی خود از این ویژگی قرآن کریم غافل نشود.

از جمله ویژگی های دیگر قرآن که در تفسیر باید بدان توجه شود؛ هدفمندی آیات، سوره ها و به طور کلی قرآن کریم است. توجه به این اهداف و مقاصد گامی به سوی تفسیر موضوعی است. مفسر در تبیین و تفسیر آیات و کشف دیدگاه وحی در رابطه با مسئله مورد بررسی خود می بایست هدف کلی قرآن و هدف هر سوره و هدف آیات را مشخص کرده و در راستای آن اهداف در صدد نظریه پردازی قرآنی برآید. گاهی ممکن است مفسر این ویژگی را در تبیین آیات نادیده گرفته و آیات را برخلاف مقصود نهایی آنها تفسیر کند و ناآگاهانه گرفتار نوعی تفسیر به رأی شود.

### ۳-۲-۱-۴- افراط یا تفریط در بهره مندی از علوم

رسالت تفسیر موضوعی کشف دیدگاه و نظریه قرآن کریم در ذیل مسئله ای است که در ذهن ایجاد شده است. از جمله ابزارهای مورد نیاز مفسر در تفسیر، عقل، نقل، علوم تجربی، اقوال و دیدگاه ها و... می باشند که مفسر می بایست در تبیین و روشن کردن مسئله مورد بررسی خود از آنها بهره مند شود.

«این کشف و بیان نیاز به دلیل و قرینه دارد؛ ولی از هر قرینه و دلیلی نمی توان برای تفسیر آیات قرآن استفاده کرد؛ چون برخی را عقل نمی پذیرد و برخی از طرف شارع ممنوع شده است.» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ه.ش، ج ۱، ص ۴۸۵).

«اصل در تفسیر، علم است و استفاده از غیر علم در تفسیر، جایز نیست؛ چون نوعی افترا بر خدای متعال است. در مواردی که دلایل علمی، یعنی ظنون معتبر همچون ظاهر قرآن و

خبر واحد معتبر، داشته باشیم، در بعضی موارد و بر اساس برخی مبانی می‌توانیم از آن‌ها در تفسیر استفاده کنیم.» (همان، ص ۴۹۲).

از جمله آسیب‌هایی که گاهی ممکن است مفسر در تفسیر موضوعی آیات وحی به آن گرفتار شود؛ افراط در بهره‌مندی از اقوال و دیدگاه‌های مفسران و دانشمندان سایر علوم به‌ویژه علوم تجربی، گرایش بیش از حد به عقل و دلایل علمی بدون ضابطه و کم‌رنگ شدن مفاهیم قرآنی است. از این‌رو بهره‌مندی از سایر علوم نباید به‌گونه‌ای باشد که از مراد اصلی خداوند در ذیل آن موضوع فاصله گرفته شود.

در مقابل کسانی که راه افراط در بهره‌مندی از اقوال، دیدگاه‌ها، علوم جدید و... را در تفسیر در پیش گرفته‌اند، هستند افرادی که معتقدند در فهم آیات وحی و کشف دیدگاه آن نباید از یافته‌های علم جدید و دانش تجربی استفاده کرد که این امر نیز یکی از اشکال‌های وارد بر تفسیر موضوعی در صورت رعایت‌نکردن است؛ چراکه مراجعه نکردن و عدم بهره‌مندی از یافته‌های سایر علوم و شروع از صفر در هیچ علمی سابقه نداشته و جز اتلاف وقت ثمره‌ای نخواهد داشت؛ لذا مفسر می‌بایست در ارائه دیدگاه جامع و کامل قرآن کریم در ذیل موضوع موردبحث راه اعتدال و میانه را در پیش گرفته و از یافته‌های علمی موجود تنها در جهت روشن‌تر شدن مسئله بهره‌مند شود.

### ۳-۲-۱-۵- عدم توجه به ظاهر و باطن آیات

آیات قرآن کریم دارای ظاهر و باطن هستند؛ به طوری که داشتن این ویژگی پیروانی را چون ظاهریه یا اهل ظاهر که تنها به ظاهر آیات اکتفا کرده و از باطن آیات غافل‌اند و همین‌طور باطنیه که فقط به باطن آیات توجه کرده و ظواهر را کنار می‌گذارند. در میان دانشمندان پیدا کرده است.

توجه به ظاهر و باطن قرآن از قواعد تفسیری است و مفسر باید در هنگام تفسیر و تبیین آیات از این قاعده غافل نشود. اکتفا کردن به ظاهر آیات و نپرداختن به مفاهیم باطنی آن سبب از دست دادن بخش عظیمی از معارف الهی قرآن کریم می‌شود. از طرفی بهره‌مندی از مفاهیم باطنی آیات نیازمند قرینه‌های معتبر در آن زمینه است که در اینجا راهنمایی‌های معصومان

علیهم السلام که آگاه به اسرار وحی هستند؛ روشن کننده راه است. در تفسیر این آیات نباید به برداشت های ذوقی بدون دلیل و پشتوانه معتبر تکیه کرد؛ چراکه موجب تحمیل رأی و برداشت ناروا از کلام الهی می شود.

«برخی افراد از آیات استفاده کرده و به خدا نسبت می دهند، درحالی که تابع قانون و ضابطه خاصی نیست و گاهی به شهودهای شخصی مستند می شود که اعتباری ندارد و با ظاهر آیات قرآن نیز تناسبی ندارد، بنابراین از قلمرو تفسیر خارج است، و گاهی نوعی تفسیر به رأی به شمار می آید.» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ه.ش، ج ۱، ص ۴۹۵).

### ۳-۲-۱-۶- مخالفت تفسیر با مطالب قطعی عقلی

عقل به عنوان یکی از منابع تفسیر قرآن کریم قطع آور است؛ به گونه ای که گاهی ظاهر یک آیه مفهومی را در بردارد اما حکم عقل معنای ظاهری آیه را نفی می کند.  
مانند آیه شریفه «يُدُّ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (فتح/۱۰).  
(دست خدا بالای دست آنهاست).

که در ظاهر جسمانی بودن خداوند را بیان کرده است اما به حکم عقل که جسم بودن خداوند را رد می کند؛ ظاهر آیه نفی می شود. گاهی نیز عقل تأییدی است بر آنچه ظاهر آیات بیان می کنند. گاهی نیز مطالب عقلی تبیین کننده آیات قرآن هستند.

باتوجه به کارکرد عقل در تبیین و روشن کردن مفاهیم آیات و اینکه در احادیث حجت باطنی معرفی شده است؛ می توان گفت هرگاه تفسیر یک آیه یا استخراج نظریه ای که در پی تفسیر موضوعی یک مسئله به دست می آید با مطالب قطعی و اثبات شده عقل منافات داشته باشد آن تفسیر و دیدگاه معتبر نخواهد بود؛ لذا مفسر باید به هنگام تفسیر آیات وحی و کشف دیدگاه قرآن کریم مطالب قطع آور عقلی را در نظر داشته و توجه نماید که تفسیر با حکم قطعی عقل مخالفت نداشته باشد. از طرف دیگر عقل گرایی و توجه افراطی به آن نیز یکی از آسیب هایی است که ممکن است در این حوزه رخ دهد که البته در قرون اخیر زیاده روی هایی را نیز به دنبال داشته است.

### ۳-۲-۱-۷- مخالفت تفسیر با علوم تجربی قطعی

یافته‌های علوم تجربی در تفاسیر موضوعی که به بررسی موضوعات برون قرآنی مانند جامعه‌شناسی در قرآن، اقتصاد در قرآن، کیهان‌شناسی در قرآن و... می‌پردازند بیش از سایر تفاسیر کارایی داشته و باید مورد توجه مفسران قرار بگیرند؛ لذا باید توجه داشت که نظریه‌ای که از قرآن استخراج می‌شود با یافته‌های قطعی علم تجربی مخالفت نداشته باشد؛ عدم توجه به این مسئله یکی از آسیب‌های تفسیر، از جمله تفسیر موضوعی است که مفسران باید بدان عنایت کافی داشته باشند.

«علوم تجربی شامل علوم طبیعی (مثل: کیهان‌شناسی، زمین‌شناسی و پزشکی) و علوم انسانی (مثل: تاریخ، جامعه‌شناسی، مدیریت و اقتصاد) می‌شود. این علوم، غالباً دربردارنده نظریه‌های ظنی علمی است؛ اما گاهی گزاره‌های قطعی را بیان کند. گزاره‌های قطعی علوم تجربی، اندک است؛ اما علم قطعی، حجیت دارد و از قرائن و منابع تفسیر به شمار می‌آید؛ بنابراین، تفسیر قرآن نباید با گزاره قطعی علوم تجربی مخالف باشد، وگرنه آن تفسیر اعتباری ندارد.» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ه.ش، ج ۱، ص ۵۰۱).

### ۳-۲-۱-۸- عدم رعایت روش صحیح تفسیر

تفسیر کشف و پرده‌برداری از چهره آیات قرآن کریم و روشن کردن مفاهیم الهی این کتاب آسمانی است؛ لذا مفسر قرآن می‌بایست از همه قرائن نقلی و عقلی در تفسیر بهره‌مند شده تا گرفتار تفسیر به رأی نشود. تفسیر موضوعی نیز به‌عنوان شیوه‌ای از تفسیر قرآن از این قاعده مستثنی نیست. لذا باید در هنگام نظریه‌پردازی‌های قرآنی به روش صحیح تفسیر در این حوزه توجه کرده و بدون پیش‌داوری و تحمیل رأی خود یا دیگران به مقصود نهایی خداوند عمل کند. آیت‌الله مکارم شیرازی پس از معرفی و بیان دو روش برای تفسیر موضوعی، روش دوم را پذیرفته و آن را روش صحیح تفسیر موضوعی قرآن کریم می‌دانند.

«روش دوم این است که ماقبل از هر چیز به گردآوری تمام آیاتی که درباره یک موضوع در سرتاسر قرآن وارد شده است پردازیم و بدون پیش‌داوری‌های قبل این آیات را در کنار هم چیده یک به یک تفسیر کنیم، و بعد در یک جمع‌بندی رابطه آن‌ها را با یکدیگر در نظر گرفته،



و از مجموع آن ها به یک ترسیم کلی دست یابیم. در اینجا مفسر مطلقاً از خود چیزی ندارد، و همچون سایه به دنبال آیات قرآن می‌رود، همه چیز را از قرآن می‌فهمد، و تمام همت او کشف محتوای آیات است، و اگر از کلمات دیگران حتی از احادیث کمک می‌گیرد در مرحله بعد و جداگانه خواهد بود ... گروهی آیات قرآن را بر نظرات خود تطبیق می‌کنند، و گروه دیگری نظرات خود را تابع آیات قرآن قرار می‌دهند، و مسلماً راه صحیح تفسیری راه دوم است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ ه.ش، ج ۱، ص ۳۲).

گاهی ممکن است مفسر در تفسیر و تبیین یک موضوع، اعم از درون قرآنی و برون قرآنی روش صحیح را در تفسیر آیات و بیان دیدگاه‌های قرآنی به‌ویژه در هنگام تبیین آیات به روش تفسیر ترتیبی رعایت نکرده و نظرات خود و یا دیدگاه‌های سایر علوم را بر قرآن تحمیل کرده و نظریه قرآنی در ذیل موضوع مورد بررسی استخراج نشده و گرفتار تفسیر به رأی شود.

### ۳-۲-۱-۹- عدم تخصص در تفسیر

از جمله آسیب‌هایی که بر تفسیر موضوعی وارد است این است که کسی بدون هیچ‌گونه تخصصی در حوزه تفسیر، به تفسیر موضوعی قرآن کریم بپردازد. درحالی‌که تفسیر آیات وحی یک امر ساده و پیش‌پاافتاده نیست که هر کس با اندک آشنایی با قرآن کریم بتواند دست به تفسیر آیات آن بزند؛ بلکه شرایط و قواعدی دارد که می‌بایست مفسر قبل از ورود به بحث تفسیر با آن‌ها آشنا و در آن اصول و قواعد تبحر داشته باشد؛ از جمله این شرایط و قواعد آشنایی با تفسیر ترتیبی آیات است.

«تفسیر قرآن، دانشی تخصصی است که مانند علوم تخصصی دیگر نیازمند متخصص است، و همان‌طور که طبابت غیرپزشک نزد عقلاً معتبر نیست بلکه نوعی جرم به شمار می‌آید؛ تفسیر افراد غیرمتخصص نیز معتبر نخواهد بود بلکه تفسیر به رأی و از گناهان کبیر به شمار می‌آید؛ در برخی آیات نسبت دادن مطالب غیرعلمی به خدا حرام شمرده شده است مانند آیه ۳۳ سوره اعراف که می‌فرماید:

«قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ الْإِثْمَ وَ الْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ أَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ

مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ سُلْطَانًا وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف/۳۳)

(بگو: خداوند، تنها اعمال زشت را، چه آشکار باشد چه پنهان، حرام کرده است؛ و (همچنین) گناه و ستم به ناحق را؛ و اینکه چیزی را که خداوند دلیلی برای آن نازل نکرده، شریک او قرار دهید؛ و به خدا مطلبی نسبت دهید که نمی دانید).

و در احادیث نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حکایت شده است:

«من قال فی القرآن بغیر علم فلیتوء مقعده من النار»

(کسی که بدون علم و آگاهی در مورد قرآن سخنی بگوید، جایگاهی از آتش برای خود فراهم خواهد کرد).

مفسر قرآن لازم است پیش دانسته‌ها و علومی داشته باشد، تا بتواند به تفسیر آیات قرآن پردازد و باتوجه به منابع و قرائن معتبر از آن‌ها استنباط کند. مفسری که آن شرایط و علوم را نداشته باشد از تخصص لازم در تفسیر برخوردار نیست و مطالب تفسیری او غیرعلمی و نوعی افترا بر خدا و تفسیر به رأی خواهد شد و در حقیقت، تفسیر قرآن نیست، بلکه تفسیر رأی خویش است.» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ه.ش، ج ۱، ص ۵۰۵).

### ۳-۲-۱-۱۰- پیش‌داوری و تحمیل نظر بر قرآن

گاهی ممکن است مفسر در زمینه یک موضوع، به دیدگاه و نظر خاصی رسیده باشد و پس از آن به قرآن مراجعه کرده، با استناد به آیات سعی در تأیید دیدگاه خود داشته باشد. چنین عملی در حقیقت تحمیل رأی و نظر خود بر قرآن است که منتهی به تفسیر به رأی می‌شود و در روایات، بسیار از آن بر حذر داشته‌اند. درحالی‌که روش صحیح در چنین مواقعی این است که ابتدا آیات مربوط به موضوع مدنظر در سراسر قرآن کریم گردآوری شود سپس با بهره‌مندی از تفسیر ترتیبی و جمع‌بندی نهایی مباحث به دیدگاه و نظر قرآن در ذیل آن موضوع دست‌یافت. رضایی اصفهانی در این زمینه بیان می‌کند.

«مفسر قرآن باید در صدد فهم عالمانه و بی‌طرفانه قرآن باشد و دیدگاه نهایی قرآن را با جمع‌بندی آیات، روایات و دلایل عقلی و علمی به دست آورد، نه این‌که در صدد اثبات نظرات خود باشد. به عبارت دیگر، باید به تفسیر قرآن پردازد، نه به تفسیر عقاید و نظرات شخصی خود. تفسیر به رأی در قرآن ممنوع است. یکی از موارد تفسیر به رأی. آن است که مفسر دیدگاه‌ها و

نظرات شخصی خود را بر قرآن تحمیل کند، و با پیش‌داوری به سراغ تفسیر قرآن برود. برای مثال، اشاعره با پیش‌فرض جبرگرایی و معتزله با پیش‌فرض آزادی و تفویض به تفسیر آیات پرداخته‌اند که هر دو غیرمعتبر و غیر صحیح است؛ چون منتهی به تفسیر به رأی می‌گردد. برخی پیش‌فرض‌های بنیادین در تفسیر وجود دارد که از این قاعده خارج است و آن اصول و مبانی لازمه هر تفسیر است.» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ه.ش، ج ۱، ص ۵۰۶).

آیت الله جعفر سبحانی نیز بزرگ‌ترین آفت برای یک مفسر را تطبیق قرآن بر عقاید شخصی خود می‌داند و بیان می‌کند. «بزرگ‌ترین آفت برای یک مفسر، این است که با در نظر گرفتن یک رشته عقاید فلسفی و کلامی، در صدد تفسیر آیات برآید، زیرا در این صورت جز تطبیق قرآن بر عقاید شخصی، نتیجه‌ای نخواهد گرفت و به جای آن که قرآن دلیل و راهنمای او گردد، وی راهنمای قرآن خواهد بود!» (سبحانی، ۱۳۸۸ ه.ش، ج ۸، ص ۲۸۲).

### ۲-۲-۲-۲-۲ آسیب‌های روش‌شناختی

همانگونه که در ابتدای فصل گفته شد "روش‌شناسی" دانش شناخت و تحلیل و بررسی روش‌های گوناگون در ذیل یک علم است. روش در هر علمی نقش کلیدی دارد به‌گونه‌ای که عدم شناخت روش آن علم سبب راه نیافتن و بهره‌مند نشدن از آن علم است. تفسیر موضوعی نیز همانند هر دانش دیگری از یک روش و متد خاصی برخوردار است که تلاش برای آگاهی و شناخت این شیوه از تفسیر، روش‌شناسی تفسیر موضوعی گفته می‌شود.

عدم رعایت روش صحیح تفسیر موضوعی قرآن کریم آسیب‌هایی را به دنبال خواهد داشت که سبب کج فهمی یا فرو رفتن در هاله‌ای از ابهامات می‌شود. از این رو در این بخش نظر به این است برخی از آسیب‌هایی که ممکن است مفسر به سبب عدم شناخت یا عدم رعایت روش صحیح تفسیر موضوعی مرتکب آن‌ها شود مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

### ۲-۲-۲-۲-۱ انتخاب موضوعات کلی

یکی از آسیب‌های تفسیر موضوعی که در اکثر تفاسیر موضوعی معاصر نیز به چشم می‌خورد، انتخاب موضوعات کلی است. گاهی مفسر یک موضوع کلی را انتخاب کرده و به بررسی آن می‌پردازد. پرداختن به چنین موضوعاتی نه تنها بحث را به درازا می‌کشاند و ممکن

است ابعاد مختلف موضوع آن گونه که باید، تبیین نشود؛ امکان ارائه نظریه و دیدگاه جامع و کاملی از قرآن کریم در ذیل آن موضوع نیز فراهم نخواهد شد. به طور مثال مفسر "تقوا در قرآن" را انتخاب می‌کند و پس از بحث و بررسی نتیجه‌ای که از بحث می‌گیرد؛ نظریه قرآن در آن زمینه نیست بلکه فقط یک جمع‌بندی کلی از بحث است؛ لذا بهتر است موضوعات به صورت جزئی و مسئله‌محور باشند تا پس از کشف دیدگاه قرآن در آن زمینه بتوان آن را در زندگی پیاده کرد و در صورت سؤال افراد غیرمتخصص در حوزه قرآن و یا از سایر ادیان در زمینه یک موضوع، بتوان پاسخی جامع و صریح و بدون تکلف در اختیار آن‌ها قرارداد.

### ۳-۲-۲-۲- ناتوانی در بررسی همه موضوعات

قرآن کریم به عنوان راهنمای هدایت انسان به سوی رستگاری و فلاح دنیوی و اخروی دربردارنده مفاهیم و مضامین گسترده‌ای است که عالمان و دانشمندان اسلامی از زمان نزول آن تاکنون تألیفات بی‌شماری در زمینه‌های مختلف مانند تفسیر، علوم قرآن، فقه و... از این کتاب آسمانی به رشته تحریر درآورده‌اند و همچنان به عدم ناتوانی خود در کسب هر چه بیشتر معارف این دریای بیکران معترف‌اند.

تفسیر موضوعی قرآن کریم نیز از جمله علومی است که به بررسی مسائل مربوط به زندگی انسان می‌پردازد و با ارائه مسائل و مشکلات بشر در سطوح اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... در صدد کسب دیدگاه قرآن در ذیل آن مسائل است. مسائلی که حدود مرز و پایانی ندارد و تاکنون هیچ‌یک از مفسران موضوعی نتوانسته‌اند همه موضوعات اعم از درون قرآنی و برون قرآنی که مسئله و دغدغه فکری بشر است؛ را مورد بررسی و کاوش قرار دهند.

آیت‌الله مکارم شیرازی یکی از آسیب‌ها و مشکلات این نوع از تفسیر را گسترده‌گی موضوعات و عدم حوصله در بررسی همه آن‌ها می‌داند و در این زمینه بیان می‌کند.

«مشکل بزرگ دیگر این است که موضوعاتی که در قرآن مجید، این کتاب بزرگ آسمانی مطرح شده حد و حسابی ندارد، از مسائل اعتقادی گرفته تا مسائل علمی و از مسائل اخلاقی گرفته تا سیاسی و اجتماعی و آداب معاشرت و جنگ و صلح و تاریخ انبیاء و اسرار آفرینش و...»

در هر یک از این زمینه‌ها موضوعات فراوانی است که قرآن از آن‌ها بحث کرده است و بررسی همه آن‌ها دقت و حوصله زیادی لازم دارد.» (پیام قرآن، ج ۱، ص: ۳۴).

### ۳-۲-۲-۳- عدم توجه به دامنه نظریه‌پردازی قرآن در انتخاب موضوعات

گاهی ممکن است مفسر در انتخاب موضوعات دچار این خطا شود که قرآن کتابی جامع در تمام شئون زندگی اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، پزشکی، اقتصاد و... است؛ لذا هرگونه موضوع و مسئله‌ای را می‌توان به آن عرضه و پاسخی جامع و کامل از آن دریافت کرد. اگرچه در زمینه مسائلی چون نجوم، پزشکی و... نیز حقایقی را بیان کرده است، اما سبک قرآن، دینی است و باید موضوعاتی به آن عرضه شود که در دایره نظریه‌پردازی قرآن باشد. به طور مثال بررسی مباحثی چون ریاضیات، فیزیک، شیمی و... خارج از حوزه نظریه‌پردازی قرآن کریم است؛ البته در دوران معاصر تفاسیری در این حوزه‌ها مانند تفسیر ریاضی قرآن از سید عبدالله حسینی در دست نگارش است و به گفته ایشان جلد نخست آن به‌زودی در اختیار محققان قرار خواهد گرفت. به نظر می‌رسد چنین تفاسیری از اعتبار کافی برخوردار نباشند.

حجت‌الاسلام علی سراقی منهج قرآن را منهجی دینی دانسته و ادعای شمول قرآن بر همه چیز را صحیح نمی‌داند. ایشان در این باره می‌فرمایند:

«لازم است مفسر، هر موضوعی از مسائل مستحدثت را داخل در قرآن نداند و به ادعای شمول قرآن بر هر چیز، خود را به تکلف نیندازد؛ زیرا قرآن یک منهج دینی دارد و تفصیل علوم بشری از مقاصد آن نیست؛ هرچند حقایق و اصول فراوانی از آن‌ها را ذکر کرده است. برخی به‌خاطر استدلال بر عجایب قدرت الهی و برانگیختن بر قبول دعوت دینی، دچار این تکلف شده‌اند. «الاطباق الطائره فی ضوء القرآن» و «القبلة الذریة فی القرآن» از جمله متونی است که در این باره نگارش شده و دچار تکلف گردیده است.» (سراقی، ۱۳۸۵ ه.ش، ص ۱۰۶).

### ۳-۲-۲-۴- اکتفا به کتاب‌های معجم قرآن در گردآوری آیات

در بررسی یک مسئله به روش تفسیر موضوعی استخراج تمام آیات مربوط به آن موضوع امری ضروری است. چراکه غفلت از یک آیه ممکن است بخشی از دیدگاه قرآن را با ابهام جدی روبه‌رو کند. یکی از منابع و مراجع مطالعاتی مفسر در تفسیر موضوعی، مراجعه کردن

به معجم‌های موضوعی قرآن کریم و بهره‌مندی از آنهاست. در این معاجم آیات مربوط به یک موضوع دسته‌بندی شده‌اند. اما اکتفا کردن به آنها در گردآوری آیات کافی نیست؛ بلکه لازم است از همه منابع و ابزارهای جستجوی آیات از جمله فرهنگ‌ها و تصانیف موضوعی، تفاسیر موضوعی، معاجم روایات تفسیری و... نیز استفاده شود. به طور مثال آیات زیادی بر رحمت خداوند دلالت دارند درحالی‌که ماده «رحم» و یا دیگر مشتقات آن در هیچ‌یک از آن آیات به کار نرفته است. ایزدی مبارکه یکی از محققین در این حوزه بیان می‌کند.

«در جمع‌آوری آیات، نباید به کتاب‌های معجم قرآن اکتفا شود؛ زیرا ممکن است آیاتی مربوط به موضوع موردنظر وجود داشته باشد، بدون آنکه واژه‌های آن موضوع در آنها به کاررفته باشد؛ مثلاً آیات بسیاری بر رحمت الهی دلالت دارد، بی‌آنکه ماده «رحم» یا مشتقات آن در آنها به کاررفته باشد؛ مانند:

﴿وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ ذَابِّهِ...﴾ (نحل/ ۶۱)

(و اگر خداوند مردم را به خاطر ظلمشان مجازات می‌کرد، جنبنده‌ای را بر پشت زمین باقی نمی‌گذارد).

یا آیه ﴿وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَىٰ ظَهْرِهِا مِنْ ذَابِّهِ...﴾ (فاطر/ ۴۵)

(اگر خداوند مردم را به سبب کارهایی که انجام داده‌اند مجازات کند، جنبنده‌ای را بر پشت زمین باقی نخواهد گذاشت).

این دو آیه نهایت لطف و رحمت الهی نسبت به بندگان را نشان می‌دهد، بی‌آنکه در آنها اشاره‌ای به واژه «رحم» شده باشد. (ایزدی مبارکه، ۱۳۶۷ ه.ش، ص ۱۵).

### ۳-۲-۲-۵- عدم دقت در استخراج آیات

یکی از مهم‌ترین مراحل تفسیر موضوعی مرحله استخراج آیات در ذیل موضوع مورد بررسی مفسر است. اهمیت این مرحله تا جایی است که اگر آیات به‌خوبی و دقت هر چه بیشتر استخراج نشوند کشف دیدگاه وحی و نظریه‌پردازی را با مشکل جدی روبه‌رو خواهد کرد؛ لذا بر مفسر لازم است تمام دقت خود را در این مرحله از تفسیر به کار برده تا تفسیر وی با آسیب‌های احتمالی روبه‌رو نشود.

باتوجه به اینکه آیات قرآن کریم در زمانها و مکانهای مختلف و در شأن افراد یا در هنگام بروز حوادث خاص نازل شده‌اند. از این رو الفاظ و کلماتی که در یک آیه یا سوره به کار رفته‌اند با الفاظ و کلمات که در آیات و سوره‌های دیگر آمده‌اند در بردارنده معارفی متفاوت‌اند اگرچه در ذیل یک موضوع و یا الفاظ مشترک آمده و در ظاهر همانند یکدیگر باشند. از جمله آسیب‌هایی که ممکن است تفسیر موضوعی با آن روبه‌رو شود؛ این است که مفسر در هنگام جمع‌آوری آیات به یک مورد از آیاتی که در ظاهر همانند یکدیگرند بسنده کرده و از بررسی سایر آیات چشم‌پوشی کند؛ از این رو لازم است مفسر دقت کافی را در این زمینه به عمل آورده و تمام آیات را جمع‌آوری نماید.

گاهی نیز ممکن است مفسری بخواهد در یک زمان مشخص به بررسی چند موضوع در قرآن کریم پردازد که چنین امری ممکن و بلا مانع است. اما چیزی که در اینجا باید به آن دقت شود و از نظر دور نماند، زمان مراجعه به قرآن یا معاجم برای استخراج آیات، در ذیل موضوعات گوناگون است. مفسر نباید به طور هم‌زمان برای گردآوری آیات مربوط به دو یا چند موضوع اقدام نماید چراکه ممکن است موجب خلط آیات یک موضوع با آیات موضوعات دیگر شود یا اینکه تمام آیات مربوط به یک موضوع به طور کامل جمع‌آوری نشود. از این رو بهتر است جستجو و استخراج آیات برای موضوعات مختلف به صورت مجزا و جداگانه صورت بگیرد.

گاهی نیز ممکن است. «مفسر به صرف احتمال اینکه شاید این آیه نیز مربوط به موضوع باشد، بدون تأمل، دچار سهل‌گیری شده، موجب تراکم آیات فراوانی در پیشروی خود شود و احتمال عقلی را ناخودآگاه جانشین احتمال عقلایی می‌کند که این خود، کار تحقیق را مشکل و گاهی با اموری نامربوط کند و از مسیر خارج می‌سازد. سهل‌گیری معقول در گردآوری آیات، انتخاب همه آیات مربوط به موضوع است، نه هر چه عقلاً احتمال ارتباط آن وجود دارد. نقطه مقابل آسیب قبلی این است که مفسر آیات مرتبط را به خاطر وسواس و سخت‌گیری بر سر اینکه احتمالاً ارتباط چندانی با موضوع ندارند از دست بدهد و در تحقیق دست او خالی بماند. از این رو، بحث و نتیجه‌گیری بر او مشکل یا موجب نقص در نظریه‌اش شود؛ زیرا از بررسی تمام آیات مرتبط بازمی‌ماند. (سراقی، ۱۳۸۵، ه.ش، ص ۱۰۶-۱۰۷).

### ۳-۲-۲-۶- عدم مراجعه به تفسیر ترتیبی آیات

تفسیر موضوعی به عنوان یکی از روش های نوظهور تفسیر قرآن کریم، هیچگاه از تفسیر ترتیبی بی نیاز نبوده است. همواره این اشکال بر تفسیر موضوعی وارد است که این تفسیر جغرافیای آیات را بر هم می زند. وجود چنین آسیبی سبب اختلال در فهم آیات می شود؛ چراکه گاهی ممکن است فقط بخشی از یک آیه به موضوع مورد بحث مفسر مربوط شود؛ و با جدا کردن آن بخش از آیه یا جدا کردن یک آیه از سایر آیات، سبب ابهام در فهم آن شود. تفسیر ترتیبی چنین آسیبی را از تفسیر موضوعی برطرف کرده است. چراکه مفسر می تواند با مراجعه به این تفسیر قبل از جدا کردن آیه مورد نظر از جایگاه اصلی اش، ارتباط آیه مورد نظرش را با سایر آیات بررسی و مفهوم آن ها را در جایگاه خاص خود دریافت کند.

عدم مراجعه مفسر به تفسیر ترتیبی و بهره مندی از آن علاوه بر اینکه مشکل تقطیع و برهم زدن جغرافیای آیات را به قوت خود باقی می گذارد؛ فهم آیات و در نتیجه نظریه پردازی قرآنی را نیز با مشکل روبه رو خواهد ساخت.

### ۳-۲-۲-۷- عدم توجه به ترتیب نزول در تفسیر آیات

«مفسر باید ترتیب نزول آیات را بداند تا در تفسیر دقت داشته باشد؛ زیرا در صورت عدم اطلاع، ممکن است آیه ای را که قید برای آیات دیگر نیست، مقید قرار دهد. به طور مثال این آیه

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران/ ۱۳۰)

(ای کسانی که ایمان آورده اید! ربا (و سود پول) را چند برابر نخورید! از (مخالفت فرمان)

خدا بپرهیزید تا رستگار شوید.)

پیش از دیگر آیات مربوط به تحریم ربا (آیات ۲۸۰-۲۷۵ بقره) نازل شده و چون در مقام تحریم تدریجی ربا است، در اینجا ربا چند برابر حرام شده، در حالی که در آیات سوره بقره، مطلق ربا تحریم گردیده است، چه کم باشد یا زیاد. حال اگر مفسر به این امر واقف نباشد، ممکن است این آیه را قیدی برای آیات سوره بقره گرفته، آن ها را مقید به این آیه بداند و



در نهایت، نظریه و برداشتش این باشد که ربای چند برابری از نظر قرآن حرام است، ولی ربای کم‌ایرادی ندارد.» (سراقی، ۱۳۸۵ ه.ش، ص ۱۰۷).

### ۳-۲-۲-۸- عدم بهره‌مندی از روایات

از جمله ابزارهای تفسیر قرآن کریم روایات معتبر صادر شده از سوی معصومین علیهم‌السلام است. این روایات در حقیقت یا تبیین‌کننده مراد خداوند از یک آیه هستند و یا اینکه زمینه فهم آیه مورد بررسی مفسر را فراهم می‌سازند. بهره‌مندی از روایات در تفسیر مورد اتفاق همه مفسرین شیعه در تفسیر ترتیبی است و دیده می‌شود همه مفسرین از روایات در تبیین آیات وحی بهره‌مند شده‌اند. اما اغلب مفسران در تفسیر موضوعی بهره‌مندی از روایات را از مراحل این تفسیر بیان نکرده‌اند و برخی با این دیدگاه که رسالت تفسیر موضوعی کشف دیدگاه قرآن کریم در ذیل یک موضوع است نه کشف دیدگاه اسلام از روایات در تفسیر مسئله مورد بررسی خود بهره‌مند نشده‌اند. در حالی که عدم مراجعه و بهره‌مندی از روایات سبب از دست رفتن بخش عظیمی از آموزه‌های دینی و قرآنی خواهد شد چراکه بسیاری از آیات قرآن کریم در هاله‌ای از ابهام قرار دارند و تنها سنت است که می‌تواند پرده از این ابهام و پوشش بردارد.

### ۳-۲-۲-۹- افراط یا تفریط در بهره‌مندی از آراء و دیدگاه‌ها

از جمله ابزارهایی که یک مفسر موضوعی باید در فرایند تفسیر موضوعی به آن توجه کرده و به کار گیرد؛ بهره‌مندی از آراء و دیدگاه‌های مفسران و دانشمندان سایر علوم به منظور دریافت معانی الفاظ، آشنایی با زاویه‌های مختلف موضوع، پیوند آیات و... می‌باشد. براین اساس نپرداختن به نقل دیدگاه‌ها و آراء مفسران و عدم بهره‌مندی از نظریه‌های علمی سایر علوم و همچنین افراط در به‌کارگیری آن‌ها یکی از آسیب‌های تفسیر موضوعی است؛ و باید مفسر موضوعی در بیان آن‌ها دقت لازم را به عمل آورد.

### ۳-۲-۲-۱۰- عدم دقت یا شتاب در جمع‌بندی آیات و نظریه‌پردازی

در هر علم و دانشی نظریه‌پردازی از اهمیت بالایی برخوردار است؛ لذا پرداختن به تمام جوانب موضوع و مسئله سبب دستیابی به دیدگاهی جامع و کامل در ذیل بحث می‌شود. تفسیر

موضوعی، نیز که در صدد بیان دیدگاه و نظر قرآن کریم در ذیل موضوعات گوناگون است، از این قاعده مستثنی نیست.

اصلی‌ترین و مهم‌ترین مرحله فرایند تفسیر موضوعی مرحله نظریه‌پردازی و کشف دیدگاه وحی است. در این مرحله دقت و تبحر در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از آیات از اهمیت بسزایی برخوردار است. عدم دقت و توجه در جمع‌بندی و برقراری ارتباط بین آیات و همین‌طور مشخص نکردن جایگاه هر یک از آن‌ها و شتاب‌زدگی در نظریه‌پردازی قرآنی، یکی از آسیب‌های جدی این مرحله از تفسیر محسوب می‌شود. گاهی ممکن است مفسر در بیان دیدگاه قرآن شتاب کرده و تمام جوانب موضوع و همین‌طور آیات در آن زمینه را مورد بررسی قرار ندهد و در نتیجه دیدگاهی ناقص یا غیرواقعی ارائه دهد.

علی سراقی به نقل از ابن فارس می‌گوید: «هر جا در قرآن کریم، واژه «بر» و «بحر» آمده، مراد از «بحر» آب است و مراد از «بر» خاک خشک، غیر از آیه کریمه «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ...» (روم/۴۱)

(فساد، در خشکی و دریا به‌خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است.)  
که در اینجا مراد از آن «بریّه و عمران» است. به دلیل آنکه ارائه این نظریه بدون بررسی کامل تمامی موارد بوده، می‌بینیم که با اشکال برخورد می‌کند؛ مثلاً، در تفسیر آیه  
«أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَ طَعَامُهُ مَتَاعاً لَكُمْ وَ لِلسَّيَارَةِ وَ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدَ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا»  
(مائده/۹۶)

(صید دریا و طعام آن برای شما و کاروانیان حلال است؛ تا (در حال احرام) از آن بهره‌مند شوید؛ ولی مادام که محرم هستید، شکار صحرا برای شما حرام است.)  
شکی نیست که در این آیه، حکم فضا هم داخل در حکم حرمت است. پس اگر مُحَرَّم با تیر پرنده‌ای را در هوا صید کند، کفاره بر او واجب است. ولی بنا بر تفسیر ابن فارس، چون صید بر روی خاک خشک نبوده، کفاره‌ای بر او نیست. همچنین کسانی که بر این نظرند که در قرآن هر جا لفظ «قلیل» آمده، دلالت بر کمتر از ده تا دارد، چون با استقرای تام نبوده، در رد آن، این آیه دلالت دارد «... وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشُّكُورُ» (سبأ/۱۳)

(ولی عدۀ کمی از بندگان من شکر گزارند!)

زیرا اگر غیر از انبیاء، هیچ کس را هم «شکور» ندانیم و تنها انبیاء مصداق «شکور» باشند، باز تعداد، بیشتر از قاعده داده شده است.» (سراقی، ۱۳۸۵ ه.ش، ص ۱۱۰).

آیت الله مکارم شیرازی نیز یکی از مشکلات تفسیر موضوعی را مشکل جمع بندی آیات و نتیجه گیری از آن دانسته و در این باره می گوید:

«مشکل دیگر تفسیر موضوعی همان مشکل جمع بندی آیات و نتیجه گیری از آنها است که نیاز به دقت و ظرافت و ذوق و آگاهی بسیار و احاطه فراوان به آیات قرآن و تفاسیر دارد، و از آنجا که آیات مربوط به یک موضوع متعدد و هر کدام بعد خاصی دارد این جمع بندی پیچیده تر می شود. به علاوه همان گونه که گفتیم تفسیر موضوعی تفسیر نوپایی است که کوشش و کار فراوانی روی آن انجام نشده، و همین امر کار کسانی را که در رده آغازگران اند مشکل و پیچیده می سازند، و با تفسیر معمولی که از همان آغاز نزول قرآن روی آن کار شده است تفاوت بسیار دارد.» (پیام قرآن، ج ۱، ص: ۳۴ و ۳۳).

### ۳-۲-۱۱- نظریه پردازی قرآنی با الگوگیری از غرب

انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان پس از یک دوره پربار بالندگی و پیشرفت علمی، فرهنگی، اجتماعی و... از یک سو و نفوذ اندیشه های بیگانه از سویی دیگر این تفکر را در جوامع اسلامی به وجود آورد که راه پیشرفت و خروج از این انحطاط، در غرب و اندیشه های غربی است. این تفکر بسیاری از جنبه های زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان از جمله بعد علمی آنها را تحت تأثیر قرارداد.

تفسیر قرآن کریم به ویژه تفسیر موضوعی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و تحت تأثیر چنین تفکری قرار گرفته است. به گونه ای که گاهی در بیان دیدگاه وحی در ذیل یک موضوع به ویژه موضوعات اجتماعی اصالت دیدگاه قرآن به حاشیه کشیده شده و این اندیشه غربی است که اصالت دارد. این امر از آسیب های جدی تفسیر موضوعی است و مفسر موضوعی باید کمال دقت را در هنگام بیان نظریه قرآنی داشته باشد.

آیت الله جعفر سبحانی در این باره بیان می کند.

«برخی از تفسیرهایی که در قرن بیستم به وسیله مفسران اسلامی نوشته شده، دچار نوعی غرب زدگی در تحلیل مسائل قرآنی است؛ زیرا در تحلیل مفاهیم قرآنی و قوانین اجتماعی و اخلاقی آن، تحت تأثیر هجوم افکار غربی قرار گرفته و کوشیده‌اند که میان مکتب‌های غربی و مکتب وحی الهی، نوعی هماهنگی برقرار کنند و الفتی پدیدآورند. این گروه در حقیقت، در کشاکش اعتقاد به اصالت قرآن و جاذبه تمدن غربی که برانکار ماورای ماده استوار است، قرار گرفته و برای جمع میان این دو، دست به تأویل و تصرف در آیات زده‌اند و حقیقت، اصالت قرآن را نادیده گرفته و به اندیشه‌های بشری اصالت داده‌اند. در تفسیر، حقایقی همچون روح، فرشته، حیات برزخی و معجزه، آن‌چنان دچار آشفتگی شده‌اند که همه را با شیوه‌ها و اصول مادی‌گری توجیه و تفسیر کرده‌اند. با مطالعه برخی تفسیرهایی که در دوران تسلط غرب بر هند و مصر در این دو نقطه نوشته شده است، گسترش این فاجعه هویدا می‌گردد.» (سبحانی، ۱۳۸۸ ه.ش، ج ۱، ص ۱۶-۱۵).

### ۳-۳- جمع‌بندی فصل

پیدایش نیازها و پرسش‌های جدید برای بشر در دوران معاصر و همچنین در خواست پاسخگویی به این پرسش‌ها از منبع وحی، رویکرد به تفسیر موضوعی را بیش از گذشته مورد توجه و اقبال مفسران قرار داده است. از این رو مفسران به وسیله این شیوه از تفسیر بسیاری از پرسش‌های ایجاد شده در ذهن مخاطبین قرآن را پاسخ داده‌اند. مسلماً رسیدن به چنین امکانی در گرو دستیابی و آشنایی با روش‌شناسی این تفسیر است. روش یا متد در لغت به معنای راه، سبک، شیوه، اسلوب است و روش‌شناسی تفسیر عبارت است از شناخت و آگاهی از قواعد و اصول حاکم بر تفسیر موضوعی.

تفسیر موضوعی قرآن کریم از روش خاص و ویژه‌ای برخوردار نیست بلکه پیرو سبک و شیوه مفسران در این حوزه است. روش مفسران در این شیوه تفسیری با یکدیگر متفاوت است. این نوع تفاوت به عواملی مانند نوع موضوع انتخابی، دامنه و شیوه جمع‌آوری آیات بستگی دارد. اما به‌طور کلی می‌توان روش تفسیر موضوعی را از دو جهت بررسی کرد.

۱- از جهت نوع و شیوه انتخاب موضوع که به تفسیر موضوعی درون قرآنی و برون قرآنی تقسیم می‌شود.

۲- از جهت دامنه جستجوی آیات که به تفسیر موضوعی سوره‌ای، واژگانی و تفسیر موضوعی کل نگر تقسیم می‌شود.

مراحل تفسیر موضوعی نیز همانند روش آن در تفاسیر موضوعی موجود و برای مفسران آن‌ها یکسان نبوده و هریک از این عالمان مراحل خاصی را برای بیان و کشف نظریه قرآنی ارائه کرده‌اند. اما در یک جمع‌بندی و باتوجه به بررسی مراحل ارائه شده توسط مفسرین این حوزه می‌توان تقسیم‌بندی تازه‌ای برای مراحل این شیوه تفسیری در شش محور ارائه داد که عبارت‌اند از:

۱- انتخاب موضوع ۲- جمع‌آوری آیات ۳- ترجمه، تفسیر و تبیین آیات منتخب ۴- جمع‌آوری روایات ۵- جمع‌آوری و ارائه دیدگاه‌ها از سایر علوم ۶- ارائه نظریه قرآنی  
آسیب‌های تفسیر موضوعی را می‌توان در دو محور شامل آسیب‌های قواعد تفسیر و همچنین آسیب‌های روش‌شناختی مورد بررسی قرارداد.

آسیب‌های که ممکن است در پی عدم رعایت قواعد و ضوابط تفسیر در این حوزه وارد شود شامل کم‌توجهی یا عدم توجه به سیاق، عدم توجه به قاعده جری و تطبیق، عدم توجه به برخی ویژگی‌های قرآن، افراط یا تفریط در بهره‌مندی از علوم، عدم توجه به ظاهر و باطن آیات، مخالفت تفسیر با مطالب قطعی عقلی، مخالفت تفسیر با علوم تجربی قطعی، عدم رعایت روش صحیح تفسیر، عدم تخصص در تفسیر، پیش‌داوری و تحمیل نظر بر قرآن

آسیب‌های روش‌شناختی تفسیر نیز عبارت‌اند از: انتخاب موضوعات کلی، ناتوانی در بررسی همه موضوعات، عدم توجه به دامنه نظریه‌پردازی قرآن در انتخاب موضوعات، اکتفا به کتاب‌های معجم قرآن در گردآوری آیات، عدم دقت در استخراج آیات، عدم مراجعه به تفسیر ترتیبی آیات، عدم توجه به ترتیب نزول در تفسیر آیات، عدم بهره‌مندی از روایات، افراط یا تفریط در بهره‌مندی از آراء و دیدگاه‌ها، عدم دقت یا شتاب در جمع‌بندی آیات و نظریه‌پردازی، نظریه‌پردازی قرآنی با الگوگیری از غرب.

**فصل چهارم**  
**آسیب‌شناسی تفاسیر موضوعی معاصر**

## مقدمه

در این فصل نظر به این است که سه نمونه از آثار بزرگ و ارزنده تفسیر موضوعی قرآن کریم، از جمله تفسیر منشور جاوید، اثر عالم بزرگوار آیت الله جعفر سبحانی، تفسیر موضوعی آیت الله عبدالله جوادی آملی و تفسیر معارف قرآن مرحوم آیت الله محمد تقی مصباح یزدی مورد بحث و بررسی قرار گیرند. از این رو در نظر است در تبیین بحث، برای هر یک از آثار مورد نظر مراحل را طی شود. در مرحله نخست، با توجه به اینکه هدف پژوهش بررسی همه جانبه این آثار نیست لذا به معرفی اجمالی هر یک از آثار مفسران پرداخته می شود و در مرحله بعد تفاسیر از لحاظ روش شناسی مورد بررسی قرار می گیرند. در مرحله آخر نیز ضمن بزرگداشت این آثار ارزنده و نویسندگان گران قدرشان به ذکر بخشی از آسیب ها و کاستی های آنها در دو بخش آسیب های ساختاری و محتوایی پرداخته می شود که امید است مفید واقع شود.

## ۴-۱- بخش اول: تفسیر موضوعی منشور جاوید

### ۴-۱-۱- معرفی اجمالی اثر

منشور جاوید اثر جعفر سبحانی تبریزی، نخستین تفسیر موضوعی به زبان فارسی است. این کتاب تحت همین عنوان در سال های مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است. از جمله این ناشران می توان به ناشر چاپی، دارالقرآن الکریم و ناشر دیجیتالی، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان اشاره کرد. این اثر تاکنون در چهارده مجلد به چاپ رسیده است و موضوعات تفسیری در آن به شرح زیرند.

✓ جلد اول: مباحث در این جلد در سیزده بخش که شامل خداشناسی و فطرت انسان، پیمان آگست یا عالم ذر، تسبیح خدا، براهین اثبات خدا در قرآن، براهین اثبات صانع در قرآن،

توحید ذاتی، توحید صفاتی، توحید در خالقیت، توحید در ربوبیت، توحید در حاکمیت، توحید در اطاعت، توحید در تقنین و تشریح و توحید در عبادت و پرستش می‌شود؛ گردآوری شده‌اند.

✓ جلد دوم: این جلد، به تفسیر مجموع اسماء و صفات خداوند در قرآن می‌پردازد و در این زمینه به مباحثی چون؛ تفاوت اسماء و صفات نزد متکلمان، توقیفی یا اجتهادی بودن صفات خداوند، مسئله بسیط بودن ذات خدا و اسماء متعدد او، تقسیمات صفات خداوند، اسماء مختلف الهی، عینیت صفات خداوند با ذات او، خدای مرید، خدای متکلم و بررسی اسماء خداوند در قرآن پرداخته است.

✓ جلد سوم: این جلد تحت عنوان مصلحان بزرگ بشر، به مباحثی چون؛ امکان بعثت پیامبران الهی و بررسی دلایل منکران، بعثت پیامبران از دیدگاه متکلمان و حکیمان، لزوم بعثت پیامبران از دیدگاه قرآن، وحی و اقسام آن در قرآن، لزوم ایمان به همه پیامبران، عصمت پیامبران از دیدگاه متکلمان و قرآن، معرفی رسول و نبی و پیامبران اولوالعزم، سنت‌های الهی در زندگی پیامبران و... پرداخته است.

✓ جلد چهارم: در این مجلد عصمت پیامبران و امامان مورد بررسی قرار گرفته و به مباحثی مانند: عصمت از دیدگاه عقل و قرآن، مراحل و دلایل عصمت، دستاویزهای کلی مخالفان عصمت، عصمت حضرت آدم علیه‌السلام و سرگذشت شجره ممنوعه، بیان عصمت پیامبرانی چون؛ حضرت نوح، یوسف، موسی، سلیمان، ایوب و یونس علیهم‌السلام، دستاویزهای مخالف عصمت درباره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مباحثی در باره امام و امامت از جمله عصمت امام پرداخته شده است.

✓ جلد پنجم: این جلد با عنوان معاد انسان و رستاخیز جهان، به مباحثی چون؛ اسامی و صفات قیامت در قرآن، دلایل قطعی بودن معاد، منکران معاد و انگیزه‌های انکار، دلایل امکان معاد، معاد جسمانی و روحانی، دیدگاه‌های حکیمان و متکلمان درباره معاد جسمانی، تناسخ و معاد، قبر و برزخ در قرآن، علائم و نشانه‌های رستاخیز، گواهان دادگاه الهی، تجسم اعمال و ملکات و... پرداخته است.



- ✓ جلد ششم و هفتم: این دو جلد به بررسی زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در تمام جوانب از جمله دوران کودکی، عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از بعثت، معراج، هجرت از مکه به مدینه، غزوات، صلح و بیعت در حدیبیه، فتح مکه، مباحله و مناقب اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله در قرآن، وظایف مسلمانان در برابر پیامبر (ص) و... بررسی شده است.
- ✓ جلد هشتم: در این جلد به مباحثی مانند: عدل خدا در قرآن، جلوه‌های گوناگون عدل الهی در تکوین، تشریح و جزا، عدل الهی و علم و اراده پیشین خدا، عدل الهی و قضا و قدر، آیات ولایت و خلافت، شفاعت منفی و مثبت در قرآن، تفاوت شفاعت‌های دنیوی و اخروی، توبه و اقسام آن، عوامل تکفیر در قرآن و... پرداخته شده است.
- ✓ جلد نهم: منافقان در قرآن را بیان کرده و به مباحثی چون؛ منافقان و حزب نفاق، خیانت‌های حزب نفاق در جنگ بدر، سرگذشت بنی النضیر، صفات منافقان در قرآن، سلاح منافقان در زندگی، مراحل آفرینش انسان نخست در قرآن، روح انسان و بقای آن بعد از مرگ، ارزش انسان در قرآن، تفویض و وانهادگی انسان و... پرداخته شده است.
- ✓ جلد دهم: در این جلد به مباحثی چون؛ قرآن و آگاهی پیامبران از غیب، نهج‌البلاغه و خبرهای غیبی، ولایت تکوینی و تشریحی، آثار بندگی، مقصود از اهل بیت، ویژگی‌های اهل بیت، حقوق اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در قرآن، استمداد از اولیای خدا، شفاعت خواهی از اولیای الهی، توسل به پیامبران و صالحان، سوگند دادن به حق اولیاء و... پرداخته شده است.
- ✓ جلد یازدهم و دوازدهم: سرگذشت پیامبران در قرآن، عنوان این دو جلد بوده و در آنها سرگذشت پیامبران از حضرت آدم (ع) تا حضرت یوسف (ع) در جلد یازدهم و سرگذشت پیامبران از حضرت شعیب (ع) تا حضرت عیسی (ع) در جلد دوازدهم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.
- ✓ جلد سیزدهم: در این جلد اصول اخلاقی و اجتماعی در قرآن مورد بررسی قرار گرفته و به مباحثی مانند: ده فرمان یهود، منشورهای اخلاقی در برخی از سوره‌های قرآن که به صورت سی اصل بیان شده‌اند و... پرداخته شده است.

✓ جلد چهاردهم: پیرامون مسائلی چون؛ جهاد در اسلام، هجرت در قرآن، حق و باطل در قرآن، نور و ظلمات در قرآن، عوامل ضلالت و گمراهی، نعمت‌های معنوی و جاودانه بهشت، وجدان یا ندای درونی، تأویل در قرآن و... بحث کرده است.

#### ۴-۱-۲- روش‌شناسی تفسیر

آیت‌الله سبحانی همانند سایر مفسران موضوعی هدف از این تفسیر را کشف دیدگاه قرآن کریم می‌داند و برای دستیابی به این دیدگاه سه مرحله را بیان می‌کند. از جمله این مراحل عبارت‌اند از: جمع‌آوری آیات، دسته‌بندی آن‌ها و نتیجه‌گیری.

ایشان در این زمینه می‌نویسند: «در این روش، مجموع آیات یک موضوع در یک جا گردآوری می‌شود، سپس با دسته‌بندی آن‌ها، از همه، نظر واحدی اتخاذ می‌گردد.» (سبحانی، ۱۳۸۸، ه.ش، ج ۱، ص ۱۸).

ایشان در ادامه بحث بیان می‌کنند که گردآوری آیات یک موضوع علاوه بر اینکه سبب دستیابی به دیدگاه جامع قرآن کریم می‌گردد، بسیاری از ابهامات در ذیل آیات دیگر نیز برطرف می‌شود.

«در گردآوری مجموع آیات یک موضوع، گذشته از اینکه به نظر جامع‌الاطراف قرآن درباره آن موضوع، آگاه می‌گردیم، سود دیگری نیز نصیب ما می‌گردد و آن این‌که چه‌بسا آیه‌ای به عللی در نظر ما مبهم جلوه می‌کند و ما به‌خاطر دوری از زمان وحی و ناآگاهی از قرینه‌های حالی، و اوضاعی که بر جامعه اسلامی آن روز حکومت می‌کرد، از هدف نهایی آیه به دور می‌باشیم، ولی گردآوری آیات و رویارو قرار گرفتن برخی از آن‌ها، بسیاری از ابهام‌ها را برطرف می‌کند چهره واقعی مقصود از لابه‌لای یک‌رشته احتمالات و اوهام، بیرون کشیده می‌شود.» (همان، ص ۱۹).

انتخاب موضوعات در این اثر از متن قرآن کریم است. فقط دو موضوع جامعه و تاریخ در قرآن را که در جلد سیزدهم به اجمال به آن‌ها پرداخته است را از موضوعات تازه‌ای می‌داند که معتقد است محققان اسلامی باید آن‌ها را با موازین علمی بررسی و تعقیب کنند.

«مباحث مربوط به جامعه و تاریخ که در قرآن آمده است، از موضوعات تازه‌ای است که محققان اسلامی باید آن را با موازین علمی تعقیب کنند.» (سبحانی، ۱۳۸۸ ه.ش، ج ۱۳، ص ۴۶۵).

محور مباحث در این تفسیر، بیشتر موضوعات اعتقادی است. ایشان در این زمینه توضیح داده و می‌نویسند:

«به نظر رسید، نخست آیات مربوط به عقاید را محور بحث و بررسی قرار داده و توحید در ابعاد گسترده را کلید این گنجینه قرار دهیم از آن پس، آیات مربوط به اسماء و صفات الهی را مطرح کنیم، و خامه همگام با آیاتی که با نبوت عامه و خاصه و معاد انسان در ارتباطاند. پیش رود، و اگر توانی باقی ماند، یک‌رشته مسائل اخلاقی و اجتماعی را از دیدگاه تفسیر موضوعی مورد بررسی قرار دهیم.» (سبحانی، ۱۳۸۸ ه.ش، ج ۱، ص ۲۰).

گردآوری دقیق تمام آیات مربوط به یک موضوع، در مرحله جمع‌آوری آیات یکی از ضروریاتی است که آیت‌الله سبحانی بر آن تأکید داشته‌اند؛ و در این زمینه می‌گویند:

«باید مجموع آیات مربوط به هر موضوع را دقیقاً گرد آورد، آنگاه نتیجه‌گیری کند و بدون احاطه کامل به آیات هر موضوعی، تا چه رسد احاطه نسبی، قضاوت صحیح در آن مورد صحیح نیست» (همان، ص ۱۸).

رویکرد و گرایش مفسر در این تفسیر، کلامی بوده؛ و اندیشه‌های کلامی او در این تفسیر نمایان است. البته گاهی نیز از اندوخته‌های فلسفی خود در بیان مباحث بهره برده است؛ که به طور کلی می‌توان صبغه و لون ایشان در این تفسیر را کلامی\_ فلسفی دانست. ایشان در بهره‌مندی از این دانش‌ها معتقد اند که باید این اندیشه‌ها و عقاید را بر قرآن عرضه کرد. نه اینکه قرآن را بر عقاید شخصی تطبیق داد.

«یکی از شرایط تفسیر صحیح قرآن این است که مفسر، خود را از عقاید شخصی و معتقدات پیشین تجرید کند، و آیه یا آیات مربوط به یک موضوع را بدون استمداد از هر نوع پیش‌داوری، مورد دقت و بررسی قرار دهد. بزرگ‌ترین آفت برای یک مفسر، این است که با در نظر گرفتن یک‌رشته عقاید فلسفی و کلامی، در صدد تفسیر آیات برآید، زیرا در این

صورت جز تطبیق قرآن بر عقاید شخصی، نتیجه‌ای نخواهد گرفت و به‌جای آنکه قرآن دلیل و راهنمای او گردد، وی راهنمای قرآن خواهد بود!

این نوع افراد قبلاً - به‌جای اینکه آراء و عقاید خود را بر قرآن عرضه بدارند، و از آیات این کتاب الهام بگیرند، قرآن را بر عقاید و آرای پیشین خود عرضه می‌دارند، و به‌اصطلاح مدعا را تعیین کرده و عقیده را اتخاذ نموده‌اند، سپس به دنبال دلیل نقلی آن می‌گردند. گروه معتزله در فهم آیات مربوط به شفاعت، دچار همین اشکال شده‌اند، زیرا آنان از مجموع آیات مربوط به شفاعت چنین نتیجه گرفته اند که؛ شفاعت اولیای خدا مخصوص گروهی است که خدا را اطاعت کرده و دامن آنان به گناه آلوده نگردیده است، این گروه با اینکه اهل بهشت هستند ولی در پرتو شفاعت، پاداش بیشتری دریافت داشته، ارتقای درجه پیدا می‌کنند. (سبحانی، ۱۳۸۸ ه.ش، ج ۸، ص ۲۸۲).

#### ۴-۱-۳- آسیب‌شناسی تفسیر

##### ۴-۱-۳-۱- عدم داشتن شیوه‌یکسان در ارجاع‌دهی‌ها

از آسیب‌های این تفسیر نداشتن شیوه واحد در ارجاع مطالب است. به طوری که در برخی از قسمت‌ها ارجاعات را به طور کامل بیان کرده و در جایی دیگر تنها به نام کتاب و ذکر صفحه اکتفا کرده است؛ به طور مثال: در جلد چهارم این مجموعه در بیان اعطای عصمت از جانب خداوند، ارجاع را این‌گونه آورده است. «ملحقات أوائل المقالات، ص ۱۱۱» (سبحانی، ۱۳۸۸ ه.ش، ج ۴، ص ۲۵).

اما در جایی دیگر به طور مثال در باب آفرینش همسر حضرت آدم علیه‌السلام ارجاع را چنین بیان می‌کند. «تورات سفر تکوین، فصل دوم جمله ۲۱، چاپ لندن، فاضل خانی به تاریخ ۱۸۵۶ برابر با ۱۲۷۲ ه.ق.» (همان، ج ۱۱، ص ۱۱۰) از این‌گونه موارد، در سرتاسر این مجموعه به چشم می‌خورد.

##### ۴-۱-۳-۲- بیان مطالب بدون ذکر منبع

یکی دیگر از آسیب‌های این اثر این است که مفسر در بیان معنای لغات و واژه‌ها منبعی که آن معنا را از آن گرفته است را بیان نکرده است. به طور مثال ایشان در داستان حضرت موسی

و خضر علیه السلام و در توضیح علت کشتن آن نوجوان، در معنای لفظ «خشینا» و «یرهق» منبع را ذکر نکرده و چنین می‌آورد.

«لفظ «خشینا» از ماده «خشیت» گرفته شده که به معنی خوف و ترس است و چون خضر عالم به بواطن و آگاه از آینده بود، طبعاً مقصود او از این لفظ، «علم» و آگاهی قطعی خواهد بود، نه خوف توأم با احتمال خلاف. و نیز «یرهق» از «رهق» به معنی پوشانیدن و با تکلیف سنگین اخذ شده است و در اینجا مناسب همان معنی دوم است؛ چنان‌که در تفسیر جمله «ولاترهقنی من امری عسراً» بیان گردید در این صورت، مفاد آیه چنین می‌شود که ترسیدیم آنان را به طغیان و کفر و ادار سازد» (سبحانی، ۱۳۸۸ ه.ش، ج ۱۲، ص ۲۳۲).

در هنگام بهره‌مندی از علم تاریخ و بیان مباحث تاریخی نیز دیده می‌شود که مطالب بدون ذکر منبع مطرح شده‌اند. به طور مثال دربارهٔ ادامهٔ نسل بشر، پس از طوفان حضرت نوح علیه السلام، ایشان حضرت نوح علیه السلام را پدر دوم نسل بشر معرفی کرده و همهٔ مردم و نسل بشر کنونی را از فرزندان آن حضرت می‌دانند و در این باره می‌نویسند.

«بنا بر آنچه در تاریخ آمده است، همه مردم و نسل بشر کنونی از فرزندان نوح می‌باشد. «سام» که یکی از فرزندان اوست، پدر نژاد عرب و عجم است، «یافت» که یکی دیگر از فرزندان اوست، پدر ترک و خزر به شمار می‌رود و «حام» فرزند سوم او، پدر سودان (سیاه‌پوستان) است.» (سبحانی، ۱۳۸۸ ه.ش، ج ۱۱، ص ۱۴۳).

#### ۴-۱-۳-۳- ترجمه ناقص یا جابه‌جا برخی از آیات

از دیگر آسیب‌های این تفسیر می‌توان به ترجمه ناقص برخی از آیات اشاره کرد. به طور مثال ایشان در جلد یازدهم این مجموعه ترجمهٔ آیه ۴۵ سوره نمل را به طور ناقص و این‌گونه ترجمه کرده است.

«و لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ» به سوی قوم ثمود، برادرشان صالح را فرستادیم، آنان به دو گروه تقسیم شدند که با یکدیگر مجادله می‌کردند.» (سبحانی، ۱۳۸۲ ه.ش، ج ۱۱، ص ۱۹۶).

در این ترجمه بخشی از آیه به هر دلیلی ترجمه نشده است و برای این مجموعه یک آسیب محسوب می‌شود؛ لذا ترجمه صحیح و کامل آیه چنین است. «ما به سوی «ثمود»، برادرشان «صالح» را فرستادیم که: خدای یگانه را بپرستید! اما آنان به دو گروه تقسیم شدند که به مخاصمه پرداختند.

همچنین در این اثر دیده شده که ترجمه برخی آیات جابه‌جاشده است. به طور مثال ترجمه دو آیه ۴۵ و ۴۷ سوره نمل در ذیل عنوان معجزات حضرت صالح علیه‌السلام جابه‌جاشده است (همان، ص ۱۹۵).

ترجمه آیات ۸۰-۸۲ سوره حجر در همین مجلد را نیز به طور ناقص آورده، به گونه‌ای که تنها بخش ابتدایی آیه ۸۰ را ترجمه کرده است. در حالی که در هر تفسیر ترجمه آیات از ضروریات و ابزارهای مهم هر مفسر به حساب می‌آید. (همان، ص ۱۸۳).

#### ۴-۱-۳-۴ - عدم ارتباط بین موضوعات طرح شده

یکی دیگر از آسیب‌های ساختاری این تفسیر ارائه موضوعاتی در یک جلد است که مشخص نیست مفسر محترم بر اساس چه ضابطه‌ای آن‌ها را در کنار یکدیگر طرح کرده است. در یک مجموعه مباحث باید از یک نظم و ارتباط منطقی برخوردار باشند.

به طور مثال در جلد چهاردهم این اثر موضوعاتی مانند: تأویل در قرآن، خدا فراموشی مایه خود فراموشی، وسوسه‌های شیطان در تدبیر پیامبران، عمل صالح در قرآن، محکم و متشابه در قرآن، راسخان در علم و آگاهی از تأویل، تأویل در مقابل تنزیل، قرآن و یاران پیامبر (ص) مطرح شده است که نوعی پراکندگی در انتخاب موضوعات به چشم می‌خورد و این امر سبب شده است که هر کدام از موضوعات به صورت محدود تفسیر شوند؛ در نتیجه مخاطب به تفسیری جامع در ذیل آن مسئله دست نیابد.

#### ۴-۱-۳-۵ - طرح عنوان ریز موضوعات از علوم دیگر

در هر علمی هنگام چینش موضوعات اصلی و ریز موضوعات باید از اصطلاحاتی استفاده کرد که در آن علم وجود داشته و از اصطلاحات آن باشند. مفسر در منشور جاوید در

انتخاب ریز موضوعات گاهی از اصطلاحاتی استفاده می‌کند که مربوط به علوم دیگر است یا اینکه برگرفته از ذهنیت مفسر است.

به طور مثال ایشان در ذیل عنوان «خداشناسی و فطرت انسان» چنین ریز موضوعاتی را به کار برده‌اند. ۱- ورشکستگی ماشینیزم ۲- مارکسیسم در قالب مذهب ۳- حس مذهبی در احادیث ۴- بدیهی بودن وجود خدا و... (سبحانی، ۱۳۸۸، ه.ش، ج ۱، ص ۷۴-۲۸).

#### ۴-۱-۳-۶- عدم ارائه تصویری روشن از تفسیر موضوعی

منشور جاوید نخستین تفسیر موضوعی به زبان فارسی است که مؤلف آن - آیت‌الله سبحانی - مدعی است که مبتکر این شیوه تفسیری است که البته از طرفی دیگر ابراز می‌کند که علامه مجلسی در بحارالانوار به این روش تفسیری به طور اجمال توجه داشته است.

ایشان در مقدمه جلد اول منشور جاوید توضیحی بسیار کوتاه درباره این روش تفسیری ارائه می‌کند و هدف از این تفسیر را کشف دیدگاه قرآن کریم می‌داند و برای این روش از تفسیر سه مرحله را بیان می‌کند بدون اینکه درباره این مراحل توضیحی بدهد؛ لذا در این باره می‌نویسد. «لازمه نزول تدریجی و داشتن ویژگی‌های خاصی که بیان گردید این است که

تفسیر قرآن علاوه بر روش تفسیر سوره به سوره که از قدیم معمول بوده، از روش تفسیر موضوعی نیز برخوردار گردد، و آیات هر موضوعی که در قرآن وارد شده است یک جا مورد بررسی قرار گیرد. مفسری که می‌خواهد مثلاً - نظر قرآن را درباره آسمان‌ها و زمین به دست آورد ... باید مجموع آیات مربوط به هر موضوع را دقیقاً گرد آورد، آنگاه نتیجه‌گیری کند و بدون احاطه کامل به آیات هر موضوعی تاچه رسد احاطه نسبی، قضاوت صحیح در آن مورد صحیح نیست. این روش، همان روش تفسیر موضوعی است؛ یعنی تفسیر آیات قرآن برطبق موضوعات. در این روش، مجموع آیات یک موضوع در یک جا گردآوری می‌شود، سپس با دسته‌بندی آن‌ها، از همه، نظر واحدی اتخاذ می‌گردد.» (سبحانی، ۱۳۸۸، ه.ش، ج ۱، ص ۱۹-۱۸).

همان‌طور که گفته شد آیت‌الله سبحانی در توضیح و تبیین تفسیر موضوعی تنها به آوردن مقدمه‌ای مختصر اکتفا کرده‌اند درحالی‌که انتظار آن است که ایشان به‌عنوان پیش‌گام، مبتکر و احیاگر این روش تفسیری، تصویری جامع و کامل و درعین حال روشن از این شیوه ارائه دهند.

#### ۴-۱-۳-۷- نداشتن عمل تفسیری یکسان

با بررسی‌های انجام شده در این مجموعه تفسیری مشاهده می‌شود که مفسر محترم در تبیین مباحث، عمل یکسانی ندارد و ترتیب بیان مطالب از یک نظم منطقی پیروی نمی‌کند. به این معنی که گاهی دیده می‌شود مفسر پس از جمع‌آوری آیات و ترجمه آن‌ها آیات را تفسیر نمی‌کند و به بیان مباحث مرتبط برای تشریح موضوع می‌پردازد. برای مثال ایشان در موضوع «خداشناسی و فطرت انسان» چنین عمل کرده‌اند. (سبحانی، ۱۳۸۸ ه.ش، ج ۱، ص ۲۳).

گاهی نیز مفسر در ذیل یک موضوع ابتدا به جمع‌آوری آیات و پس از آن به ترجمه آن‌ها می‌پردازد و در ادامه به تفسیر آیات مبادرت می‌ورزد. سپس به ذکر دیدگاه‌ها از جنبه‌های مختلف می‌پردازد. برای نمونه در همین جلد دیده می‌شود مفسر در مبحث «پیمان آلتست یا عالم ذر» همین ترتیب را به کار برده است. (همان، ج ۱، ص ۵۹). این آسیب از جمله اشکالاتی است که در سراسر مجلدات این مجموعه به چشم می‌خورد.

#### ۴-۱-۳-۸- پیش‌داوری و تحمیل رأی بر تفسیر

منشور جاوید یکی از تفاسیر موضوعی قرآن کریم محسوب می‌شوند که هدف آن کشف دیدگاه قرآن و اسلام است اما گاهی دیده می‌شود در این تفسیر مفسر در ذیل یک موضوع قبل از جمع‌آوری آیات و پرداختن به ترجمه آن‌ها بلافاصله پس از طرح موضوع به جای پرداختن به تفسیر آیات و کشف دیدگاه قرآن در ذیل آن مسئله به بررسی آن در منابع و کتب فلسفی و کلامی روی می‌آورد. با اینکه مفسر خود و تفسیرشان را از این آسیب مبرا می‌دانند اما گاهی دیده می‌شود که این اصل رعایت نشده و مفسر محترم برخی از مباحث را از آیات قرآن استخراج نکرده است.

برای مثال ایشان در ذیل مبحث «براهین اثبات خدا در قرآن» قبل از پرداختن به آیات قرآن کریم و تفسیر هر یک از آن‌ها به وسیله تفسیر ترتیبی و کشف و استخراج این براهین، ابتدا به بیان براهین ده‌گانه در کتب فلسفی و کلامی می‌پردازد و در ادامه براهین اثبات خداوند در قرآن را ذکر می‌کند و با آوردن آیات سعی در اثبات براهین ده‌گانه دارد. در حقیقت مفسر در اینجا دیدگاه‌های فلسفی و کلامی در ذیل این براهین را اصل قرار داده و بر قرآن تحمیل می‌کند.



ایشان خود در این باره بیان می‌کنند. «دانشمندان علم کلام برای اثبات وجود خدا، براهین عقلی فراوانی یادآور شده اند که ما در این بخش، به جز راه فطرت که راه دل است، نه عقل، به اصول این براهین به گونه‌ای فشرده اشاره می‌کنیم، سپس آیاتی را که مربوط به این براهین است بررسی می‌کنیم.» (سبحانی، ۱۳۸۸ ه.ش، ج ۱، ص ۱۱۹ و ۱۲۰).

#### ۴-۱-۳-۹- پرداختن بیش از حد به علوم دیگر در ذیل یک عنوان

یکی دیگر از آسیب‌های این تفسیر این است که مفسر در بهره‌مندی از علوم دیگر در تفسیر و تبیین یک موضوع به ارائه طولانی مباحثی از علوم می‌پردازد درحالی‌که آوردن توضیحاتی نسبتاً کوتاه از آن مطالب مسئله را تبیین کرده و بحث را به درازا نمی‌کشاند. به طور مثال در مبحث «شفاعت در احادیث اسلامی» حدود سی صفحه را به آوردن احادیث مختلف در ذیل این عنوان اختصاص داده است (سبحانی، ۱۳۸۸ ه.ش، ج ۸، ص ۴۰۷-۳۷۶). همچنین ایشان در همین بحث در بخش «شفاعت در ادبیات عربی و فارسی» حدود دوازده صفحه از اشعار شاعرانی چون خاقانی شروانی، عطار نیشابوری و... را آورده‌اند (همان، ص ۴۵۰-۴۳۷) که چنین عملکردی سبب می‌شود مخاطب و خواننده سررشته بحث را از دست‌داده و از فضای تفسیر آیات دور شود.

#### ۴-۱-۳-۱۰- عدم تفسیر برخی از آیات

در تفسیر موضوعی مفسر باید پس از جمع‌آوری آیات مربوط به موضوع موردنظر و ترجمه آن‌ها به کمک تفسیر ترتیبی به تفسیر آیات موردبحث بپردازد. در تفسیر منشور جاوید در موارد بسیاری دیده می‌شود مفسر آیات موردنظر در ذیل یک عنوان را تفسیر نکرده است. به طور مثال ایشان در ذیل مبحث «عدل الهی و قضاو قدر» برای تبیین و توضیح شبهه «ناسازگاری قضاو قدر با عدل الهی» آیاتی را در سه بخش به کار می‌برند که هیچ‌کدام تفسیر نشده‌اند و تنها به ترجمه آیات اکتفا کرده‌اند. درحالی‌که یکی از مهم‌ترین گام‌ها در تفسیر موضوعی، تفسیر آیات در ذیل مسئله مورد بررسی، با استفاده از تفسیر ترتیبی است (سبحانی، ۱۳۸۸ ه.ش، ج ۸، ص ۸۲-۸۰).

مثال دیگر که در اینجا می‌توان به آن اشاره کرد مربوط می‌شود به بحث «میان‌روی در رفتار» که یکی از اصول اخلاقی در سوره لقمان است. مفسر محترم در اینجا نیز آیات را به همراه ترجمه آن‌ها ذکر کرده، اما به تفسیر آن‌ها نپرداخته است (سبحانی، ۱۳۸۸ ه.ش، ج ۱۳، ص ۲۵۴-۲۴۸).

#### ۴-۱-۳-۱۱- عدم ارائه نظریه قرآنی در برخی مباحث

آیت‌الله سبحانی نیز همانند سایر مفسرین، هدف تفسیر موضوعی را کشف و استخراج دیدگاه قرآن کریم از مجموعه آیات در ذیل یک موضوع می‌دانند. ایشان در این مجموعه، آیات مربوط به یک موضوع را تفسیر کرده و جوانب مختلف موضوع و مسئله مورد بررسی را تبیین می‌کند و اطلاعات تفسیری کاملی را در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد. اما مفسر محترم هدف تفسیر موضوعی را که کشف نظریه قرآن کریم است را به طور شفاف محقق نمی‌کند یا اینکه از بررسی و جمع‌بندی آیات به نتایجی می‌رسد که نمی‌توان گفت دیدگاه جامع قرآن کریم است. به طور مثال در مباحثی چون هجرت در قرآن، حق و باطل در قرآن، نور و ظلمت در قرآن و... که در جلد چهاردهم این اثر مطرح شده‌اند؛ مشاهده می‌شود که مفسر، نه تنها دیدگاه جامع وحی را بیان نکرده بلکه به جمع‌بندی بحث نیز نپرداخته است.

#### ۴-۲- بخش دوم: تفسیر موضوعی جوادی آملی

##### ۴-۲-۱- معرفی اجمالی اثر

تفسیر موضوعی اثر استاد عبدالله جوادی آملی است که در حقیقت درس‌های تفسیر موضوعی ایشان در زمینه‌های مختلف بوده که توسط شاگردان ایشان به رشته تحریر درآمده است. این مجموعه در دو نوبت به چاپ رسیده که چاپ نخست آن توسط مرکز نشر رجاء در سال ۱۳۷۲ و چاپ دوم، توسط مرکز نشر اسراء در سال ۱۳۸۸ در هجده جلد منتشر شده است. موضوعات تفسیری در این اثر به شرح زیرند.

✓ جلد اول: این جلد تحت عنوان قرآن در قرآن در پنج بخش عمده نگاشته شده است. بخش اول شامل حقیقت قرآن، بخش دوم مسئله اعجاز قرآن کریم را در دو فصل مورد بررسی

قرار داده است. بخش سوم نیز به بیان رسالت قرآن می‌پردازد. بخش چهارم، تحت عنوان جاودانگی قرآن این مسئله را در دو فصل ۱- خاتمیت و کمال قرآن ۲- عصمت و عدم تحریف قرآن بررسی کرده است. ایشان سرانجام در بخش پنجم، مسئله فهم قرآن را مورد بررسی قرار می‌دهند.

✓ جلد دوم: این مجلد، توحید در قرآن را بررسی کرده و شامل مقدمه‌ای با عنوان خداشناسی و سه بخش کلی است که به ترتیب عبارت‌اند از: ۱- قرآن و راه‌های شناخت خدا که در سه فصل به تبیین آن‌ها پرداخته است. ۲- مراتب توحید که شامل، توحید ذات، توحید اسماء و صفات، توحید افعالی، توحید عملی و موحدان در قرآن می‌شود. ۳- نفی شرک که خود شامل پنج فصل از جمله: انواع شرک، گروه‌های مشرک، ریشه‌های شرک، پیامدهای شرک و براءت همگانی از شرک می‌شود.

✓ جلد سوم: این جلد از این مجموعه، شامل یک مقدمه و سه بخش می‌شود. مقدمه به مسائلی چون ضرورت نبوت و راه‌های شناخت نبوت می‌پردازد. بخش اول نیز وحی را در مسائلی چون حقیقت وحی، فرق وحی و تجربه دینی، اثر وحی و منکران وحی مورد بررسی قرار داده است. بخش دوم، نبوت عامه را در دو فصل تبیین کرده و در نهایت ایشان نبوت خاص را در دو فصل، شامل دلایل نبوت و خاتمیت بررسی کرده است.

✓ جلد چهارم و پنجم: مؤلف در این دو جلد به بررسی مسئله معاد می‌پردازد. جلد چهارم در دوازده بخش و شامل مباحثی چون یاد معاد، دنیا و آخرت، منکران معاد، امکان معاد، ضرورت وقوع معاد، مرگ، قبر و برزخ، شهید و شهادت، نشانه‌های قیامت، نام‌ها و حوادث قیامت، سؤال در قیامت، گواهان رستاخیز و نامه اعمال می‌شود. جلد پنجم نیز شامل دوازده بخش بوده و در ادامه مباحث جلد چهارم به مسائلی چون حبط اعمال، تجسم اعمال، شفاعت، کیفر و پاداش، میزان، صراط، اعراف و اعرافیان، بهشت و راه رسیدن به آن، نعمت‌های بهشتی، دوزخ و عوامل ورود به آن، اوصاف دوزخیان و کیفر جاودان پرداخته است.

✓ جلد ششم و هفتم: مفسر در این دو جلد به بررسی و تفسیر سیره پیامبران در قرآن کریم پرداخته‌اند. ایشان جلد ششم را در یک مقدمه با عنوان «چند تذکر» و ده بخش که شامل

بررسی سیره مشترک پیامبران و سیره حضرت آدم علیه السلام تا حضرت یعقوب علیه السلام و جلد هفتم نیز با بررسی سیره پیامبران از حضرت یوسف علیه السلام شروع شده و به حضرت عیسی علیه السلام ختم می شود.

✓ جلد هشتم و نهم: این دو جلد نیز به بررسی سیره رسول اکرم (ص) در قرآن کریم می پردازد. جلد هشتم شامل یک مقدمه و چهاربخش می شود که عبارت اند از: ۱- شاخصه های برتری رسول اکرم (ص) بر سایر پیامبران ۲- احتجاج های توحیدی رسول اکرم (ص) ۳- سیره توحیدی و شئون رسول اکرم (ص) ۴- سیره رسالتی پیامبر اکرم (ص)؛ و جلد نهم نیز شامل شش بخش بوده که عبارت اند از: ۱- عصمت، اعجاز و معراج پیامبر اکرم (ص) ۲- رسالت جهانی پیامبر اکرم (ص) و وظایف دیگران در قبال آن ۳- سیره احتجاجی رسول اکرم (ص) ۴- سیره رسول اکرم (ص) در یاد معاد ۵- سیره رسول اکرم (ص) در توجه به قرآن ۶- وصایا و مواظب قرآنی رسول اکرم (ص).

✓ جلد دهم: این مجلد نیز با یک مقدمه با عنوان «تذکر چند نکته» آغاز گردیده و شامل چهاربخش است. بخش اول به بررسی رابطه جهان بینی و اخلاق؛ بخش دوم، رابطه انسان و اخلاق؛ بخش سوم، اهمیت و آثار اخلاق و بخش چهارم، در پنج فصل، میزان عنایت و توجه فرزندانگان به اخلاق را مورد ارزیابی قرار داده است.

✓ جلد یازدهم: مباحث این جلد که در حقیقت می توان آن را ادامه و تکمله جلد دهم دانست، در سه بخش تفسیر و تبیین شده اند. بخش اول موانع نظری و عملی سیروسلوک را بررسی کرده است. ایشان در بخش دوم مراحل مانع زدایی از این مسیر یعنی سیروسلوک را بیان کرده و در بخش سوم به بیان مقامات عارفان و مراحل سیروسلوک پرداخته است.

✓ جلد دوازدهم: این مجلد با مقدمه ای در مورد فطرت آغاز می شود و در سه بخش کلی طراحی شده است. در بخش نخست به مبادی و مسائل کلی فطرت پرداخته شده است. بخش دوم به طور مستقیم فطری بودن بینش و گرایش به خدا و دین را در قرآن کریم، در ذیل هشت فصل مورد کاوش قرار می دهد. بخش پایانی این کتاب نیز شامل سه فصل بوده که در آن عوامل و موانع شکوفایی فطرت در انسان بررسی و ارزیابی می شود.

- ✓ جلد سیزدهم: این مجلد تحت عنوان «معرفت‌شناسی در قرآن» از یک مقدمه و چهارده فصل تشکیل شده است که برخی از این فواصل عبارت‌اند از: ۱- ارکان و مبانی معرفت ۲- معیار معرفت ۳- معرفت شهودی و معرفت مفهومی ۴- معرفت عقلی و میزان منطقی ۵- مصادره‌ها، اصل‌های موضوعی و معرفت‌های مبتنی بر فرض و... می‌شود.
- ✓ جلد چهاردهم: این جلد نیز با یک مقدمه آغاز می‌شود که در آن به مباحثی چون رابطه انسان‌شناسی با علوم گوناگون، نظریه تکامل و نسل کنونی بشر، جدایی آدم و حوا علیه‌السلام از گذشتگان و... پرداخته می‌شود. پس از یک مقدمه طولانی، بحث را در دو بخش عمده و کلی پیگیری می‌کنند. در بخش اول هر یک از مبادی سه‌گانه انسان در قرآن یعنی مبدأ فاعلی، مبدأ داخلی و مبدأ غایی را در فواصلی جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهد. بخش دوم بحث هم در ذیل سیرت الهی انسان در قرآن بوده و در پنج فصل تبیین می‌گردد.
- ✓ جلد پانزدهم: این جلد حیات حقیقی انسان در قرآن را مورد بررسی قرار می‌دهد. بخش اول این اثر در سه فصل در صدد است که چهره انسان را بر اساس حکمت نظری و عملی قرآن کریم ترسیم کند. بخش دوم نیز شامل دو فصل است که در آن برخی از نظریات انسان‌شناسی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.
- ✓ جلد شانزدهم: این مجلد، موضوع هدایت در قرآن را در پنج بخش کلی مورد بحث و تفسیر قرار داده است. در بخش اول کلیاتی مانند: آشنایی اجمالی با هدایت، راه‌های شناخت حقیقت هدایت، ارکان هدایت، انواع هدایت و... در نه فصل ارائه شده‌اند. بخش دوم نیز شامل دو فصل بوده که منشأ و مظاهر هدایت خداوند را بررسی می‌کند. بخش سوم، انواع رسالت‌ها و هدایت‌های قرآن را مطرح می‌کند. در بخش چهارم، مفسر در سه فصل به بررسی چگونگی هدایت انسان در قرآن، مسیر هدایت او و راهکارهای هدایت می‌پردازد. سرانجام در بخش پایانی کتاب، مبدأ و مظاهر ضلالت و راه‌گریز از آن را در شش فصل مورد ارزیابی قرار می‌دهد.
- ✓ جلد هفدهم: این جلد، در شش بخش که هر بخش شامل سه فصل است؛ موضوع جامعه در قرآن را بررسی می‌کند. بخش اول شامل کلیات، بخش دوم ساختار جوامع انسانی را بیان می‌کند. بخش سوم به بررسی حقیقت حیات انسان می‌پردازد. در بخش چهارم، جامعه را از

منظر آیات و روایات و... بررسی می‌کند. در بخش پنجم این اثر نیز مباحثی چون اسلام و جامعه، موانع و راهکارها در این زمینه را شرح می‌دهد. در بخش ششم نیز اسلام در جهان معاصر را از جنبه‌های مختلف مانند: مبانی حکومت اسلامی و نظام دموکراسی، زمامداری در اسلام و... مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

✓ جلد هجدهم: ادب توحیدی انبیاء در قرآن عنوان این جلد از تفسیر است که در دو بخش، کلیات و بررسی تطبیقی ادب انبیاء در قرآن نگاشته شده است.

#### ۴-۲-۲- روش‌شناسی تفسیر

مباحث مطرح شده در این تفسیر در سطح‌های مختلف بیان شده است به این معنی که بخشی از عناوین و مباحث مطرح شده با ادبیاتی روان و رسا برای عموم خوانندگان بیان شده است و بخشی دیگر از مباحث با قلمی سنگین نگاشته شده، به گونه‌ای که فقط مخاطبی خاص را می‌طلبد.

آیت‌الله جوادی آملی برای کشف دیدگاه و نظریه قرآن کریم در ذیل یک مسئله شش مرحله را برای تفسیر موضوعی در نظر گرفته‌اند که عبارت‌اند از:

##### ۱- گزینش و استخراج آیات مرتبط با موضوع

مفسر در کتاب «زن در آینه جلال و جمال» درباره این مرحله از تفسیر و وظیفه مفسر می‌نویسد.

«آیاتی که در آن زمینه وارد شده است، جمع‌آوری کند. در این مرحله آن‌چنان باید حضور ذهن درباره قرآن کریم داشته باشد که به مقدار وسع و به مقدار تکلیف، همه آیاتی که در این زمینه نظر دارند - نفیاً و اثباتاً - گردآوری کند، و در این باره به‌خصوص آیاتی که لفظاً آن موضوع را در بردارند، اکتفا نکند، بلکه محتوای آیات را مورد توجه قرار دهد» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۶۱).

##### ۲- جمع‌بندی آیات

ایشان در توضیح این مرحله از تفسیر بیان می‌کند. «بین این آیات جمع‌آوری شده، جمع‌بندی کند، یعنی مطلق‌ها را با مقید، عام‌ها را با خاص و مجمل‌ها را با مبین، متشابه‌ها را با

محکم و بخش‌های مناسب را در کنار هم جمع‌بندی نماید، تا نتایج آیات جمع‌آوری شده را به دست آورد» (همان، ص ۶۱).

### ۳- جمع‌آوری روایات مرتبط با موضوع

مؤلف در ذیل این مرحله، رجوع به سیره عترت طاهره علیهم‌السلام را لازم و ضروری می‌داند و در این باره می‌گویند:

«نوبت به سیره عترت طاهره می‌رسد، روایاتی که در این زمینه وارد شده - نفیاً و اثباتاً - جمع‌آوری نموده تا چیزی از روایات فروگذار نشود، خواه راجع به گفتار آنان باشد یا ناظر به رفتار آنان» (همان، ص ۶۱).

### ۴- جمع‌بندی روایات

جوادی آملی یکی دیگر از مراحل تفسیر موضوعی را جمع‌بندی روایات گردآوری شده در ذیل موضوع موردنظر می‌داند و در این باره ابراز می‌کند.

«بین این روایات جمع‌آوری شده، جمع‌بندی کند، یعنی مطلقات را با مقیدات، عام‌ها را با خاص، محکم‌های روایی را با متشابهات، ناسخ‌ها را با منسوخ، مجمل‌ها را با مبین بسنجد و همان کاری که در استنباط فقهی عمل می‌شود باید در هر موضوعی انجام دهد تا بتواند نتایجی را که از بررسی روایات حاصل شده، ارائه دهد» (همان، ص ۶۲-۶۱).

### ۵- ارائه اصل جامع از آیات و روایات گردآوری شده

یکی دیگر از مراحل تفسیر موضوعی که ایشان در کتاب «زن در آینه جلال و جمال» به آن پرداخته‌اند و معتقدند یک مفسر باید در فرایند تفسیر موضوعی به آن پردازد؛ ارائه اصل جامع از آیات و روایات گردآوری شده است.

«نتایج متعددی که از آیات به دست آمده است، به صورت یک اصل مهم در آورد، همچنین ثمرات گوناگونی که از روایات حاصل شده است، به صورت یک اصل جامع ارائه نماید» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۶۲).

## ۶- جمع‌بندی نهایی بین نتایج به دست آمده از آیات و روایات

«در این مرحله بین نتایج به دست آمده از قرآن و ثمرات استنباط شده از روایات، یک جمع‌بندی نهایی بنماید تا با هماهنگی قرآن و عترت، یک مطلب را استنباط کند» (همان، ص ۶۲). ایشان همچنین در این باره می‌فرمایند:

«وقتی موضوعی از نظر قرآن طرح می‌شود از آن جهت که قرآن از عترت جدا نیست و عترت هم از قرآن منفک نیست، قهراً آن موضوع، از نظر قرآن و عترت مطرح خواهد بود و چون اسلام به صورت قرآن و عترت ظهور می‌کند، لذا بحثی را که قرآن و عترت ارائه دهد، در واقع اسلام ارائه داده است» (همان، ص ۶۳).

انتخاب موضوعات در این تفسیر به صورت عناوینی کلی و عمدتاً به صورت درون‌متنی و برگرفته از نص قرآن کریم است. موضوعاتی مانند: توحید در قرآن، معاد در قرآن، وحی و نبوت در قرآن و... همچنین موضوعاتی درون دینی هستند که در مباحث علمی و آرای دانشمندان و عالمان نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ مانند: معرفت‌شناسی، جامعه‌شناسی و...

مفسر در انتخاب موضوعات به اعتراف خودشان سودمندترین مباحث را برگزیده و به قرآن عرضه کرده‌اند و در این مورد در مقدمه تفسیر «صورت و سیرت انسان در قرآن» می‌گوید: «غالب علوم اسلامی، سودمند است، اما آن علمی که مستقیماً با شناخت جان آدمی و فضیلت، رذیلت، سعادت، شقاوت، بهشت، دوزخ و سرانجام، جلال و جمال انسان ارتباط دارد، گذشته از جنبه علمی و آموزشی، دارای صبغه عملی یعنی تزکیه و تهذیب نیز هست؛ از این رو اثری سودمندتر از دیگر بحث‌ها داشته و مسئله معرفت نفس که انسان را به معرفت ربّ هدایت می‌کند با شناخت حقیقت انسان، پیوند عمیق‌تری دارد» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ه.ش، ج ۱۴، ص ۲۱).

رویکرد مفسر در این تفسیر بیشتر عرفانی است اما با مطالعه این مجموعه، گرایش‌ها و صبغه‌های گوناگونی چون فلسفی، کلامی، عرفانی و گاهی نیز اجتماعی در این تفسیر به چشم می‌خورد که نشان‌دهنده تبحر ایشان در زمینه علوم مزبور است. از این رو دیده می‌شود که مفسر



اندوخته‌های خود در این حوزه‌ها را ابزاری برای تفسیر و تبیین صحیح معارف قرآنی و روایی در ذیل موضوعات موردنظر خود قرار می‌دهد.

#### ۴-۲-۳- آسیب‌شناسی تفسیر

##### ۴-۲-۳-۱- عدم ترجمه برخی آیات و روایات

بسیاری از آیات و روایات در این مجموعه ترجمه نشده است؛ یا اینکه به صورت موجی ترجمه شده‌اند. در صورتی که ترجمه آیات در هر تفسیری از جمله تفسیر موضوعی از اهمیت بالایی برخوردار است. چراکه دستیابی به تفسیری جامع و صحیح در گرو فهم اولیه کلام الهی است؛ از طرفی مخاطبین چنین آثاری فقط قشر متخصص در زمینه آیات و روایات نیستند که با ترجمه آیات آشنا باشند. امروزه بسیاری از اقشار جامعه در پی آگاهی از دیدگاه قرآن کریم در ذیل پرسش‌های ایجاد شده در ذهن خود هستند؛ این در حالی است که چنین افرادی کمترین علم و آگاهی را نسبت به متن عربی آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیه‌السلام دارند. به طور مثال در مبحث «سرّ تبیین سیره مشترک پیامبران در قرآن» در موارد بسیاری دیده می‌شود که آیات موردنظر مفسر محترم، ترجمه نشده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ه.ش، ج ۶، ص ۲۱). در مواردی نیز دیده می‌شود روایاتی را که در تبیین بحث به کار برده‌اند ترجمه نشده‌اند. به طور مثال در مبحث «قرآن در قرآن» آنجا که تفسیر قرآن به قرآن را بهترین و درست‌ترین روش تفسیری قرآن معرفی کرده‌اند؛ خطبه‌هایی از نهج‌البلاغه را بدون ترجمه ذکر می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ه.ش، ج ۱، ص ۱۴۵).

##### ۴-۲-۳-۲- عدم ارتباط بین مطالب و عناوین و فصل‌ها

یکی از آسیب‌های ساختاری که در برخی از مجلدات این مجموعه وجود دارد این است که گاهی دیده می‌شود بین عناوین و فصل‌هایی که در ذیل یک موضوع ارائه شده‌اند با مطلبی که طرح شده است ارتباط منطقی وجود ندارد. به طور مثال «در بخش هفتم تفسیر "سیره رسول اکرم (ص) در قرآن"، سیره احتجاجی رسول اکرم (ص) را تبیین نموده که شامل پنج فصل است؛ فصل اول: حکمت و جدال احسن در احتجاج، فصل دوم: احتجاج با ملحدان و فصل سوم: احتجاج با یهودیان و فصل چهارم:

احتجاج با مسیحیان است، اما فصل پنجم که به مبحث تجلی ولایت در نبوت و امامت می‌پردازد، به نظر می‌رسد که در سیره احتجاجی پیامبر (ص) نمی‌گنجد. همچنین «در تفسیر «مبادی اخلاق در قرآن»، عنوان بخش اول، «جهان‌بینی و اخلاق» است که فصل سوم آن به «کمال انسان از نظر دین» و فصل چهارم آن به «سعادت روح و بدن» پرداخته است، به نظر می‌رسد بهتر بود این دو فصل را ذیل بخش دوم کتاب یعنی «انسان و اخلاق» مطرح می‌کردند، زیرا دو فصل مزبور از نظر محتوایی با بخش دوم، همخوانی بیشتری دارند. از سوی دیگر فصل سوم بخش دوم، با عنوان «تأثیر و تأثر اخلاقی» که تأثیر اخلاق را در حوادث تکوینی، دینی و اخروی تبیین می‌کند با بخش اول تفسیر یعنی «جهان‌بینی و اخلاق» تناسب بیشتری دارد» (طالبی، ۱۳۹۰ ه.ش، ص ۶۷-۶۶).

#### ۴-۲-۳-۳-۲-۴ - عدم تعیین دامنه موضوعات

تفسیر موضوعی همانند هر علم دیگری در تبیین و تفسیر مسائل باید یک سری مراحل را طی کند. یکی از مراحل مهم تفسیر موضوعی مربوط به مرحله انتخاب موضوع و تعیین دامنه موضوعات است. آیت‌الله جوادی آملی برای تفسیر موضوعی شش گام و مرحله را در نظر گرفته‌اند که این مراحل در کتاب «زن در آینه جلال و جمال» مطرح شده‌اند. ایشان در این مراحل ارائه شده، جایگاهی برای انتخاب موضوعات در نظر نگرفته‌اند.

#### ۴-۲-۳-۲-۴ - کلی بودن موضوعات

در هر تحقیق و پژوهشی انتخاب موضوع و مسئله از اهمیت بسزایی برخوردار است که بهتر است موضوع از امور جزئی باشد که بتوان همه جوانب آن را به‌خوبی بررسی و تبیین کرد. در پرداختن به عناوین کلی علاوه بر اینکه ممکن است به برخی از مباحث در ذیل آن عنوان پرداخته نشود؛ سبب می‌شود که مباحث نیز به‌خوبی تبیین نشود.

یکی دیگر از آسیب‌هایی که به نظر می‌رسد این تفسیر با آن روبه‌رو است. کلی بودن موضوعات است که گرچه مفسر محترم در شرح و تفسیر هر یک از عناوین نهایت تلاش و کوشش خود را به کار برده‌اند اما عناوینی را که ایشان برگزیده‌اند از چنان گستردگی برخوردارند که توضیح و تفسیر آن‌ها در یک یا دو جلد کفایت نمی‌کند.

به طور مثال موضوع معاد و رستاخیز آن چنان گسترده است که جمع بندی همه جوانب آن در دو جلد کافی نبوده و برخی از مسائل مانند: اصناف و گروه‌ها که در سوره واقعه به آن‌ها پرداخته شده، توجه نشده است. یا اینکه در جلد ششم و هفتم مفسر محترم سیره پیامبران در قرآن کریم را بیان کرده‌اند؛ لذا باید سیره همه آنان و در تمام جوانب مورد بررسی قرار گیرد ولی دیده می‌شود که از بین یک صد و چهارده هزار پیامبر ایشان تنها سیره بیست و یک تن از آن‌ها را بیان کرده‌اند. این در حالی است که؛ به بیان خود ایشان همه جوانب سیره آن بزرگواران نیز بررسی نشده و تنها به سیره علمی آنان پرداخته شده است.

«مباحث «سیره پیامبران در قرآن» که در این جلد و جلد هفتم آمده، تنها عهده‌دار تبیین سیره علمی پیامبران و علوم و معارف آنان است و به سیره عملی پیامبران، جز در مواردی اندک اشاره نشده است» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ه.ش، ج ۶، ص ۱۷). این در حالی است که اگر ایشان سیره هر یک از انبیاء را در کتابی مستقل بررسی می‌کردند علاوه بر اینکه سیره همه آن بزرگواران مورد پژوهش و ارزیابی قرار می‌گرفت سیره آنان در تمام جوانب نیز بررسی می‌شد که در این صورت مخاطب به شناختی جامع و کامل از انبیاء الهی دست می‌یافت.

مثال دیگر در این زمینه بحث «جامعه در قرآن» است. جامعه یکی از مسائل زندگی بشر بوده که از گستردگی بسیار بالایی برخوردار است؛ به گونه‌ای که تمام جوانب زندگی او مانند جنبه فردی، اجتماعی، دنیوی و حتی اخروی او را در برمی‌گیرد.

مفسر محترم این موضوع را در یک جلد مورد بررسی و ارزیابی قرار داده‌اند و همین امر سبب شده است که ایشان برخی از عناوین فرعی موضوع را به صورتی کلی مطرح کرده و از کنار آن‌ها بگذرد درحالی که طرح آن مسائل به صورت مجزا بحث را روشن‌تر و ابهامات ایجاد شده در ذهن بشر را برطرف می‌کرد. یکی از این عناوین فرعی که در این جلد به آن پرداخته شده است؛ «مسائل اجتماعی در قرآن» است که ایشان تنها به ذکر موردی این مسائل به همراه یک توضیح کوتاه اکتفا کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ه.ش، ج ۱۷، ص ۲۵۳-۲۱۷).

## ۴-۲-۳-۵- کم توجهی به سیاق آیات

یکی از آسیب‌های جدی که همه مخالفان تفسیر موضوعی در بیان علت مخالفت شان با این شیوه تفسیری بیان می‌کنند؛ عدم توجه مفسر به سیاق آیات است که در این مجموعه نیز به چشم می‌خورد و مفسر محترم جز در موارد محدودی، توجهی به سیاق آیات نداشته‌اند که البته علت این امر را پرهیز از اطالۀ کلام بیان کرده‌اند ولی در هر صورت یکی از کاستی‌های این مجموعه محسوب می‌شود چراکه این تفسیر در پی بررسی همه‌جانبه موضوع است و باید همه جوانب آن سنجیده شود، گرچه بحث به درازا کشیده شود؛ از طرفی عدم توجه به سیاق آیات موجب عدم فهم صحیح کلام وحی خواهد شد و ممکن است بخش عمده‌ای از تعلیمات قرآنی در ذیل موضوع مورد بحث نادیده گرفته شود.

به طور مثال ایشان در تفسیر آیه ۴۰ سوره هود که در مورد عذاب نازل شده از جانب خداوند، بر قوم حضرت نوح علیه السلام است می‌فرماید: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ»

(تا آن زمان که فرمان ما فرارسید، و تنور جوشیدن گرفت؛ (به نوح) گفتیم: «از هر جفتی از حیوانات (از نر و ماده) یک زوج در آن (کشتی) حمل کن! همچنین خاندانت را (بر آن سوار کن).- مگر آن‌ها که قبلاً وعده هلاک آنان داده شده و همچنین مؤمنان را!» اما جز عده کمی همراه او ایمان نیاوردند!

مفسر محترم منظور از «فَارَ التَّنُّورُ» را این‌گونه بیان کرده‌اند.

«منظور از "فَارَ التَّنُّورُ" یا همان است که در متن تفسیر آمده، و یا مراد جوشش سراسر زمین است نه تنور معروف، یا مقصود از فوران تنور ظهور فجر و سپیده صبح است. چنان‌که در تفسیر جناب ابن عربی از لسان العرب نقل شده است. لیکن مناسب سیاق همان جوشش آب است» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ه.ش، ج ۶، ص ۲۸۰).

همان طور که دیده می‌شود تمام توضیح و تفسیری که ایشان از سیاق آیات در مورد جمله «فَارَ التَّنُّورُ» دارند این جمله است «لیکن مناسب سیاق همان جوشش آب است» و توضیح بیشتری راجع به سیاق در این آیه ارائه نداده‌اند.

**۴-۲-۳-۶- کم توجهی به شأن نزول**

شأن نزول از جمله قراین پیوسته غیر لفظی است که یکی از ابزارهای مفسران از جمله مفسر موضوعی در تفسیر آیات وحی به شمار می آید. کم توجهی یا عدم توجه به این مسئله یکی از آسیب های تفسیر موضوعی است که در تفسیر موضوعی آیت الله جوادی آملی به ندرت به آن توجه شده است. بیشتر شأن نزول هایی که ایشان در ذیل آیات مورد بررسی شان آورده اند از منابع شیعی مانند بحارالانوار، نور الثقلین و... بوده و گاهی نیز روایاتی از منابع اهل سنت مانند دُرالمشور سیوطی نقل می کند. در اینجا نیز علت کم توجهی به این مسئله را پرهیز از طولانی شدن بحث ذکر کرده اند.

**۴-۲-۳-۷- عدم تفسیر برخی از آیات منتخب**

یکی از مهم ترین گام های تفسیر موضوعی، برای دستیابی به دیدگاه جامع وحی، تفسیر آیات گزینش شده در ذیل یک موضوع و مسئله، با استفاده از تفسیر ترتیبی است. در تفسیر موضوعی آیت الله جوادی آملی در موارد زیادی دیده می شود که آیات بدون شرح و تفسیری کامل ارائه شده و فقط به ترجمه و توضیحی اجمالی درباره آیات اکتفا شده است و در مواردی نیز آیات به عنوان شاهد مثال و برای تأیید کلامشان طرح شده اند؛ در حالی که ترجمه و تفسیر هریک از آیات انتخاب شده در ذیل مسئله مورد بررسی، اگرچه به عنوان شاهد مثال باشد از اولویت های هر روش تفسیری از جمله تفسیر موضوعی است. به طور مثال ایشان در جلد سوم و در مباحث «منکران وحی و ریشه های انکار وحی» آیات مربوط به این مباحث را بدون شرح و تفسیر به کار برده است (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ه.ش، ج ۳، ص ۱۴۵-۱۳۵).

همچنین ایشان در بحث «جامعه در قرآن» آنجا که مسائل اجتماعی در قرآن را نام می برند فقط به توضیحاتی کوتاه و مختصر اکتفا کرده اند (همان، ج ۱۷، ص ۲۵۳-۲۱۷). همان طور که گفته شد ایشان در موارد زیادی از آیات جمع آوری شده تنها در تأیید کلامشان بهره برده اند. به طور مثال در جلد نهم این اثر در مبحث «تکریم پیامبر در قرآن و سنت»

ایشان آیاتی را که به تکریم پیامبر اکرم (ص) پرداخته‌اند گردآوری کرده بدون اینکه مفاد آنها را برای مخاطب تفسیر کرده باشند (همان، ج ۹، ص ۱۲۶-۱۲۵).

مثال دیگری در این باب مربوط به مبحث «بینش و عمل مشرکان در قرآن» است که مفسر محترم تنها به ذکر آیات بدون تفسیر آنها پرداخته است (همان، ج ۲، ص ۶۹۱).

## ۴-۳- بخش سوم: تفسیر معارف قرآن

### ۴-۳-۱- معرفی اجمالی اثر

تفسیر معارف قرآن، اثر آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی است. این اثر شامل مجموعه کتبی است که در آن آیات قرآن کریم در ده محور و بخش به صورت موضوعی دسته‌بندی شده‌اند. سه بخش اول این مجموعه شامل خداشناسی، کیهان‌شناسی و انسان‌شناسی به عربی و بخش اول آن یعنی خداشناسی به زبان انگلیسی و بخش انسان‌شناسی آن به اردو ترجمه شده است. سه بخش نخست به همراه بخش هفتم یعنی اخلاق در قرآن در یک مجموعه تحت عنوان «مشکات» نیز به چاپ رسیده است. موضوعات تفسیری در این اثر به شرح ذیل می‌باشند.

✓ خداشناسی: در این بخش که نخستین بخش از این مجموعه است به مباحثی چون دلیل عقلی بر وجود خدا در قرآن، خداشناسی فطری، مفهوم توحید، استدلال عقلی بر توحید، انواع توحید، کلیات افعال الهی، اصل علیت در قرآن، وسعت قدرت و مشیت الهی، رابطه قدرت و اراده، هدف افعال الهی، مراتب فعل الهی، اذن الهی، تقدیر و... پرداخته شده است.

✓ کیهان‌شناسی یا جهان‌شناسی: مباحث مورد بحث در این اثر شامل آیات کیهان‌شناسی، تعداد سماوات و ارض، زمان خلقت آسمان و زمین، کیفیت خلقت آسمان‌ها، پدیده‌های جهان، پدیده‌های ارضی، پدیده‌های زمینی، فرشتگان، جن و شیطان و کارهای آنها، تسخیر جن به وسیله انسان و... می‌باشد.

✓ انسان‌شناسی: در این بخش به مسائلی چون وجوه اهمیت انسان‌شناسی، کلمه انسان و مرادفات آن در قرآن، آفرینش انسان در قرآن، موارد استعمال کلمه روح در قرآن، منظور از خلیفه در آیه شریفه چیست؟ شبهه‌های جبری‌ها و پاسخ به آنها، قدرت اجتماعی انسان،

- گرایش‌های انسان، شناخت‌های لازم در تعیین راه زندگی، معاد، شیوه‌های قرآن در بررسی مسئله معاد، اثبات معاد و... پرداخته شده است.
- ✓ راه‌شناسی و راهنماشناسی: این دو بخش با یکدیگر در ارتباط بوده و شامل مباحثی در زمینه نبوت است و در بیست و شش درس به آن پرداخته شده است برخی از این مباحث عبارت‌اند از: نبی و رسول، امکان نبوت انسان، راه‌های شناخت پیامبران، ضرورت نبوت، معجزات و کرامات پیامبر اسلام (ص)، شبهات قرآن درباره عصمت پیامبران و پاسخ به آن‌ها، تفاوت مراتب پیامبران، شرایع الهی و...
- ✓ قرآن‌شناسی: مباحث در این بخش از تفسیر، شامل عناوین و اوصاف قرآن کریم، نزول قرآن، نازل‌کننده و دریافت‌کننده قرآن، مقصود از عربی بودن قرآن، آیات بیانگر دلایل عقلی و نقلی قرآن کریم، مصونیت قرآن از تحریف، شواهد و دلایل تاریخی، عقلی و روایی مصونیت قرآن از تحریف و... می‌شود.
- ✓ اخلاق یا انسان‌سازی قرآن: مبحث اخلاق در قرآن در این مجموعه شامل چهاربخش بوده که در سه جلد تدوین شده است. بخش اول شامل مفاهیم و کلیات اخلاق است که به بررسی مواردی چون اصول موضوعه در علم اخلاق، ویژگی‌های مفاهیم اخلاقی، مفاهیم عام اخلاقی در قرآن، تفاوت نظام اخلاقی اسلام با دیگر نظام‌های اخلاقی و... می‌پردازد.
- ✓ برنامه‌های عبادی قرآن: بخش دوم از مبحث اخلاق به برنامه‌های عبادی قرآن کریم می‌پردازد. رابطه انسان با خدا، ارزش معرفت خداوند و راه‌های رسیدن به این معرفت، موانع نیل به معرفت الهی، آثار روانی و رفتاری معرفت و شناخت خداوند؛ از جمله مباحثی است که در ذیل این موضوع به آن پرداخته شده است.
- ✓ احکام فردی قرآن: بخش سوم از بحث اخلاق که در جلد دوم به آن پرداخته شده است شامل مباحثی چون رابطه انسان با خودش، انگیزه‌های اصلی نفس انسان، آثار توجه به نفس، فطرت و درک حقیقت، قرآن و فطرت حقیقت‌جویی، آفات و موانع حقیقت‌جویی، میل به بقا و جاودانگی، قرآن و لذت‌طلبی، دیدگاه قرآن درباره التذاذ و... می‌باشد.
- ✓ احکام اجتماعی قرآن: بخش چهارم مبحث اخلاق شامل اخلاق اجتماعی است که در آن به مباحثی چون ملاک‌های کلی در اخلاق اجتماعی، خانواده، جامعه، عدالت و ظلم، اصلاح و

افساد، وفای به عهد و ادای امانت، حقوق و مصالح اعضای جامعه، آداب معاشرت، ارزش‌ها و اخلاق اسلامی در مورد اموال، ارزش‌های اخلاقی در گفت‌و شنود، اخلاق اسلامی در برابر با اخلاق غیراسلامی و اخلاق بین‌المللی پرداخته شده است.

#### ۴-۳-۲- روش‌شناسی تفسیر

روش آیت‌الله مصباح یزدی در تفسیر موضوعی آیات قرآن کریم این‌گونه است که موضوعات را به صورت منظم و در یک چارچوب خاص بیان می‌کند؛ به گونه‌ای که یک ساختار منظم در ذهن مخاطب شکل بگیرد. ایشان معتقدند. «همهٔ مکتب‌های منحرف، کوشیده‌اند به افکار و اندیشه‌های خود شکل و نظامی بدهند، یعنی برای مطالب شان ریشه‌ای معرفی کنند و با ارتباط و پیوند با سلسله مسائلی منسجم، یک کل منظم و هماهنگ به وجود آورند، ما که در جهت صحیح هستیم، در مقابل آن‌ها عیناً باید همین کار را بکنیم. یعنی معارف قرآن را به صورت سیستماتیک و منظم عرضه کنیم. به صورتی که پژوهشگر بتواند از یک نقطه شروع کند و زنجیروار حلقه‌های معارف اسلامی را به هم ربط بدهد و در نهایت به آنچه هدف قرآن و اسلام است، نائل شود» (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ ه.ش، ج ۱، ص ۱۹-۱۸).

دسته‌بندی موضوعات در تفسیر معارف قرآن به این صورت است که آموزه‌های قرآنی در یک چارچوب مشخص با محوریت «الله» دسته‌بندی شده‌اند به گونه‌ای که مرحله اول زمینه‌ساز مرحله بعد و مرحله بعد دنباله‌رو و تکمیل‌کننده مرحله قبلی است.

آیت‌الله مصباح در این زمینه می‌فرماید: «طرح دیگر آنکه: محور را «الله» بدانیم و تقسیمات را نه در عرض هم بلکه در طول یکدیگر انجام دهیم. یعنی معارف قرآن را مثل یک رودخانه جاری و آبخاری که از منبع فیض الهی سرازیر است و به هر بخشی و مرحله‌ای که می‌رسد، آنجا را سیراب می‌کند، در نظر بگیریم:

«أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا...» (رعد/۱۷)

(خداوند از آسمان آبی فرستاد؛ و از هر درّه و رودخانه‌ای به اندازه آن‌ها سیلابی جاری

شد ...).



باید معارف قرآن را مثل یک چشمه جاری ببینیم که از مرحله‌ای می‌گذرد و وارد مرحله‌ای دیگری می‌شود که این مراحل، تقسیماتشان طولی است. اول نقطه معینی دارد که از آنجا شروع می‌شود و از آنجا که لبریز شد به مرحله دوم فیضان می‌کند و مرحله دوم فرعی از مرحله اول است؛ نه اینکه در کنار آن و قسیم آن باشد. گرچه تقسیمات طولی کم‌کم به جایی می‌رسد که پخش می‌شود و شاخه‌هایی هم پیدا می‌کند؛ اما اساس بر این است که معارف قرآنی را برحسب مراتب طولی در نظر بگیریم» (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ ه.ش، ج ۱، ص ۲۳-۲۲).

مفسر در این مجموعه در ذیل هر موضوع آیات قرآنی را استخراج کرده و به شیوه استدلالی مورد بررسی و تفسیر قرار می‌دهد و در هر بحثی که وارد می‌شوند در صورت لزوم توضیحاتی را به صورت اجمالی برای روشن شدن موضوع بیان می‌کنند و اگر موضوع نیازمند توضیحات بیشتر باشد در پاورقی به صورت مبسوط به آن می‌پردازد.

«آیت‌الله مصباح در بیان مباحث، تبیین‌ها و دلایل قرآنی را از سایر مباحث متمایز و مدعیات قرآنی را دقیقاً به آیات مستند می‌کند. ایشان همچنین در هر رویکرد از روش‌ها و دلایل و مستندات متناسب و معتبر همان رویکرد استفاده کرده‌اند؛ و از روشی که قرآن کریم در فهم آیاتش ارائه می‌دهد (ارجاع متشابهات به محکومات) بهره گرفته، داده‌های قطعی و مسلم را تکیه‌گاه قرار داده و موارد غیرقطعی را بر اساس آن تبیین کرده است. مفسر در این تفسیر نسبت به دیدگاه‌ها، دلیل‌ها و مستندات، رویکردی انتقادی به معنای صحیح کلمه دارند و در عین احترام نهادن به آرای صاحب‌نظران، بیان نقاط قوت و ضعف دلایل و دیدگاه‌ها را با روش متین علمی پی می‌گیرد» (رجبی، ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۲۹-۲۸).

#### ۴-۳-۳- آسیب‌شناسی تفسیر

#### ۴-۳-۳-۱- کلی بودن موضوعات

گرچه مفسر محترم در صدد بیان مسائل زندگی بشر به صورت یک دسته‌بندی منسجم و نظام‌مند در این تفسیر است؛ اما کلی بودن موضوعات سبب شده است که برخی از ریز موضوعات در ذیل عناوین اصلی یا اصلاً مطرح نشود یا اینکه به صورت خیلی اجمالی و سر بسته به آن‌ها پرداخته شود. به طور مثل بحث خداشناسی یک بحث بسیار گسترده و دامنه‌دار است

که به راحتی قابل جمع بندی نیست؛ لذا برخی از مباحث مانند معرفی و شناخت اوصاف خداوند که یکی از راه های شناخت اوست در آن تبیین نشده است. یا در بحث راهنما شناسی امامت خاصه مورد بررسی قرار نگرفته است. در کتاب جهان شناسی مسئله اصناف فرشتگان بررسی و بحث نشده است. همچنین استاد مصباح هیچ اشاره ای به چرایی و فلسفه آفرینش جن و شیطان، به نحوه ی زندگی جنیان، تکالیف جنیان در مقابل ذات پروردگار، ازدواج آنها با انسانها، شمایل جنیان، رابطه جن با میکروب، مکان جنیان نکرده اند. یکی دیگر از مسائلی که در تفسیر ایشان به علت کلی بودن موضوعات به درستی تفسیر و تبیین نشده است؛ مسئله معاد است که در تفسیر ایشان در ذیل موضوع انسان شناسی مورد بررسی قرار گرفته است. گر چه این مسئله با بحث انسان شناسی مرتبط است؛ اما بحث معاد یکی از اصلی ترین مباحث زندگی بشر بوده و از گستردگی بسیار بالایی برخوردار است؛ لذا به طور دقیق مورد کاوش قرار نگرفته است. از این رو می بایست به طور جداگانه مورد بررسی و تفسیر قرار گیرد. ایشان می توانستند بعد از بحث انسان شناسی در یک مجلد جداگانه بحث معاد را مورد بررسی قرار دهند.

#### ۴-۳-۲- خلط برخی مباحث با یکدیگر

در این تفسیر گاهی دیده می شود برخی از مباحثی که باید در ذیل یک موضوع مطرح شود در ذیل عناوین دیگر مورد بررسی قرار گرفته اند. به طور مثال در بحث اخلاق، برخی از مفاهیم اخلاقی مانند نیت، عوامل کلی سقوط اخلاقی مثل دنیا، شیطان و نفس، چگونگی تحصیل ارزش های اخلاقی، ملاک ارزش اخلاقی در اسلام و... که می بایست در ذیل مفاهیم اخلاقی مورد بررسی قرار گیرند در بخش نخست یعنی خداشناسی مورد بررسی قرار گرفته اند. همچنین در بحث «رابطه انسان با خدا» برخی از مباحث مانند: معرفت خدا چیست؟ ارزش خداشناسی، رابطه خداشناسی با ایمان، راه خداشناسی، انگیزه های خداشناسی مطرح شده است که بهتر بود در مبحث خداشناسی به آنها پرداخته می شد.

#### ۴-۳-۳- عدم ترجمه برخی آیات

بسیاری از آیات، چه آیات منتخب و اصلی و چه آیات فرعی که در ذیل موضوعات مورد بررسی، جمع آوری شده اند در این تفسیر، ترجمه نشده اند. به طور مثال در بحث «مفهوم

توحید» در بخش خداشناسی بسیاری از آیات بدون ترجمه آورده شده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ ه.ش، ج ۱، ص ۶۴-۵۶)؛ که باتوجه به توضیحات خود استاد در مقدمه کتاب مبنی بر اینکه مخاطب این تفسیر افرادی با کمترین تخصص در مباحث تفسیری هستند؛ آنجا که می فرمایند:

«وظیفه ماست از موازینی که علماء و مفسران بزرگوار به دست ما سپرده‌اند بهره‌گیری و با تدبیر بیشتر سعی کنیم که مفاهیم روشنی از قرآن به دست آوریم و به جامعه عرضه کنیم تا دین خود را به اسلام و قرآن ادا کرده باشیم. از سوی دیگر، اگرچه فهمیدن معانی و تفسیر قرآن به سادگی میسر نیست، اما اگر به کسی که می‌خواهد قرآن را بفهمد بگوییم که باید ۳۰ سال کار کند و درس بخواند تا قرآن را بفهمد؛ او را از فراگیری معنای قرآن مأیوس کرده‌ایم و نتیجه آن، افکندن او در دامن منحرفان است. درست است که فهمیدن قرآن، احتیاج به زحمات‌های ویژه و تخصص‌هایی دارد، ولی سرانجام این زحمات را باید عده‌ای بکشند و حاصلش را در اختیار دیگران قرار دهند تا استفاده کنند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ ه.ش، ج ۱، ص ۱۸). لذا بهتر بود که ترجمه همه آیات آورده می‌شد؛ چنین امری در جای‌های مختلف این اثر به چشم می‌خورد به طور مثال در بخش انسان‌شناسی ص ۳۱۷-۳۱۸ برخی از آیات ترجمه نشده‌اند. همچنین آیات ص ۳۵۶، ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۶، ۳۶۷ از همین مجلد همچنین در بحث اخلاق در قرآن صفحات ۴۰-۳۴ باز با چنین موردی روبه‌رو هستیم.

#### ۴-۳-۳-۴- عدم ارجاع برخی مطالب به منبعی خاص

مفسر محترم در مباحث متعددی از مفسران مختلف نقل قول کرده‌اند اما به هیچ منبعی ارجاع نداده‌اند. به طور مثال در تفسیر کیهان‌شناسی در بحث «شب و روز» نقل‌هایی دارند که مشخص نیست از چه منبع و از چه مفسری نقل کرده‌اند.

«برخی می‌گویند: منظور، اختلاف ساعات شب و روز است که گاهی طولانی و گاه کوتاه می‌شود و اشاره دارد به اینکه خداوند زمین را چنان آفریده که با حرکت آن، ساعات شب و روز تغییر می‌یابد و دارای حکمت‌هایی است. بعضی دیگر می‌گویند: اختلاف در این آیه، به معنای جانشین شدن و پیاپی آمدن است و ظاهراً این معنا با ریشه لغت (= خلف) و نیز با بعضی آیات دیگر مناسب‌تر است. از چیزهایی که احتمال اول را ضعیف و بعید می‌کند، این است که

اختلاف ساعات شب و روز در همه جای زمین وجود ندارد؛ در برخی جاها مانند مناطق استوایی، ساعات مساوی است ولی پیاپی آمدن شب و روز همه جا وجود دارد، به علاوه آیات دیگر نیز این معنای جانشینی شب و روز و پیاپی آمدن را تأیید می‌کند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ ه.ش، ج ۲، ص ۲۵۶).

همچنین ایشان در ذیل مبحث «شیوه‌های قرآن در بررسی مسئله معاد» و در تفسیر آیه ۲۵۹ سوره بقره از علامه طباطبایی بسیار نقل کرده‌اند اما به آثار ایشان ارجاع نداده‌اند. ایشان همچنین به نقل از محمد رشید رضا می‌نویسند:

«در المنار می‌گوید بنی اسرائیل راهی برای کشف رازها (مثل دروغ سنج امروز) داشته‌اند، چه بسا دم گاو را به بدن مقتول می‌زده‌اند و قاتل دچار اضطراب می‌شده است، و چیزی هم از تورات نقل می‌کند که چنین چیزی بین بنی اسرائیل متداول بوده است» (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ ه.ش، ج ۳، ص ۴۵۷-۴۵۸). در حالی که به اثر ایشان ارجاع نمی‌دهند.

#### ۴-۳-۳-۵- بیان روایات بدون ذکر منبع و سند

در این تفسیر مفسر محترم در تبیین مباحث، روایاتی را بدون سند نقل می‌کند و در پایان نیز منبع روایت را ذکر نمی‌کنند. به طور مثال در کتاب انسان‌شناسی و در بحث «شناخت» چنین بیان کرده‌اند:

«روایتی می‌گوید: پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله به امام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام اشاره کرده و فرموده‌اند اگر ترس از این مطلب وجود نداشت که درباره او همان چیزی را بگویید که نصاری درباره حضرت مسیح علیه‌السلام گفته‌اند؛ مقامات او را برایتان شرح می‌دادم. چنان که برخی، سرانجام قائل به خدایی امام علیه‌السلام (العیاذ بالله) شدند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ ه.ش، ج ۳، ص ۴۰۱).

#### ۴-۳-۳-۶- اکتفا کردن به آدرس یا ترجمه آیات

در برخی از مباحث دیده می‌شود که نویسندگان متن عربی آیات را بیان نکرده و فقط به آوردن آدرس و یا ترجمه آیات اکتفا کرده‌اند. در حالی که هدف نگارش این اثر کشف دیدگاه وحی در ذیل یک موضوع و مسئله، و بهره‌مندی از آیات قرآن کریم است؛ لذا می‌بایست متن

آیات مستقیماً مورد کاوش و بررسی قرار گیرند. به طور مثال در بحث «نقد جامعه گرایی از نظرگاه قرآن» ایشان در بخشی تنها ترجمه آیات قرآنی را که در آنها خداوند اعمال نسل‌های گذشته بنی اسرائیل را به یهودیان معاصر پیامبر اسلام (ص) نسبت داده‌اند؛ آورده و از ذکر متن آیات خودداری کرده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰ ه.ش، ج ۸، ص ۱۱۴-۱۱۳).

یا اینکه در همین جلد در مبحث جامعه و تاریخ مفسر محترم در رابطه با علت «سیر فی الأرض» نکردن مردم و عبرت گرفتن از سرانجام جوامع گذشته تنها به آوردن آدرس آیات اکتفا کرده‌اند (همان، ص ۱۶۸-۱۶۹).

#### ۴-۳-۳-۷- تحمیل رأی بر قرآن

یکی دیگر از آسیب‌هایی که در این مجموعه به چشم می‌خورد این است که مفسر محترم در برخی مباحث موضوع را از جوانب گوناگون بررسی می‌کند و در نهایت آیات قرآن کریم را به‌عنوان شاهد مثال و یا به‌عنوان تأییدی بر دیدگاه خود می‌آورند؛ درحالی‌که هدف از تفسیر موضوعی پاسخ‌دادن به پرسش ایجاد شده در ذهن بشر با بهره‌مندی از آیات وحی است به این معنی که باید پاسخ سؤال را در آیات قرآن کریم جستجو کرد. نه اینکه آیات قرآن کریم را مؤیدی برای نظرات خود و دیگران بیاوریم.

به طور مثال ایشان در بحث از «عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تحول شخصیت» در تبیین این عوامل ابتدا به بازگویی این عوامل در آراء و عقاید روان‌شناسان می‌پردازد. پس از آن به بیان نظریات خود در این زمینه پرداخته، می‌فرماید: «همه مطالبی که تاکنون آوردیم، بازگویی آراء و عقاید روان‌شناسان، و تا حدی روان‌شناسان اجتماعی و فلاسفه، بود. اینک می‌خواهیم پاره‌ای از نظریات خود را در این زمینه که گاه انتقادی و گاه تکمیلی است، ذکر کنیم» (مصباح یزدی، ۱۳۹۰ ه.ش، ج ۸، ص ۲۰۵).

سپس آیات قرآن کریم را به‌عنوان شاهد مثال در تأیید نظریات خود مطرح کرده و در این باره بیان می‌کنند. «شواهد نقلی و دینی فراوان داریم بر تأثیر و دخالت محیط داخلی، یعنی رحم مادر، و محیط طبیعی و جغرافیایی که نوع تغذیه انسان را نیز شامل می‌شود. خصوصاً درباره نوع تغذیه انسان، آنچه در باب انتخاب دایه یا استحباب خوردن خرما برای مادر شیرده که بچه

را حلیم و بردبار می‌سازد، آمده است، بر اهمیت این عامل دلالت دارد. در (مریم، ۲۵) خطاب به حضرت مریم که تازه از وضع حمل فارغ شده بود می‌فرماید:

«وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا»

(و این تنه نخل را به طرف خود تکان ده، رطب تازه‌ای بر تو فرومی‌ریزد!)

که حکمتش احتمالاً این است که خرما خوردن زن شیرده، در شخصیت کودک شیرخوار، اثری مطلوب دارد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۰ ه.ش، ج ۸، ص ۲۰۶).

در ادامه نیز بیان می‌کنند که «تأثیر عامل گذشت زمان (سن) نیز فی الجمله مورد قبول ماست. در قرآن کریم بر این مطلب شواهدی هست. در آیه ۶۸ سوره یس آمده است:

«وَمَنْ نَعْمَرُهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَ فَلَآ يَعْقِلُونَ»

(هر کس را طول عمر دهیم، در آفرینش واژگونه‌اش می‌کنیم (و به ناتوانی کودکی بازمی‌گردانیم)؛ آیا اندیشه نمی‌کنند؟!)

و مراد این است که خدای متعالی، انسانی را که عمر دراز می‌یابد و پیر و سال‌خورده می‌شود، پس از آنکه در پاره‌ای از زمینه‌های زیستی و روانی کمال یافته است، به همان نقص‌های سابقش بازمی‌گرداند: سال‌خوردگان گاهی چنان راه نقص و کاستی در پیش می‌گیرند که از لحاظ ناتوانی‌های بدنی و ضعف‌های روحی، حالی شبیه به حال کودکان پیدا می‌کنند. این آیه شریفه، مؤیدی تواند بود برای این نظریه روان‌شناسان که صفت اصلی مرحله پیری و سال‌خوردگی را ظهور تدریجی عیب و نقص در فعالیت‌های روانی می‌دانند که ابتدا به واسطه خستگی فراوان و بعداً به واسطه بدی کیفیت کار انجام یافته، نمودار می‌شود» (همان، ص ۲۰۷).

## ۴-۴ - جمع‌بندی فصل

در این فصل سه مورد از تفاسیر موضوعی معاصر شامل تفسیر منشور جاوید آیت‌الله جعفر سبحانی، تفسیر موضوعی آیت‌الله جوادی آملی و همچنین تفسیر معارف قرآن مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی معرفی، تبیین و آسیب‌شناسی شده‌اند.

تفسیر منشور جاوید تألیف عالم گرانقدر آیت‌الله جعفر سبحانی بوده و نخستین تفسیر موضوعی به زبان فارسی است. این کتاب تحت همین عنوان در سال‌های مختلف توسط ناشران

متفاوت منتشر شده است. از جمله این ناشران می‌توان به ناشر چاپی، دارالقرآن الکریم و ناشر دیجیتال، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان اشاره کرد. این اثر تاکنون در چهارده مجلد به چاپ رسیده است. استاد در بیان مباحث تفسیری سه مرحله عمده شامل جمع‌آوری آیات، دسته‌بندی آن‌ها و نتیجه‌گیری بیان و اجرا می‌کند محور مباحث در این تفسیر موضوعات اعتقادی و از درون قرآن کریم است جز دو موضوع جامعه و تاریخ در قرآن که در جلد سیزدهم به آن‌ها پرداخته شده است. رویکرد و گرایش مفسر در این تفسیر، کلامی بوده؛ و اندیشه‌های کلامی او در این تفسیر نمایان است. برخی از آسیب‌هایی که بر این تفسیر وارد است عبارت‌اند از: عدم داشتن شیوه یکسان در ارجاع‌دهی‌ها، بیان مطالب بدون ذکر منبع، ترجمه ناقص یا جابه‌جا برخی از آیات، عدم ارتباط بین موضوعات طرح شده، طرح عنوان ریز موضوعات از علوم دیگر یا ذهنیت مفسر، عدم ارائه تصویری روشن از تفسیر موضوعی، نداشتن عمل تفسیری یکسان، پیش‌داوری در تفسیر، پرداختن بیش از حد به علوم دیگر در ذیل یک عنوان، عدم تفسیر برخی از آیات.

تفسیر موضوعی اثر عالم بزرگوار آیت‌الله عبدالله جوادی آملی است؛ که در حقیقت درس‌های تفسیر موضوعی ایشان در زمینه‌های مختلف بوده که توسط شاگردان ایشان به رشته تحریر درآمده است. این مجموعه در دو نوبت به چاپ رسیده که چاپ نخست آن توسط مرکز نشر رجاء در سال ۱۳۷۲ و چاپ دوم، توسط مرکز نشر اسراء در سال ۱۳۸۸ در هجده جلد منتشر شده است. استاد برای تفسیر موضوعی شش مرحله عمده شامل گزینش و استخراج آیات مرتبط با موضوع، جمع‌بندی آیات، جمع‌آوری روایات مرتبط با موضوع، جمع‌بندی روایات، ارائه اصل جامع از آیات و روایات گردآوری شده، جمع‌بندی نهایی بین نتایج به‌دست‌آمده از آیات و روایات را بیان می‌کند. انتخاب موضوعات در این تفسیر به‌صورت عناوینی کلی و عمدتاً به‌صورت درون‌متنی و برگرفته از نص قرآن کریم است. رویکرد مفسر در این تفسیر بیشتر عرفانی است اما با مطالعه این مجموعه، گرایش‌ها و صبغه‌های گوناگونی چون فلسفی، کلامی، عرفانی و گاهی نیز اجتماعی در این تفسیر به چشم می‌خورد. برخی از آسیب‌های وارد بر این تفسیر عبارت‌اند از: عدم ترجمه برخی آیات و روایات، عدم ارتباط بین مطالب و عناوین و

فصل‌ها، عدم تعیین دامنه موضوعات، کلی بودن موضوعات، کم توجهی به سیاق آیات، کم توجهی به شأن نزول، عدم تفسیر برخی از آیات منتخب.

تفسیر معارف قرآن تألیف عالم گرانقدر مرحوم آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی است. این اثر شامل مجموعه کتبی است که در آن آیات قرآن کریم در ده محور و بخش به صورت موضوعی دسته‌بندی شده‌اند. سه بخش اول این مجموعه شامل خداشناسی، کیهان‌شناسی و انسان‌شناسی به عربی و بخش اول آن یعنی خداشناسی به زبان انگلیسی و بخش انسان‌شناسی آن به اردو ترجمه شده است. سه بخش نخست به همراه بخش هفتم یعنی اخلاق در قرآن در یک مجموعه تحت عنوان «مشکات» نیز به چاپ رسیده است. روش استاد در این تفسیر این گونه است که موضوعات را به صورت منظم و در یک چارچوب خاص بیان می‌کند؛ به گونه‌ای که یک ساختار منظم در ذهن مخاطب شکل بگیرد. آموزه‌های قرآنی در یک چارچوب مشخص با محوریت «الله» دسته‌بندی شده‌اند به گونه‌ای که مرحله اول زمینه‌ساز مرحله بعد و مرحله بعد دنباله‌رو و تکمیل‌کننده مرحله قبلی است. برخی از آسیب‌های این اثر عبارت‌اند از: کلی بودن موضوعات، خلط برخی مباحث با یکدیگر، عدم ترجمه برخی آیات، عدم ارجاع برخی مطالب به منبعی خاص، بیان روایات بدون ذکر منبع و سند، اکتفا کردن به آدرس یا ترجمه آیات، تحمیل رأی بر قرآن.



## فصل پنجم

### نتیجه گیری و پیشنهادات

## ۵-۱- نتیجه گیری

۱- تفسیر موضوعی یکی از اسلوب‌های نگارش تفسیر در کنار تفسیر ترتیبی است. تفسیر موضوعی عبارت است از گردآوری روشمند آیات از سراسر قرآن کریم در ذیل یک موضوع و بررسی روایات معتبر و همچنین دیدگاه‌های ارائه شده توسط مفسران و عالمان در علوم مختلف در زمینه موضوع مورد بحث، همچنین تبیین آیات وحی با استفاده از تفسیر ترتیبی آن‌ها و در نهایت کشف دیدگاه و نظریه قرآن کریم در مورد مسئله مطرح شده است. خواه آن موضوع برگرفته از موضوعات مطرح در قرآن باشد خواه از دل نیازها و پرسش‌های ایجاد شده در ذهن بشر.

۲- پیشینه تفسیر موضوعی، در دو مرحله تکوین و پیدایش که ریشه‌های آن در قرآن، کلام معصومین علیهم السلام و همچنین در بین مفسرین در گذشته وجود داشته است؛ و مرحله تجدد و شکوفایی که با تألیف کتاب‌هایی چون بحارالانوار مجلسی در قرن چهاردهم به نقطه اوج خود رسید و در دوران معاصر با نگارش تفاسیری چون منشور جاوید، پیام قرآن، تفسیر موضوعی، معارف قرآن و... رونق یافت.

۳- برخی از شرایط تفسیر موضوعی که به مفسر آن برمی‌گردد؛ شامل شرایط عام که عبارت‌اند از: پاکی روح و آمادگی و شوق معنوی برای درک معارف وحی، آگاهی از قواعد دستوری و مبانی لغوی و ظرایف ادبی و بیانی زبان عرب، آشنایی با تاریخ اسلام و اسباب نزول، آشنایی با تفسیر و آرای مفسران و... همچنین شرایط خاص که شامل نگاه سیستمی به مفاهیم قرآن، موضوع‌شناسی علمی، دخالت ندادن ذهنیات، بهره‌گیری صحیح از روایات اهل بیت علیهم السلام در تفسیر موضوعی می‌شود.

- ۴- تفسیر موضوعی با تفسیر ترتیبی، تفسیر اجتهادی، تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر علمی از لحاظ روش، چگونگی بهره‌مندی از یکدیگر و... با یکدیگر مرتبط‌اند.
- ۵- برخی از امتیازات تفسیر موضوعی عبارت‌اند از: والایی در هدف، ژرف‌نگری، نقش اثباتی، رفع اختلاف و حل تعارض ظاهری آیات، پاسخگویی به نیازهای عصر حاضر، حل اختلافات بین عقاید اسلامی.
- ۶- تفسیر موضوعی همچون هر علم دیگری طرف‌داران و مخالفانی دارد که هریک از آنان در بیان موافقت و مخالفت خود دلایلی، اعم از عقلی و نقلی دارند که دلایل نقلی شامل آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام می‌شود.
- ۷- در شکل‌گیری و گسترش شیوه تفسیر موضوعی، در گذشته و به‌ویژه در دوران معاصر عوامل و زمینه‌های درون دینی و برون دینی زیادی دخالت داشته‌اند.
- ۱-۷- برخی از زمینه‌های توجه و گسترش این تفسیر که به حوزه دین مربوط می‌شود عبارت‌اند از: احساس هویت اسلامی، نگرش تخصصی به موضوعات قرآنی، سبک قرآن در بیان معارف الهی، توجه به بُعد هدایتی و تربیتی قرآن کریم، پیدایش گرایش‌های انحرافی در تفسیر، دانشکده‌های قرآنی در مجموعه حوزه‌های دینی و پیدایش و گسترش شباهت.
- ۲-۷- برخی از خاستگاه‌های توجه به رویکرد تفسیر موضوعی که مربوط به فضای خارج از دین است شامل گسترش و پیشرفت امکانات تحقیق و اطلاع‌رسانی، رشد علوم بشری و تخصصی شدن آن‌ها، پیشرفت علم و نظریه خواهی از علوم، پیدایش مکاتب گوناگون، مشاهده انحطاط جوامع اسلامی و رشد تمدنی غرب، تلاش برای اسلامی‌سازی علوم، مستشرقان و خدشه‌دار کردن تعلیمات اسلامی، تهاجم فرهنگی در عرصه‌های مختلف و پاسخگویی به نیازهای فرد و جامعه می‌شود.
- ۸- تفسیر موضوعی قرآن کریم از روش خاص و ویژه‌ای برخوردار نیست بلکه پیرو سبک و شیوه مفسران در این حوزه است. روش مفسران در این شیوه تفسیری با یکدیگر متفاوت است. این نوع تفاوت به عواملی مانند نوع موضوع انتخابی، دامنه و شیوه جمع‌آوری آیات بستگی دارد. اما به‌طور کلی می‌توان روش تفسیر موضوعی را از دو جهت بررسی کرد.

- ۱- از جهت نوع و شیوه انتخاب موضوع که به تفسیر موضوعی درون قرآنی و برون قرآنی تقسیم می شود.
- ۲- از جهت دامنه جستجوی آیات که به تفسیر موضوعی سوره‌ای، واژگانی و تفسیر موضوعی کل نگر تقسیم می شود.
- ۹- مراحل تفسیر موضوعی نیز همانند روش آن در تفاسیر موضوعی موجود و برای مفسران آن‌ها یکسان نبوده و هریک از این عالمان مراحل خاصی را برای بیان و کشف نظریه قرآنی ارائه کرده‌اند. در یک جمع‌بندی و با توجه به بررسی مراحل ارائه شده توسط مفسرین این حوزه می توان تقسیم‌بندی تازه‌ای برای مراحل این شیوه تفسیری در شش محور ارائه داد که عبارت‌اند از:
- ۱- انتخاب موضوع ۲- جمع‌آوری آیات ۳- ترجمه، تفسیر و تبیین آیات منتخب ۴- جمع‌آوری روایات ۵- جمع‌آوری و ارائه دیدگاه‌ها از سایر علوم ۶- ارائه نظریه قرآنی
- ۱۰- آسیب‌های تفسیر موضوعی را می توان در دو محور شامل آسیب‌های قواعد تفسیر و همچنین آسیب‌های روش‌شناختی مورد بررسی قرارداد.
- ۱۰-۱- آسیب‌های که ممکن است در پی عدم رعایت قواعد تفسیر در این حوزه وارد شود شامل کم‌توجهی یا عدم توجه به سیاق، عدم توجه به قاعده جری و تطبیق، عدم توجه به برخی ویژگی‌های قرآن، افراط یا تفریط در بهره‌مندی از علوم، عدم توجه به ظاهر و باطن آیات، مخالفت تفسیر با مطالب قطعی عقلی، مخالفت تفسیر با علوم تجربی قطعی، عدم رعایت روش صحیح تفسیر، عدم تخصص در تفسیر، پیش‌داوری و تحمیل نظر بر قرآن
- ۱۰-۲- آسیب‌های روش‌شناختی تفسیر نیز عبارت‌اند از انتخاب موضوعات کلی، ناتوانی در بررسی همه موضوعات، عدم توجه به دامنه نظریه‌پردازی قرآن در انتخاب موضوعات، اکتفا به کتاب‌های معجم قرآن در گردآوری آیات، عدم دقت در استخراج آیات، عدم مراجعه به تفسیر ترتیبی آیات، عدم توجه به ترتیب نزول در تفسیر آیات، عدم بهره‌مندی از روایات، افراط یا تفریط در بهره‌مندی از آراء و دیدگاه‌ها، عدم دقت یا شتاب در جمع‌بندی آیات و نظریه‌پردازی، نظریه‌پردازی قرآنی با الگوگیری از غرب

۱۱- تفسیر منشور جاوید تألیف عالم گرانقدر آیت‌الله جعفر سبحانی بوده و نخستین تفسیر موضوعی به زبان فارسی است. این اثر تاکنون در چهارده مجلد به چاپ رسیده است. استاد در بیان مباحث تفسیری سه مرحله عمده بیان و اجرا می‌کند. محور مباحث در این تفسیر موضوعات اعتقادی و از درون قرآن کریم است. رویکرد و گرایش مفسر در این تفسیر، کلامی است.

۱۲- برخی از آسیب‌هایی که بر این تفسیر وارد است عبارت‌اند از: عدم داشتن شیوه یکسان در ارجاع‌دهی‌ها، بیان مطالب بدون ذکر منبع، ترجمه ناقص یا جابه‌جا برخی از آیات، عدم ارتباط بین موضوعات طرح شده، طرح عنوان ریز موضوعات از علوم دیگر یا ذهنیت مفسر، عدم ارائه تصویری روشن از تفسیر موضوعی، نداشتن عمل تفسیری یکسان، پیش‌داوری در تفسیر، پرداختن بیش از حد به علوم دیگر در ذیل یک عنوان، عدم تفسیر برخی از آیات.

۱۳- تفسیر موضوعی اثر عالم بزرگوار آیت‌الله عبدالله جوادی آملی است که در هجده جلد منتشر شده است. استاد برای تفسیر موضوعی شش مرحله عمده را بیان می‌کند. انتخاب موضوعات در این تفسیر به صورت عناوینی کلی و عمدتاً به صورت درون‌متنی و برگرفته از نص قرآن کریم است. رویکرد مفسر در این تفسیر بیشتر عرفانی است اما گرایش‌ها و صبغه‌های گوناگونی چون فلسفی، کلامی، عرفانی و گاهی نیز اجتماعی در این تفسیر به چشم می‌خورد.

۱۴- برخی از آسیب‌های وارد بر این تفسیر عبارت‌اند از: عدم ترجمه برخی آیات و روایات، عدم ارتباط بین مطالب و عناوین و فصل‌ها، عدم تعیین دامنه موضوعات، کلی بودن موضوعات، کم‌توجهی به سیاق آیات، کم‌توجهی به شأن نزول، عدم تفسیر برخی از آیات منتخب.

۱۵- تفسیر معارف قرآن اثر عالم بزرگوار مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی، مجموعه کتبی است که در ده محور و به صورت موضوعی دسته‌بندی شده‌اند. روش استاد در این تفسیر این‌گونه است که موضوعات را به صورت منظم و در یک چارچوب خاص و بر محوریت «الله» بیان می‌کنند به گونه‌ای که مرحله اول زمینه‌ساز مرحله بعد و مرحله بعد دنباله‌رو و تکمیل‌کننده مرحله قبلی است.

۱۶- برخی از آسیب‌های این اثر عبارت‌اند از: کلی بودن موضوعات، خلط برخی مباحث با یکدیگر، عدم ترجمه برخی آیات، عدم ارجاع برخی مطالب به منبعی خاص، بیان روایات بدون ذکر منبع و سند، اکتفا کردن به آدرس یا ترجمه آیات، تحمیل رأی بر قرآن.

## ۵-۲- پیشنهادات

امروزه با گسترش جوامع انسانی و پیشرفت زندگی بشر نیازهای مادی و معنوی او نیز بیش‌ازپیش خود را نشان می‌دهد که هریک از آن‌ها نیازمند پاسخی جامع و صریح است. بسیاری از اقشار جامعه مشتاق آشنایی و آگاهی از دیدگاه‌های قرآن کریم در پاسخ به پرسش‌هایی که در ذهن ایجاد می‌شود هستند. رهبر انقلاب در دیدار با بانوان قرآن‌پژوه در روز ولادت حضرت معصومه (س) نیز بر لزوم استخراج مبانی علوم‌انسانی از آیات قرآن کریم تأکید فرمودند. (www.khamenei.ir، ۸۸/۷/۲۸). در دوران معاصر تفسیر موضوعی تنها شیوه‌ای است که به‌وسیله آن می‌توان بسیاری از پرسش‌های ایجاد شده در ذهن بشر را پاسخ داده و مبانی علوم‌انسانی را در قالب تئوری و نظریه از دل آیات قرآن کریم کشف کرد؛ لذا پیشنهاد می‌شود محققان و پژوهشگران و دانشجویان از وجود اساتید بزرگ در این حوزه بهره‌مند شده و موضوعات مختلف در متن زندگی بشر را مورد بررسی قرار دهند؛ تا چراغ هدایت و رهگشای زندگی او باشد. به طور مثال مسائل اجتماعی و جامعه‌شناسی، مباحث فرهنگی و... به‌صورت ریز موضوعاتی از دیدگاه قرآن کریم مورد بررسی قرار گیرند؛ تا تمام جوانب موضوع تبیین و تفسیر گردد.

## منابع

## کتابها

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۸، بیروت، دار صادر: دار بیروت، ۷۱۱-۶۳۰ ه.ق.
۲. ایزدی مبارکه، کامران، شروط و آداب تفسیر و مفسر، تهران - ایران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ه.ش.
۳. بابایی، علی اکبر، تاریخ تفسیر قرآن کریم، قم - ایران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ ه.ش.
۴. جلیلی، هدایت، روش شناسی تفاسیر موضوعی قرآن، تهران - ایران، کویر، ۱۳۷۲ ه.ش.
۵. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، مصحح: محمود لطیفی، قم - ایران، اسراء، چاپ بیست و ششم، ۱۳۸۶ ه.ش.
۶. -----، تفسیر موضوعی قرآن کریم، همه مجلدات، قم، اسراء، ۱۳۸۶ ه.ش.
۷. جوان آراسته، حسین؛ فرقانی، قدرت الله، علوم قرآنی، قم - ایران، پژوهشگاه تحقیقات اسلامی، چاپ سی ام.
۸. حکیم، محمدباقر، علوم قرآنی، مترجم: محمدعلی لسانی، تهران - ایران، تبیان، ۱۳۷۸ ه.ش.
۹. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم - ایران، انتشارات آثار فرهنگ برتر، پنجم، ۱۳۹۳ ه.ش.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین سید جعفر شهیدی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ه.ش.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، محقق: صفوان عدنان داودی، دمشق، دارالقلم دمشق، ۱۴۱۲ ه.ق.
۱۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی، درسنامه روش ها و گرایش های تفسیری قرآن، قم - ایران، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ ه.ش.
۱۳. -----، منطق تفسیر قرآن، ج ۱، قم - ایران، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۷ ه.ش.



۱۴. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، همه مجلدات، ایران - قم، مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ه.ش.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳ و ۴، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ایران - قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ه.ش.
۱۶. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، ج ۱، لبنان - بیروت، دار المعرفة، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه.ق.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۲۶، ایران - تهران، فراهانی، ۱۴۰۸ ه.ق.
۱۸. علوی مهر، حسین، آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، قم - ایران، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴ ه.ش.
۱۹. -----، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، قم - ایران، اسوه، ۱۳۸۱ ه.ش.
۲۰. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران - ایران، امیرکبیر، چاپ سی و هشتم، ۱۳۹۰ ه.ش.
۲۱. فرقانی، قدرت‌الله، آشنایی با تفسیر و روش‌های تفسیری، قم - ایران، مرکز تحقیقات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۳ ه.ش.
۲۲. قاضی‌زاده، کاظم، تفسیر موضوعی قرآن، ج ۱، قم - ایران، دارالحدیث، چاپ اول ۱۳۹۶ ه.ش.
۲۳. مسلم، مصطفی، مباحث فی التفسیر الموضوعی، دار القلم، دمشق - سوریه، ۱۴۲۶ ه.ق.
۲۴. معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، ج ۲، محقق: گروه مترجمان، قم - ایران، التمهید، ۱۳۷۹ ه.ش.
۲۵. -----، سرگذشت تفسیر، قم - ایران، بیان جوان، ۱۳۸۵ ه.ش.
۲۶. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، محقق: جعفر شهیدی، تهران - ایران، امیر کبیر، ۱۳۸۸ ه.ش.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، ج ۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه، نهم، ۱۳۸۶ ه.ش.
۲۸. -----، ترجمه قرآن کریم، ایران - قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، دوم، ۱۳۷۳ ه.ش.

۲۹. مؤدب، رضا، روش‌های تفسیر قرآن، قم-ایران، دانشگاه قم، انتشارات اشراق، ۱۳۸۰ه.ش.
۳۰. مجلسی، محمد باقر، ترجمه بحارالانوار، ج ۶۹ و ۷۴، گروه مترجمان؛ نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، تهران، انتشارات کتاب نشر، چاپ اول، ۱۳۹۲ه.ش.
۳۱. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۳، ترجمه و تلخیص صادق عباسی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ه.ش.
۳۲. مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن، ج ۳-۱، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، چاپ هفتم، ۱۳۹۳ه.ش.
۳۳. -----، اخلاق در قرآن، ج ۱، تحقیق و نگارش: محمد حسین اسکندری، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، چاپ هشتم، ۱۳۹۴ه.ش.
۳۴. -----، اخلاق در قرآن، ج ۲ و ۳، تحقیق و نگارش: محمد حسین اسکندری، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، چاپ پنجم، ۱۳۹۱ه.ش.
۳۵. -----، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، چاپ اول، ۱۳۹۰ه.ش.
۳۶. -----، قرآن‌شناسی، تحقیق و نگارش: محمود رجبی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، چاپ دوم، ۱۳۸۰ه.ش.
۳۷. -----، راه و راهنماشناسی، تصحیح و بازنگری: مصطفی کریمی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، چاپ دوم، ۱۳۹۵ه.ش.
۳۸. یدالله‌پور، بهروز، مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، قم - ایران، دارالعلم، ۱۳۸۳ ه.ش.

## گزارشات علمی و پایان‌نامه‌ها

### مقالات

۱. ابو الحسنی، علی محمد، روش‌شناسی، معرفت، شماره.....، ۱۳۹۳ه.ش، .....

۲. حاجی اسماعیلی، محمد رضا، نوگرایی در دانش تفسیر و بررسی دلایل آن، مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۱۴۰-۱۱۹.
۳. خویشوند، شهربانو؛ آزادی، پرویز، نقد روش شناختی تعاریف تفسیر موضوعی، دو فصلنامه کتاب قیّم، سال هشتم، شماره ۱۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ ه.ش، ص ۱۸۷-۱۷۱.
۴. داوودی، محمد رضا، مزایای تفسیر موضوعی قرآن کریم، معرفت، شماره ۹۶، آذر ۱۳۸۴ ه.ش، ص ۴۱-۳۵.
۵. ذولفقاری، محمدحسین، تفسیر موضوعی، معرفت، ش ۱۳۶، ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۱۸-۵.
۶. رجبی، محمود، تفسیر موضوعی قرآن از منظر استاد محمد تقی مصباح یزدی، قرآن شناخت، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۱۴۶-۱۱۱.
۷. رضایی اصفهانی، محمد علی، شیوه های تفسیر موضوعی قرآن کریم، پژوهش نامه قرآن و حدیث، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۴۸-۲۹.
۸. سجادی، ابراهیم، شکوفایی تفسیر موضوعی در بستر قرن اخیر، پژوهش های قرآنی، شماره ۷ و ۸، پاییز و زمستان ۱۳۷۵ ه.ش، ص ۱۴۹-۱۲۸.
۹. سراقی، علی، آسیب شناسی تفسیر موضوعی، معرفت، شماره ۱۰۷، آبان ۱۳۸۵ ه.ش، ص ۱۱۰-۱۰۵.
۱۰. عباس پور، عمران، تفسیر موضوعی بررسی و نقد دلایل مخالفان، معرفت، شماره ۱۰۷، آبان ۱۳۸۵ ه.ش، ص ۱۱۸-۱۱۱.
۱۱. غلامی، لیلا؛ علوی مهر حسین، چپستی تفسیر موضوعی و تفاوت آن با تفسیر قرآن به قرآن، فصلنامه مطالعات تفسیری، سال دوم، شماره ۸، زمستان ۱۳۹۰ ه.ش، ص ۱۰۰-۸۵.
۱۲. کریمی، مصطفی، فرایند نظریه پردازی قرآنی در حوزه تفسیر موضوعی، مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۲۵، ص ۲۱۷-۱۸۹.
۱۳. -----، ماهیت تفسیر موضوعی، قرآن شناخت، شماره ۶، ص ۱۳۰-۱۰۵.

۱۴. کوهساریان، ابراهیم، بررسی تفسیر موضوعی قرآن کریم، مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، شماره ۸، تابستان ۱۳۹۶ ه.ش، ص ۷۸-۵۹.
۱۵. محمدی، ابوطالب، منابع و روش‌های تفسیر موضوعی در سده چهاردهم، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۸ و ۷، ص ۱۷۷-۱۵۰.
۱۶. مجله معرفت، سخن آغازین: تفسیر موضوعی روشمند گامی برای اسلامی سازی علوم، ادیان، مذاهب و عرفان، شماره ۱۵۲، مرداد ۱۳۸۹ ه.ش، علمی- ترویجی ۱، ISC، ص ۴.
۱۷. نصیری، علی، مبانی کلامی تفسیر موضوعی، اندیشه نوین دینی، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۴ ه.ش، ص ۱۰۶-۷۳.
۱۸. نوذری، اعظم؛ پرچم، اعظم، جایگاه سیاق و نظم موضوعی در تفسیر منشور جاوید، مشکوه، شماره ۱۰۸، پاییز ۱۳۸۹ ه.ش، ص ۸۱-۹۷.
۱۹. هاشمی، حسین، بازتاب تفکر اصلاحی در تفاسیر جدید، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۸ و ۷، پاییز و زمستان ۱۳۷۵ ه.ش، ص ۵۵-۳۰.
۲۰. یساقی، علی اصغر؛ ایازی، محمد علی، تحلیل مبانی و رویکرد شهید صدر به تفسیر موضوعی، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، سال ششم، شماره ۲۵، پاییز ۱۳۸۹ ه.ش، ص ۲۱۷-۱۹۶.

### پایان نامه‌ها

۱. اسحاقی، نیره، تفسیر موضوعی در مکتب اهل بیت (ع)، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، بهار ۱۳۹۲ ه.ش.
۲. آرمیده، کبری، تفسیر موضوعی در بحارالانوار، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، بهمن ۱۳۸۸ ه.ش.
۳. خویشوند، شهربانو، روش‌شناسی، مقایسه و نقد دو تفسیر موضوعی منشور جاوید و التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم با محوریت قصص الانبیاء، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، شهریور ۱۳۹۴ ه.ش.
۴. ساکی، علی، بررسی تفسیر موضوعی آیت الله جوادی آملی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه جامع معارف قرآن کریم، تهران، بهار ۱۳۸۸ ه.ش.

۵. طالبی، زهرا، بررسی تطبیقی مبانی و شیوه های تفسیری آیت الله جوادی آملی و آیت الله سبحانی در تفسیر موضوعی با محوریت منشور جاوید و تفسیر موضوعی جوادی آملی، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، زمستان ۱۳۹۰ ه.ش.
۶. نظر بیگی، مریم، بررسی تطبیقی روش شناسی تفسیر موضوعی قرآن و ارئه تعریفی نو از آن، پایان نامه ی دکتری، دانشگاه کاشان، کاشان، مرداد ۱۳۹۵ ه.ش.

### منابع نرم افزاری و سایت ها

۱. جامع التفاسیر نور ۳، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ۱۳۹۴ ه.ش.
۲. دانشنامه علوم قرآن، مشکاه الانوار، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ۱۳۹۶ ه.ش.
۳. سایت ویکی فقه (دانشنامه ی حوزوی) [www.wikifeqh.ir](http://www.wikifeqh.ir).
۴. کتابخانه دیجیتال مجموعه آثار حضرت آیه الله جوادی آملی، مرکز بین المللی نشر اسراء، ۱۳۷۲ ه.ش.
۵. پایگاه اطلاع رسانی دفتر رهبر معظم انقلاب: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)، ۱۳۸۸ ه.ش.
۶. پایگاه اطلاع رسانی آثار حضرت آیت الله مصباح یزدی [mesbahyazdi.ir](http://mesbahyazdi.ir).

## حسن انجام

تا نوشد بحر را خاستگ و خس  
متصل کردن به دریای می خویش  
کار ما سهواست و نسیان و خطا  
من همه جهلم، مراده صبر و حلم  
مصلحی تو، ای تو سلطان سخن "مولانا"

بعد از این مایده خواهیم از تو بس  
قطره دانش که بخشد می ز پیش  
کار تو تبدیل اعیان و خطا  
سهو و نسیان را مبدل کن به علم  
گر خطا کفیم اصلا حس تو کن

## **Abstract**

### **Investigating the origin of thematic interpretation and its pathology based on contemporary thematic interpretations**

It will not be possible to confront the various theories and schools in the contemporary era through the Qur'an and present the Qur'anic theory except through the method of thematic interpretation. Therefore, familiarity with components such as the context of the emergence and development of this method of interpretation, as well as the harms of this field is of great importance.

This research, in a descriptive-analytical method and using library resources, seeks to answer the questions: what are the origins and areas of attention and expansion of this interpretation? What is the harm to this interpretation? And what challenges and harms do contemporary thematic interpretations face?

According to the research, some of the origins and fields of attention and expansion of thematic interpretation include cultural confrontation and aggression in various fields, sense of Islamic identity, emergence of deviant tendencies in the interpretation of the Holy Quran, expansion and development of research facilities and Information facilities and lack of attention to context. , Fragmentation and separation of verses from their original geography, imposition of opinion and improper adaptation, generality of topics are included in this interpretation, which is sometimes seen in contemporary thematic interpretations such as the Javid Charter, thematic interpretation and Ma'aref Qur'an.

It should be noted that so far no independent research has been done on "examining the origin of thematic interpretation and its pathology based on major contemporary interpretations".

**Keywords:** Origin, pathology, eternal charter, thematic interpretation, teachings of the Qur'an

In the name of God, The Most Merciful, The Most Compassionate

### Author's Declaration of Thesis Originality

I, the undersigned, **Azadeh Nourizadeh**, who completed my Graduate / Postgraduate program for Master's/ doctorate degree in Theology and Islamic Sciences In Quran and Hadith Sciences upon defending my thesis

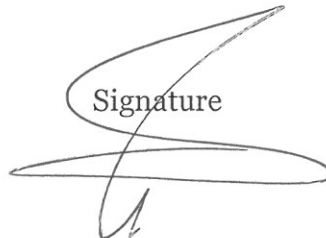
entitled: **Lnvestigating the origin of thematic interpretation and its pathology based on contemporary thematic interpretations**

- 1 This thesis is the sole result of my research under the auspices of Arak University academics and in cases I have used the works (including theses, books and articles) of other people, I have fully cited them in accordance with referencing norms and practices.
- 2 This thesis has not been previously, or concurrently, submitted to other universities and academic institutions, with the same, upper or lower educational level.
- 3 henceforth, any kind of utilization including book publication, invention registry, and transfer of information to other individuals, translation and adaptation, happens upon written agreement of Arak University and I shall previously receive the required licenses from the Vice Presidency for Research of Arak University. I shall additionally respect the university property rights through citing the title of Arak University alongside the authors' names so that it fully and explicitly indicates the university's ownership of the work, if papers/articles based on this thesis may be presented at conferences or sent to journals for publication.
- 4 I am aware that in case of non-compliance, at any point in time, the university is entitled to withdraw the degree awarded to me on the basis of the present thesis, and to treat me in accordance with rules and regulations and I shall have no right to claim.
- 5 All findings and proprietary rights produced as a result of this thesis belong to Arak University.
- 6 Provided that the source is cited, quoting contents is permitted.

Author's Full Name

Azadeh Nourizadeh

Signature



Date



**In the name of God, The Most Merciful, The Most Compassionate**  
**Research Ethics Charter**

With assistance sought from the Glorious God, and with an unshakeable belief in the world being His divine presence and His invariably witnessing our deeds; and in order for proper conducting of authentic research, production of original knowledge and ameliorating the quality of human life; we, the students and faculty members of Arak University shall:

Do our best to discover truth and nothing but the truth and restrain from any form of fabrication and falsification in scientific activities; acknowledge the rights of researchers, research participants (humans, animals, plants and objects), organizations and other holders of rights and shall strive to respect them; appreciate material and spiritual ownership of works of research; be dedicated to conducting authentic research and avoid plagiarism and improper referencing.

While adhering to fairness and avoiding any type of bias and prejudice, we shall adopt a critical approach in every research activity. We shall efficiently take avail of existing economic, human and technical resources and facilities while keeping them safe. We shall refrain from unethical publication of research results, such as parallel, overlapped and partial publication and consider confidentiality and secrecy as our central research principles; regard national resources in our entire research activities, and strive to conserve them.

We view ourselves bound to observing the entire academic norms of our field of study, rules and regulations, professional, organizational and governmental policies as well as national strategies at each step in our research. We deem it a cultural measure to heed the code of research ethics and shall devote our time to promoting this culture in our society.

Supervisor's Name: Dr. Ehsani

Signature: 

Date:

Candidate's Full Name: Azadeh Nourizadeh

Signature: 




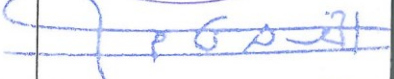

Date:

## "Proceedings of the defense of the master's thesis"

With the approval of God Almighty and with the help of Hazrat Vali-e-Asr (may God hasten Farjah Al-Sharif) Ms. Azadeh Nourizadeh Master Thesis Defense Session Student number 39711121027 Theology majoring in Quran and Hadith

Under the title: **Investigating the origin of thematic interpretation and its pathology based on contemporary thematic interpretations**

With the presence of the jury, it was formed in the defense hall of the Faculty of Humanities on 7/6/2021. At this meeting, the dissertation was accepted and defended with a good score.

First name and last name	Function	Academic Rank	Signature
Dr. Keyvan Ehsani	First Supervisor		
Dr. Alireza Tabibi	First Consultant Professor		
Dr. Fatemeh Dastranj	Internal referee of the dissertation		
Dr. Ebrahim Ebrahimi	Internal referee of the dissertation		
	Graduate representative		

The defense has been carried out in accordance with the obtained license and the rules and regulations of the master's course, and the result has been approved.

Graduate School



Arak university  
Faculty of Humanities and Foreign Language  
Department of Theology  
“Quran and Hadith Scinece”

Title:

Lnvestigating the origin of thematic  
interpretation and its pathology based on  
contemporary thematic interpretations

By:

Azadeh Nourizadeh

Supervisor:

Dr. keyvan Ehsani

Advisor:

Dr. Alireza Tabibi

Spring / 2021